بسم الله الرحمن الرحیم

انتشارات خادم الرضا (ع)

■ قم /خیابان صفائیه (شهدا) /
انتهای کوی بیگدلی /
نبش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴
■ صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳
■ تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱ـ ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

گلبرگ زندگی

■ تألیف: حسین دهنوی
■ ناشر: انتشارات خادم الرضا علیه‌السلام
■ تیراژ: نسخه / قطع: / تعداد صفحه:
■ مدیریت هنری:
■ قیمت:
■ شابک:

ستاد اجرایی طرح توسکا(مجری توزیع سراسری کتاب ایران)
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱ ـ ۰۹۱۲۲۵۱۳۶۸۹
انتشارات اندیشه‌ماندگار
۹۹ـ۷۷۳۹۰۹۸/۰۲۵۱ ـ ۰۹۱۲۲۵۲۶۲۱۳

انتشارات خادم الرضا (ع)

گلبرگ زندگی

(گفتگوی تلویزیونی ازدواج در شبکه سه)

سفید

فهرست مطالب

سخن ناشر

کتابی که پیش رو دارید، نوشته حجت الاسلام والمسلمین آقای حسین دهنوی، کارشناس برنامه تلویزیونی «گلبرگ» در شبکه سه سیما است که پس از ۶ ماه کارشناسی مسائل مربوط به ازدواج، اکنون در اختیار شما قرار می‌گیرد.

این کتاب که به شکل پرسش و پاسخ آماده شده، ثمره پاسخگویی به سؤالاتی است که جوانان عزیز کشورمان از طریق ایمیل (پست الکترونیکی)، پیامک و تلفن در طول مدت برنامه زنده تلویزیونی مطرح کرده‌اند.

ویژگی پاسخ‌ها این است که مؤلف محترم با استفاده از رائحه خوش آیات شریف قرآن و روایات دینی، از مسائل روان شناختی، جامعه‌شناختی و حتی روان‌پزشکی نیز غفلت نکرده است؛ بنابراین با جرأت می‌توان گفت که جامع‌ترین و کاربردی‌ترین کتاب در زمینه مسائل ازدواج در حال حاضر است که ابعاد گوناگون آن را از نظر دور نداشته.

مرکز نشر مؤسسه فرهنگی ـ هنری خادم الرضاﷺ افتخار دارد که پس از چاپ و نشر ۳ جلد کتاب نسیم مهر (پرسش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان) از مؤلف که در مدت کوتاهی بیش از یکصد نوبت چاپ شده است، چاپ و نشر این اثر را نیز با عنوان گلبرگ زندگی به عهده گیرد و آن را به زیور طبع بیاراید. بدان امید که همچون نسیم مهر مورد توجه هموطنان عزیز به ویژه جوانان فرهیخته وطن قرار گیرد؛ ان‌شاءالله.

مرکز نشر مؤسسه فرهنگی ـ هنری خادم الرضاﷺ

دیباچه

خداوندا! تو را سپاس می‌گویم که این بنده کمترین را شایسته خدمتگزاری به جوانان خوب و سرشار از عاطفه این سرزمین مقدس قرار دادی تا بتوانم با گامی هر چند کوچک، در پاسخگویی به سؤالاتشان در زمینه ازدواج که مهم‌ترین رخداد زندگی آنان است بکوشم.

پس از سال‌ها طرح مباحث ازدواج در مجالس و محافل، خداوند توفیق عنایت فرمود تا آن‌ها را در برنامه‌ای تلویزیونی (گلبرگ) به طور زنده و به شکل پرسش و پاسخ مطرح کنم که با عنایت پروردگار بزرگ، مورد توجه مخاطبان به ویژه جوانان قرار گرفت و اکنون خداوند، توفیقی دیگر عطا فرمود تا آن مطالب را به شکل کتاب و با سیری منطقی‌تر ارائه کنم.

در این اثر سعی شده است تا حد امکان، اصل اختصار رعایت شود و اگر به تکرار مطلبی نیاز بوده، با ذکر صفحه، به قسمت‌های دیگر کتاب ارجاع داده شود.

این اثر، ثمره کوشش عزیزانی است که اگر لطفشان شامل حال نگـارنده نمی‌شد، به طور قطع امروز حیات نمی‌یافت.

از همه متخصصانی کـه در مـدت ۶ مـاه اجـرای بـرنامه از انـدیشه‌های ارزشمندشان استفاده کردم و از سرور ارجمندم، جناب آقای پـورمحمدی، مدیر محترم شبکه سه سیما که پشتیبانی‌های مادی و معنوی ایشان از عوامل برنامه، در توفیقات آنان بسیار مؤثر بود و نیز مدیران محترم گروه اجتماعی و معارف، آقایان شریعت‌پناهی و سیدحسینی و نیز تهیه کننده مـحترم بـرنامه گلبرگ، جناب آقای بیک‌محمدی و دیگر دست‌اندرکاران آن سپاسگزارم و بر تلاش‌های مرکز نشر مؤسسه فرهنگی ـ هنری خادم الرضا علیه‌السلام ارج می‌نهم که با کوشش‌های بی‌دریغ خود، زحمت چاپ و نشر این نوشتار را به عهده گرفتند.

الحمدلله رب العالمین و العاقبه للمتقین

حسین دهنوی

زمستان ۱۳۸۷

ضرورت ازدواج

آیا انسان حتماً باید ازدواج کند و اگر ازدواج نکند، چه مشکلاتی ممکن است پدید آید؟

ازدواج، اقتضای طبیعت انسان است. زوجیت در تمام موجودات عالم (حیوانات، گیاهان و حتی جمادات) وجود دارد.

سُبْحَانَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ ٱلْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لاَ يَعْلَمُونَ.[۱]

منزه است خدایی که تمام موجودات عـالم، از جـمله گـیاهان و انسان‌ها و آنچه را نمی‌دانند، به صورت زوج آفرید.

انسان به طور طبیعی به سوی زوج خود می‌رود.

اریک فروم (Erich Fromm) روان‌شناس آلمانی می‌گوید:

انسان از لحظه‌ای که به دنیا می‌آید تا لحظه مرگ، هر کاری می‌کند،

---

۱. یس (۳۶)، ۳۶.

برای رفع احساس تنهایی خویش است.[۱]

ازدواج برای رسیدن به کمال است. بر اساس گفته‌ای از افلاطون، انسان به دنبال نیمه گمشده خویش می‌گردد.

امام باقر علیه السلام به زنی که می‌خواست بدون ازدواج به کمال برسد فرمود:

این کار را نکن. اگر خودداری از ازدواج، فضیلت و کمالی را در پی داشت، فاطمه علیها السلام به درک این فضیلت، شایسته‌تر از تو بود.[۲]

کسانی که از ازدواج رویگردانند، به دستور خداوند و پیامبر بزرگوار او بی‌توجهی می‌کنند؛ آن جا که فرمود:

اَلنِّکاحُ سُنَّتی فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتی فَلَیْسَ مِنّی.[۳]

ازدواج، سنت من است. کسی که از سنت من روی برگرداند، از من نیست.[۴]

مجرد ماندنِ بی‌دلیل، آفاتی دارد که باید با ازدواج درست، از آن‌ها دوری جست:

۱. بی‌توجهی به‌خانواده: با مجرد ماندن، خانواده تشکیل نمی‌شود و با عدم تشکیل خانواده، به تدریج از ارزش آن کاسته می‌شود و زمینه آسیب‌های فردی و اجتماعی فراهم خواهد شد؛ همان مشکلی که امروزه غرب با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

۲. فراهم آمدن زمینه‌گناه: با مجرد ماندن، زمینه گناه افزایش می‌یابد. رسول

۱. اصغر کیهان‌نیا، ***جوانان و ازدواج***، ص۱۵.
۲. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.
۳. همان.
۴. دستور پیامبر به معنای وجوب نیست. ازدواج، مستحب مؤکد است، مگر این‌که انسان به سبب ازدواج نکردن به گناه بیفتد که در این صورت واجب می‌شود(رساله علمیه، م ۲۴۴۳).

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به مردی به نام عکّاف فرمود:

تَزَوَّجْ وَ اِلّا فَاَنْتَ مِنَ الْمُذْنِبینَ.[۱]

ازدواج کن؛ وگرنه ازگناهکاران خواهی بود.

۳. فراهم شدن زمینه شرارت: مجردی به معنای رهایی است و کسی که رها است، زمینه شرارت در او بیشتر پدید می‌آید؛ به همین سبب پیامبر اسلام، شرورترین افراد امت خود را مجردان می‌داند (**شِرارُ اُمّتی عزّابُها**).[۲]

۱. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج۱۰۰، ص۲۲۱.
۲. همان، ص ۲۲۲.

فواید ازدواج

فواید ازدواج چیست و آیا ازدواج، صرفاً برای ارضای غرایز جنسی است؟

ازدواج، صرفاً برای ارضای غرایز جنسی و بقای نسل نیست؛ بلکه فواید متعدد دیگری نیز دارد:

۱. حفظ دین: ازدواج، انسان را از آلودگی‌ها دور می‌کند و می‌تواند نیمی از دین او را حفظ کند (ر.ک: ص ۳۶).

۲. افزایش ایمان: کسی که ازدواج کند، افزون بر حفظ دین می‌تواند ایمان خود را نیز فزونی بخشد. بر اساس فرموده‌ای از رسول رحمت ﷺ فرد متأهل، خدا را پاک و پاکیزه ملاقات می‌کند.[۱]

امام صادق ؑ فرمود:

دو رکعت نماز متأهل، از هفتاد رکعت نماز مجرد بهتر است.[۲]

---

۱. همان، ص۲۲۰.

۲. همان، ص۲۱۹.

بر اساس سخنی از امام باقرؑ دو رکعت نماز متأهل، از روزه‌داری و شب‌زنده‌داری مجرد پربهاتر است.[۱]

۳. کسب آرامش: متأهل، آرامش بیشتری از مجرد دارد و دلیل آن، افزون بر آرامشی که از همسر خود می‌گیرد **(لِتَسکُنُوا اِلَیها)**، یافتن فامیل جدید و احساس پشتوانه بیشتر است. امام رضاؑ فرمود:

اگر درباره ازدواج، دستوری از خداوند و پیامبرﷺ هم صادر نشده بود، فایده‌هایی همچون نزدیکی خویشان و پیوند با بیگانگان کافی بود که خردمند موفق و هدفمند را به ازدواج ترغیب کند.[۲]

۴. تکریم شخصیت: در جامعه، شخصیت متأهل، بیشتر از مجرد گرامی داشته می‌شود.

۵. کسب اعتبار در جامعه: اعتباری که مردم برای ازدواج‌کرده قائل می‌شوند، به اندازه مجرد نیست.

۶. ایجاد امنیت روانی: امنیت روانی به‌ویژه در دختران، از فواید مهم ازدواج است.

۷. احساس مسؤولیت بیشتر: وقتی پای انسان دیگری در زندگی انسان باشد، احساس مسؤولیت او افزون‌تر می‌شود.

۸. به کارگیری استعدادهای نهفته: انسان متأهل، برای خوشبخت کردن همسر و فرزندان خود بیشتر می‌کوشد و استعدادهای نهفته خود را شکوفاتر می‌سازد.

۹. ارضای حس محبت کردن و محبت شدن: انسان به طور غریزی دوست

---

۱. عزیزالله عطاردی، ***مسندالامام الرضا***ؑ، ج۲، ص۲۵۶.

۲. محمدی ری‌شهری، ***میزان الحکمه***، ج ۲، ح ۱۱۷۸.

دارد به دیگران محبت کند و مورد محبت قرار گیرد که همسر، گزینه مناسبی برای ارضای این غریزه است.

۱۰. مزایای شغلی بهتر: با توجه به اعتماد افزون‌تری که جامعه به فرد متأهل دارد، استقبال بیشتری برای استخدام و به کارگیری او خواهد داشت.

انگیزه ازدواج

تحمیل دیگران

به دخترعمویم هیچ علاقه‌ای ندارم؛ اما پدر و مادرم اصرار دارند که با او ازدواج کنم و می‌گویند: بعد از محرمیت، علاقه و محبت ایجاد خواهد شد. آیا چنین است؟

حق انتخاب در ازدواج با شما است و پدر و مادرتان در عین حال که جایگاه ارزشمندی دارند، و لازم است رضایتشان را برای ازدواج جلب کنید (ر.ک: ص۷۹و ۸۰)، حق ندارند به جای شما انتخاب کنند.

این گونه ازدواج‌ها، ازدواج‌های تحمیلی است و پایان خوشی ندارد و به احتمال فراوان به جدایی می‌انجامد. گذشته از این که براساس فتاوای مراجع تقلید، رضایت دختر و پسر به ازدواج، شرط صحت عقد است؛ پس اگر به زور وادار به ازدواج شوند، عقد صحیح نیست، مگر این که بعد رضایت دهند.[1]

---

۱. *ترجمه تحریرالوسیله*،ج۳، ص۴۵۳، مسأله ۲۵.

مراقب باشید که تحت فشارهای عاطفی والدین (اشک و آه‌ها، ناله‌ها، نگاه‌های ملتمسانه)، تهدید به نفرین و... زیر بار این ازدواج نروید؛ زیرا رنجشی که بعداً از شکست شما برای پدر و مادرتان پیش خواهد آمد، به طور قطع، بیشتر از رنجی است که امروز با مخالفت شما ایجاد می‌شود.

اگر دخترعموی شما برایتان دافعه دارد و وقتی او را می‌بینید، احساس نفرت می‌کنید، مطمئن باشید که پس از ازدواج، محبت ایجاد نخواهد شد؛ پس هرگز به چنین ازدواجی تن ندهید؛ اما اگر در برابر او دافعه ندارید، بلکه بی‌تفاوت هستید و شرایط مطلوب نسبی شما (اعتقادات، اخلاق، اصالت خانوادگی و...) را دارد، احتمال فراوانی هست که بعداً محبت ایجاد شود؛ همان گونه که در موارد بسیاری چنین شده است؛ البته به این شرط که حساسیت بیش از حد در مورد ظاهر همسر آینده‌تان نداشته باشید.

عوامل خودتحمیلی

چه عواملی سبب می‌شود که انسان ازدواج را بر خود تحمیل کند؟

گاهی خود شخص، ازدواج بدون شرایط را بر خود تحمیل می‌کند که از آن‌ها به عوامل خود تحمیلی تعبیر می‌کنیم. این عوامل عبارتند از:

۱. فشارهای خانواده: گاهی خشونت پدر، پرتوقعی مادر، دعواهای والدین، فشارهای برادر یا خواهر، تنگناهای مالی در خانواده و... شخص را به ازدواج بدون شرایط وا می‌دارد؛ اما توجه ندارد که شرایط فعلی در خانه گذرا، و شرایط بعدی در زندگی زناشویی همیشگی خواهد بود.

۲. یافتن حامی: خانمی که احساس می‌کند در منزل پدر حمایت نمی‌شود، برای یافتن حامی، به ازدواج نامناسب تن می‌دهد.

۳. از دست دادن فرصت‌ها: گاهی با کمی بالاتر رفتن سن، نگران از دست دادن فرصت‌ها می‌شود و به کسی که شرایط مناسب را ندارد، پاسخ مثبت می‌دهد.

۴. باز کردن راه دیگران: خواهر بزرگ‌تر، چون خود را مانع ازدواج خواهر کوچک‌تر می‌بیند، بدون توجه به شرایط طرف مقابل با او ازدواج می‌کند تا موانع ازدواج خواهرش را از پیش پایش بردارد(ر.ک:ص۱۰۲و۱۰۳)

۵. عقب ماندن از قافله: دختر یا پسری که دوستانش ازدواج کرده‌اند و احتمالاً فرزندانی هم دارند، وسوسه می‌شود که با نبود شرایط ازدواج کند تا از قافله عقب نماند؛ به‌ویژه اگر در معرض سؤال‌ها و گوشه کنایه دیگران نیز باشد.

۶. لجبازی: گاهی صرفاً برای لجبازی با کسانی که او را از ازدواج با شخصی منع کرده‌اند، به رغم نداشتن شرایط، با او ازدواج می‌کند.

۷. ترس از نفرین طرف مقابل: در مواردی خواستگار یا دختر، از ترس نفرین طرف مقابل یا دلشکستگی‌اش و به سبب احساس ترحم و دلسوزی با او ازدواج می‌کند؛ در حالی که می‌داند همتایی لازم را با هم ندارند و دلشکستگی او در صورت جدایی پس از ازدواج، بیشتر خواهد بود.

۸. ترس از تهدید طرف مقابل: گاهی از ترس تهدید طرف مقابل که ممکن است در ازدواج او موانعی ایجاد کند، می‌پذیرد؛ اما توجه ندارد که پیامدهای منفی این تهدید پس از ازدواج، به مراتب افزون‌تر است.

۹. رسیدن به دارایی و موقعیت اجتماعی: برخی با کسی ازدواج می‌کنند که شرایط مطلوب را ندارد بدان امید که بتوانند از دارایی یا موقعیت اجتماعی و

سیاسی خانواده او در زندگی بهره‌مند شوند.

۱۰. **روکم‌کنی:** برخی از خانم‌ها یا آقایان بی‌درنگ پس از شنیدن پاسخ منفی، به ازدواج بدون شرایط اقدام می‌کنند تا به اصطلاح، روی طرف را کم کنند و به وی بفهمانند که خواهان داشته‌اند و او فرصت مناسبی را از دست داده است.

قطع ارتباط عاطفی

شخصی را برای ازدواج برگزیده بودم؛ ولی ازدواج صورت نگرفت و اکنون به شدت تحت فشار عاطفی هستم. آیا ازدواج با دیگری می‌تواند راه گریزی برای فراموشی او باشد؟

خیر. تا قطع کامل ارتباط عاطفی پیشین، به ازدواج اقدام نکنید؛ زیرا ممکن است نتوانید با همسرتان ارتباط عاطفی برقرار کرده، حقوق او را به جا آورید؛ در نتیجه احساس گناه و خیانت می‌کنید و به تدریج زمزمه‌های جدایی آغاز می‌شود.

برای این که بتوانید راحت‌تر و سریع‌تر با این مشکل کنار بیایید:

۱. با فکر او مقابله کنید. راه‌های مقابله با این گونه افکار، تلاوت قرآن (سوره‌های مبارکه فلق، ناس، آیة الکرسی)، ذکر (لا اِلٰه الّا اللهُ، اَعُوذُ بِالله مِنَ الشَّیطانِ الرّجیم، هُوَ الاوَّلُ وَ الاٰخِرُ و الظّاهِرُ وَ الْباطِنُ وُ هُوَ بِکُلِ شَیءٍ عَلیم، تَوَکَّلتُ عَلَی الْحَیِّ الّذی لایَموتُ و الْحَمدُللهِ الّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُن له شَریکٌ فِی الْمُلکِ وَ لَمْ یَکُن لّهَ وِلِیٌ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّره تَکْبیراً)، شمارش معکوس از عدد صد به پایین در ذهن، جمع یا تفریق دو عدد در ذهن (دو عدد دو رقمی، یکی فرد و یکی زوج)، شمارش حروف یک جمله از کتاب هنگام مطالعه، و بستن کشی به مچ دست و کشیدن آن و ضربه به دست است.

۲. وقت خود را با برنامه‌های متنوع پر کنید.

۳. به ورزش توجه جدی داشته باشید. ورزش سبب آزادسازی مواد دردزدای اندورفین می‌شود و احساس آرامش خواهید کرد.

۴. از تنهایی بپرهیزید و اوقات تنهایی خود را با خانواده یا دوستانتان بگذرانید.

۵. از خدای بزرگ مدد بجویید. با توجه به این که او مؤثر واقعی است، حتماً در قطع این ارتباط عاطفی به شما کمک خواهد کرد.

درمان بحران‌های روحی

از بحران‌های روحی، از جمله افسردگی رنج می‌برم و می‌خواهم با ازدواج، از این بحران‌ها رهایی یابم. آیا این انگیزه برای ازدواج درست است؟

ازدواج، مایه آرامش است، به این دلیل که انسان را از تنهایی و سردرگمی در می‌آورد؛ اضطراب ناشی از ابهام آینده را از بین می‌برد؛ فشارهای ناشی از غرایز جنسی را می‌کاهد و...؛ اما ازدواج نمی‌تواند بحران‌های روحی مانند افسردگی ماژور (حاد) را از بین ببرد.

اگر بحران روحی شما به گونه‌ای است که لذت‌های دنیا را ترک کرده‌اید؛ بی‌دلیل و فراوان گریه می‌کنید؛ در خواب، خوراک و عملکردتان اختلال ایجاد شده، و افکار خودکشی یا آرزوی مرگ دارید و این حالت بیش از دو هفته طول کشیده، نشانه‌های افسردگی حاد است که باید تحت نظر

روان‌پزشک قرار بگیرید.

توصیه می‌شود پیش از اقدام به ازدواج، خود را درمان کنید تا سبب مشکلات بیشتری از جمله مشکلات روحی ـ روانی همسر آینده‌تان نشوید.

اصلاح رفتار با ازدواج

می‌خواهم با خانمی که رفتارهای نابهنجاری دارد، ازدواج کنم. آیا می‌توانم با ازدواج، بر او تأثیر گذاشته، اصلاحش کنم؟

ازدواج مهم‌ترین رخداد زندگی شما است و انگیزه‌های خاصی دارد (ر.ک: ص ۲۱ـ۲۳) و راهکار اصلاح نابهنجاری‌های دیگران نیست. برای این مقصود باید از شیوه‌های دیگری بهره جویید؛ برای مثال می‌توانید با همتای خود ازدواج کنید و همسر شما با ایجاد رابطه دوستانه با آن خانم، در اصلاح او بکوشد.

گاهی شخص، پیش از ازدواج، خود را برای رسیدن به محبوب اصلاح می‌کند. در این صورت نیز تا اطمینان کامل نیافته‌اید که به واقع اصلاح شده، به ازدواج اقدام نکنید؛[1] زیرا در موارد بسیاری، پس از ازدواج و فروکش کردن احساسات، به اصل خویش بازگشته و دوباره همان روش پیشین زندگی را در پیش گرفته است.

۱. ازدواج با چنین شخصی در صورتی درست است که از جهات دیگر نیز همتایی وجود داشته باشد.

تغییر دین با ازدواج

می‌خواهم با شخصی مسیحی ازدواج کنم تا بدین وسیله، زمینه‌های تشرف او را به اسلام فراهم آورم. آیا این انگیزه درستی برای ازدواج است؟

اسلام، در شرایطی، به مرد مسلمان اجازه داده تا با زنان اهل کتاب ازدواج کند؛ اما به زن مسلمان اجازه ازدواج چه با اهل کتاب و چه با غیر آن‌ها و چه به صورت دائم یا موقت را نداده است[1] که آن هم دلیل دارد و اسلام نمی‌خواهد مرد غیرمسلمان بر زن مسلمان تسلط داشته باشد.

با این فرض که شما مرد باشید و اسلام اجازه ازدواج با زن مسیحی را به شما داده باشد، توصیه می‌کنیم از این کار بپرهیزید؛ چراکه ازدواج، مهم‌ترین رخداد زندگی شما است و ریسک (خطرپذیری) در آن جایی ندارد.

بر فرض که بتوانید از نظر دینی او را همتای خود کنید، با فرهنگ و آداب و رسوم وی و خانواده‌اش (ر.ک: ص ۱۵۱و۱۵۲) که سال‌ها نهادینه شده، چه خواهید کرد؟!

۱. سید حجت موسوی خویی، ***احکام ازدواج دائم و موقت***، ص ۸۱

سن ازدواج

سن مناسب ازدواج

بهترین و مناسب‌ترین سن برای ازدواج چه زمانی است؟

برای ازدواج دختر و پسر، سن مشخصی را نمی‌توان ذکر کرد؛ زیرا شرایط و موقعیت افراد متفاوت است؛ برای مثال، سن ازدواج در مناطق گرمسیر، به سبب بلوغ جنسی زودتر دختران و پسران، و در مناطق روستایی به جهت ساده‌تر بودن زندگی و نبودن پیچیدگی‌های زندگی شهرنشینی و نیز حمایت بیشتر خانواده‌ها، پایین‌تر است.

آنچه زمینه را برای ازدواج دختر و پسر آماده می‌کند، امکانات اولیه مادی، بلوغ شرعی، بلوغ جنسی، بلوغ فکری، رشد جسمی و روحی، رشد اجتماعی و شخصیتی، استقلال فکری، ثبات عاطفی[1] و قدرت مدیریت

---

۱. با توجه به این که دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سالگی) دوره شدت عواطف و عدم ثبات عاطفی است و این نگرانی به‌ویژه در خانم‌ها وجود دارد که تصمیمشان برای ازدواج از روی عواطف و احساسات صرف باشد و کمتر جنبه عقلانی داشته باشد، توصیه می‌شود ازدواج در این دوره انجام نشود، مگر این که اطمینان یابند تصمیمشان عقلانی و بدون حکومت عواطف است.

بحران (مواجهه با مشکلاتی که در فرایند ازدواج ممکن است ایجاد شود و مقابله با بحران‌های زندگی) است که اگر این شرایط به طور نسبی (و نه مطلق) فراهم شد، شخص می‌تواند ازدواج کند.

گاهی با وجود شرایط پیش گفته، موانعی از جمله تحصیلات عالی برای آقایان[1] یا اتمام خدمت نظام وظیفه در ازدواج وجود دارد که می‌توان با طولانی‌تر کردن دوران عقد (ر.ک: ص۲۲۴و۲۲۵)، این مشکل را از بین برد.

ازدواج در سنین پایین

آیا ازدواج در سنین پایین ممکن است مشکلاتی را در پی داشته باشد؟

ازدواج در سنین پایین به جهت کم‌تجربگی، ممکن است باعث ضعف تدبیر و مانع از مدیریت بحران شود.

با توجه به این که شخص در سنین پایین، ثبات عاطفی ندارد، ممکن است در انتخاب خود عاقلانه تصمیم نگیرد و بعد پشیمان شود.

به طور معمول وابستگی افراد در سنین پایین به والدین بیشتر است و در صورت ازدواج، ممکن است زمینه دخالت‌های آنان بیشتر فراهم شود و مشکلاتی را پدید آورد.

در صورتی که سن دختر پایین باشد (زیر ۱۸) و با ازدواج باردار شود، احتمال مشکلاتی از قبیل فشار خون بالای دوران بارداری، کم‌خونی و

۱. تحصیلات عالی در خانم‌ها نمی‌تواند مانع ازدواج باشد؛ چون تأمین امکانات زندگی به عهده مرد است؛ بنابراین، پس از گذشت یکی دو ترم از دانشگاه که پایه‌های تحصیلی خانم مستحکم شد، منعی برای ازدواج او نیست.

عوارض زایمان، نوزاد زودرس با وزن کم، نوزاد مرده، و نوزاد با هوش بهر پایین، افزون‌تر می‌شود.

ازدواج زودرس، مانند چیدن میوه کال و نارسی است که وقت چیدن آن نبوده.

ازدواج در سنین بالا

آیا ازدواج در سنین بالا و تأخیر در ازدواج ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد؟

همان گونه که طبیعت چهار فصل دارد، طبیعت زندگی انسان هم بهار، تابستان، پاییز و زمستان دارد و بهترین فصل برای ازدواج، بهار زندگی یعنی ابتدای جوانی است.

تأخیر در ازدواج و کشیده شدن به فصل‌های بعدی زندگی، مشکلاتی را پدید می‌آورد:

۱. از بین رفتن شادابی دختر و پسر؛

۲. از دست رفتن فرصت‌های ازدواج به‌ویژه برای دختران؛

۳. فاصله سنّی زیاد با فرزندان و ایجاد ضعف یا عدم درک متقابل در آینده؛

۴. مشکلات مربوط به فرزنددار شدن.[1]

۱. فشار خون بالای دوران بارداری، سختی زایمان در خانم‌های بالای ۲۷ سال، احتمال سندرم داون فرزند (منگولیسم) در بارداری بالای ۳۵ سال، تعطیلی نطفه‌سازی در دختران بالای ۴۵ سال، و کاهش فعالیت اسپرم‌زایی در مردان بالای ۳۵ سال.

تأخیر در ازدواج به تعبیر رسول گرامی اسلامﷺ مثل این است که میوه‌ای رسیده باشد و چیده نشود.

اِنَّ الْاَبکارَ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَی الشَّجَرِ اِذا اَدْرَکَ ثِمارُها فَلَمْ تُجْتَنَ اَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ نَثَرَتْهُ الرِّیاحُ.[۱]

دوشیزگان چونان میوه روی درختند. هنگامی که برسند و چیده نشوند، نور خورشید آن‌ها را از بین می‌برد و بادها آن‌ها را به این سو و آن سو می‌برند.

از مضمون روایت چنین استفاده می‌شود که تأخیر در ازدواج، سبب سردرگمی و کلافگی شده، آرامش روانی انسان را از بین می‌برد، و احتمال انحرافات اخلاقی و جنسی افزایش می‌یابد.

ویل دورانت (Will Durant) می‌گوید:

اگر ازدواج در سال‌های طبیعی انجام شود، بیماری‌های روانی و انحرافات جنسی که زندگی معاصر را لکه‌دار کرده است، به نصف کاهش خواهد یافت.[۲]

این عبارت، مضمون روایتی از رسول خدا است که فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اَحْرَزَ نِصفَ دینِه فَلْیَتَّقِ اللهَ فی النصفِ اْلباقی.[۳]

کسی که ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ می‌کند و برای نیم دیگر باید پرهیزکاری پیشه سازد.

یا روایتی که فرمود:

---

۱. حرعاملی، ***وسائل الشیعه***، ج۲۰، ص۵۵.

۲. نرم‌افزار پرسمان۲(www.porseman.org).

۳. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج۱۰۰، ص۲۱۹.

وقتی جوانی ازدواج می‌کند، شیطان فریاد برمی‌آورد که دو سوم دینش را از دستبرد من دور کرد.[۱]

فاصله سنی دختر و پسر

فاصله سنی دختر و پسر چقدر باشد، مطلوب است؟

فاصله سنی مطلوب بین دختر و پسر تقریباً بین ۳ تا ۷ سال است؛ یعنی پسر بزرگ‌تر باشد.

در صورت وجود شرایط مطلوب، کمی کمتر یا بیشتر از این مقدار هم قابل قبول است؛ اما فاصله سنی زیاد، مشکلاتی را در زندگی زناشویی پدید می‌آورد که ناشی از درک دوگانه دختر و پسر از دنیا و تفاوت نیازهای آن دو در سنین متفاوت است.

تفاوت سنی بالا زمانی بیشتر رخ می‌نماید که دختر و پسر در دو دنیای متفاوت نوجوانی و بزرگسالی باشند؛ زیرا دختر نوجوان به شدت عاطفی است و به عواطف نیاز دارد؛ اما بزرگسال با خروج از نوجوانی، عواطف خود را خرج کرده و اکنون که در بزرگسالی به سر می‌برد، توان درک و همراهی با همسر نوجوان خود را ندارد.

---

۱. همان، ص۲۲۱.

سن بالاتر دختر

آیا اشکالی دارد که سن دختر چند سال بیشتر باشد؟

مطلوب، بالاتر بودن سن پسر است و اگر برعکس شود، به عللی مشکلاتی را پدید خواهد آورد:

۱. بلوغ جنسی زودتر دختر: با توجه به بلوغ جنسی زودتر دختر، بهتر است زودتر از پسر به نیاز او پاسخ داده شود و راه این پاسخگویی، ازدواج زودتر خواهد بود که لازمه‌اش ازدواج در سنین پایین‌تر و کمتر از پسر است.

۲. بلوغ فکری زودتر دختر: با توجه به این که دختر زودتر از پسر به بلوغ فکری می‌رسد، بالاتر بودن سن او در ازدواج، سبب بُعد فکری آن دو می‌شود؛ در حالی که زن و مرد باید قرب فکری داشته باشند.

۳. کاهش شادابی با زایمان: زایمان در سنین بالا از نشاط و شادابی زن می‌کاهد و اگر سن مرد کمتر باشد، ممکن است کم‌نشاطی زن، او را دچار مشکل کرده، به سوی دیگران بکشاند.

۴. کاهش هورمون‌های جنسی زن: هورمون‌های جنسی زنان از حدود پنجاه سالگی به بعد کاهش می‌یابد؛ حال آن که در مردان این گونه نیست و اگر سن زن در ازدواج بالا باشد نمی‌تواند نیازهای جنسی همسر خود را تأمین کند و ممکن است مرد به خطا رود.

۵. پیشگیری از اثبات اقتدار مرد: اگر سن زن بالاتر باشد، ممکن است نقش مادر را برای شوهر خود ایفا کند و با این کار جلو اقتدار او را بگیرد که این مسأله برای مرد خوشایند نیست.

۶. عدم پذیرش خانواده پسر: به طور معمول، خانواده پسر به‌ویژه مادر او به

چنین ازدواجی راضی نمی‌شود و اگر به رغم میل باطنی‌اش به چنین ازدواجی رضایت دهد، از عروسش حمایت نخواهد کرد که برای دختر بسیار رنج‌آور است.

۷. عدم پذیرش عرف: عرف جامعه، ازدواج دختر و پسر با این شرایط را نمی‌پذیرد. مطلوب این است که وقتی زن و مرد در جامعه حضور می‌یابند و کنار هم راه می‌روند، دیگران آنان را زن و شوهر بدانند و نه...!

تفاوت سنی پیامبرﷺ و خدیجه‌علیهاالسلام

اگر نباید سن دختر از پسر بیشتر باشد، پس چرا سن حضرت خدیجه‌علیهاالسلام ۱۵ سال از پیامبر خداﷺ بیشتر بود؟

درست است که بر اساس قول مشهور، خدیجه‌علیهاالسلام ۱۵ سال از پیامبر گرامیﷺ بزرگ‌تر بوده؛ اما این ازدواج، ازدواجی استثنایی به شمار می‌رفته؛ همان گونه که در جهات دیگر (خواستگاری خدیجه از حضرت و پذیرش مهریه از سوی خدیجه) نیز خلاف روش معمول و متفاوت آن دوران بوده است؛ به همین دلیل با شگفتی برخی و در مواردی با تمسخر برخی نادانان مواجه شد.

نگرانی از بیشتر بودن سن دختر از پسر به جهت مشکلات احتمالی است که در آینده پدید می‌آید (ر.ک: ص۳۸).

اگر دختر یا پسری، مقداری از معرفت خدیجه و رسول خدا را داشته باشند که مانع از ایجاد مشکلات بعدی در زندگی شود، منعی برای ازدواجشان با این شرایط (سن بالاتر دختر) نیست.

یادمان باشد که رسول گرامی اسلامﷺ به سبب ایمان سرشار به خـدا و معرفت وصف‌ناشدنی، تا آخر عمر خدیجه با شخص دیگری ازدواج نکرد و به وی وفادار ماند و تا آخر عمر خدیجه، رابطه‌ای سرشار از عشق و صـفا و صمیمیت و احترام داشتند.

روابط پیش از ازدواج

دوستی قبل از ازدواج

آیا دوستی‌های قبل از ازدواج برای شناخت بـیشتر یک‌دیگـر اشکـالی دارد؟

دوستی‌های پیش از ازدواج، افزون بر مشکلاتی که برای دختر و پسـر ایجاد می‌کند و سبب اختلال در نظام زندگی آنان می‌شود،[1] اشکالات جـدی دیگری را نیز دارد:

۱. خطرهایی را به ویژه برای دختر پدید می‌آورد. با توجه به این که دو جوان، سرشار از عواطفند و در اوج غرایز جنسی قرار دارند (به گونه‌ای کـه وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، فعل و انفعالات هورمونی در وجودشان شکل می‌گیرد و کشش فراوانی در آن‌ها ایجاد می‌شود)، احتمال بسیاری وجود دارد

---

۱. احساس گناه به سبب ناخشنودی خداوند از این ارتباط و ایجاد مشکلات روحی، ترس و اضطراب نـاشی از آبروریزی و تأثیر منفی بر سلسله اعصاب، عدم تمرکز در کلاس درس و هنگام مطالعه و در نتیجه افت تحصیلی، احساس حقارت و ذلت دختر در صورتی که مورد سوء استفاده قرار گرفته باشد، و احساس خیانت به همسر آینده هنگام ازدواج.

که به هم نزدیک شوند و گوهر عفت دختر در معرض خطر قرار گیرد.

دلیل مخالفت قرآن، روایات دینی و فقه اسلامی با این گونه دوستی‌ها همین است. خداوند در قرآن کریم، دختران و پسران را از ملاقات‌های پنهانی نهی می‌فرماید:

وَلٰکِن لاَ تُوَاعِدُوهُنَّ سِرّاً.[۱]

وَلاَ مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ.[۲]

وَلاَ مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ.[۳]

در روایات دینی ما با خلوت زن و مرد نامحرم مخالفت شده است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

لایَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِاِمْرَأَةٍ فَما مِن رجلٍ خَلا بِامرأةٍ اِلّا کـانَ الشَّـيْطانُ ثالثُهُما.[۴]

هیچ مردی با زنی [نامحرم] خلوت نکند؛ زیرا هیچ مردی با زنـی خلوت نمی‌کند، مگر آن که نفر سوم شیطان است.

بر اساس فتاوای فقیهان، اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی آن جا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن جا بیرون بروند و ماندن آن‌ها در آن مکان حرام است[۵] و نیز گفت و گوی بیش از حد ضرورت با نامحرم کراهت دارد.[۶]

---

۱. بقره (۲)، ۲۳۵.
۲. مائده (۵)، ۵.
۳. نساء (۴)، ۲۵.
۴. نعمان بن محمد، ***دعائم الاسلام***، ج۲، ص۲۱۴.
۵. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
۶. همان، ص ۱۷۳.

این به جهت ایجاد زمینه آبروریزی‌ها، ارتباطات گناه‌آلود و در نـتیجه لطمه به کانون ارزشمند خانواده است.

۲. موضع تهمت است؛ زیرا دیگران در صورت مشاهده دختر و پسر با هم نمی‌دانند که ارتباط آن دو برای شـناخت ازدواج است و گـمان مـی‌کنند رابطه‌ای نامشروع دارند و این مطلب بر ازدواج آنان به‌ویژه دختر (در صورت منتهی نشدن این رابطه به ازدواج) اثر منفی خواهد داشت.

۳. در ایــن گــونه ارتــباطات، شــناخت جــدی امکــان‌پذیر نـیست (ر.ک: ص۱۲۵ـ۱۲۷)؛ زیرا دو طرف مراقب خود هستند و طـبیعی است کـه فهرستی از معایب خود را در اختیار دیگری قرار نمی‌دهند.

۴. اگر این دوستی‌ها به ازدواج بینجامد، با توجه به ویژگی غیرت در مرد، ممکن است سؤالاتی در ذهن او شکل گیرد که چرا همسرم پیش از محرمیت با من رابطه برقرار کرد و نکند مشابه این رابطه را با دیگران نیز داشته است و اعتمادش از وی سلب می‌شود و هرقدر رابطه دوستی تنگاتنگ‌تر بوده باشد، میزان این سؤالات و سلب اعتماد نیز افزون‌تر خواهد شد.

۵. در صورتی که این دوستی‌ها به ازدواج مـنتهی نشـود کـه در مـوارد بسیاری هم به دلیل تغییر شرایط طرفین یا مخالفت خانواده‌ها چنین می‌شود، آثار منفی بسیاری به‌ویژه بر دختر خواهد داشت که احساس سرخوردگی و شکست روحی، افسردگی، نفرت از جـنس مـخالف و ازدواج‌گـریزی و در مورد دختران، از دست دادن خـواسـتگاران، بـرخـی از ایـن آثـار است؛ پس توصیه می‌شود برای دوری از این مشکلات و پیامدهای منفی، همسر آینده خود را در فرایند خواستگاری بشناسید (ر.ک: ص۱۲۵ـ۱۲۷).

رابطه عاشقانه قبل از ازدواج

رابطه دوستی من با دختری برای ازدواج، به صورت عشقی پاک و مقدس است، نه رابطه‌ای هوس‌آلود. آیا چنین رابطه‌ای اشکال دارد؟

افزون بر خطرهایی که این گونه رابطه‌ها دارد (ر.ک: ص ۴۱ـ۴۳)، باید توجه داشته باشید که احساسات عاشقانه نیز برخاسته از همان غریزه جنسی و از آثار روانی آن است؛ بنابراین، نباید این احساسات به ظاهر پاک و مقدس، شما را بفریبد.

بر اساس تجارب چند ساله نگارنده در جایگاه مشاور، موارد بسیاری از رابطه‌هایی این گونه پاک و مقدس به آبروریزی و بی‌عفتی انجامیده است.

یادتان باشد که جوانید و سرشار از عاطفه و در اوج غرایز جنسی و به طور قطع، توانمندتر از حضرت امیر مؤمنان، علی‌ؑ نیستید که به زنان جوان سلام نمی‌کرد ومی فرمود:

می‌ترسم صدایشان مرا خوش آید و زیادتر از پاداشی که می‌جویم، [گناه] به من برسد![1]

شما از حضرت موسی‌ؑ باایمان‌تر نیستید که وقتی پشت سر دختران شعیب راه می‌رفت، به آن‌ها گفت: بایستید و پشت سر من بیایید و راه را به من نشان دهید.

شما وارسته‌تر از حضرت یوسف‌ؑ نیستید که خداوند فرمود: اگر مقام عصمت و نبوت یوسف و کمک ما نمی‌بود، ممکن بود در برابر وسوسه‌های

۱. کلینی، ***کافی***، ج۲، ص۶۴۸.

زلیخا به خطا رود.[1]

دختران ما به طور قطع از حضرت مریم‌ؑ پاکدامن‌تر نیستند که وقتی جبرئیل در شکل جوانی زیباروی ظاهر شد فرمود:

اِنّی اَعُوذُ بِالرحمنِ مِنکَ.[2]

من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم.

اگر ادعا کنید که در دیدارهایتان بر اساس همان عشق پاک، ضوابط دینی و اخلاقی را رعایت می‌کنید و خود را به گناه آلوده نمی‌سازید، همین که از رابطه عاطفی با هم احساس لذت می‌کنید و همین که با دیدن همدیگر و حتی یاد و خاطره هم تپش قلبتان شدیدتر می‌شود، معنایش این است که رابطه‌ای عادی نیست و هشداردهنده است.

گذشته از این، چون در این رابطه عاشقانه، عواطف خرج می‌کنید، وقتی با ازدواج به هم می‌رسید (البته اگر برسید)، نخواهید توانست آن گونه که لازمه زندگی زناشویی است، عاطفه خرج هم کنید و عشق و صفا و صمیمیتی که لازمه زندگی مشترک و ستون خیمه زندگی زناشویی خواهد بود، کمرنگ خواهد شد.

جایگاه عشق در ازدواج

جایگاه عشق در ازدواج کجا است؟ آیا اول باید عاشق شد و بعد ازدواج کرد یا اول ازدواج کرد و بعد عاشق شد؟

عشق به معنای محبت شدید و قوی است که به طور فطری و غریزی در

۱. یوسف(۱۲)، ۲۴.
۲. مریم(۱۹)، ۱۸.

انسان وجود دارد و آن را نمی‌توان انکار کرد.

عشق‌های قبل از ازدواج با این فرض که عشق پاک باشد و نه هوسرانی،[۱] سبب حاکمیت احساسات می‌شود و بر اساس روایات دینی ما، شخص را کر و کور می‌کند (حُبُّکَ الشَّیءَ یُعْمی وَ یُصِم).[۲] چشم عقل به طور معمول با تیر عشق، کور و باعث می‌شود که شخص در انتخاب دیگری برای زندگی مشترک، از اصول خود دست بردارد؛ به مسأله کفویت (همتایی) بی‌توجهی کند (ر.ک: ص۱۴۷ـ۱۵۷)؛ بدی‌های طرف را نبیند، و در مواردی بدی‌های او را نیز خوبی ببیند؛ بنابراین توصیه می‌شود مراقب عشق‌های پیش از ازدواج باشید.

به تعبیر افلاطون، وصال مدفن عشق، و به گفته چینی‌ها، ازدواج گورستان عشق است؛ پس، این عشق‌ها بعد از ازدواج فروکش می‌کند و با ورود عقل و باز شدن چشم‌ها و گوش‌ها، شخص متوجه می‌شود که انتخاب درستی نکرده است؛ پس بهترین عشق، عشق ایجاد شده پس از محرمیت بین دختر و پسر است؛ عشقی که بزرگان علم و دین به همسرانشان داشته‌اند؛ عشقی ماندگار، بی‌شائبه؛ عشق در پرتو تعقل و اندیشه و نه سوار بر عقل که قرآن کریم هم آن را تأیید و بر آن تأکید می‌کند:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.[۳]

۱. با توجه به ویژگی عشق‌بازی در آقایان، در موارد بسیاری، ارتباط با جنس مخالف با ابزار عشق‌ورزی صورت می‌گیرد (چون خانم‌ها عشق ورزند)؛ در حالی که هدف، عشقی پاک نیست؛ بلکه سوء استفاده و هوسرانی است. به تعبیر حضرت مولانا: عشق‌هایی کز پی رنگی بود / عشق نبود، عاقبت ننگی بود

۲. ابن ابی الحدید، ***شرح نهج البلاغه***، ج۱۱، ص۷۸.

۳. روم (۳۰)، ۲۱.

و از نشانه‌های او این است که از خودتان برایتان زوج‌هایی را آفرید تا کنارشان آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی قرار داد. همانا در این، نشانه‌هایی برای متفکران است؛

بنابراین، عاقلانه ازدواج کنید و عاشقانه زندگی کنید؛ یعنی تا زمانی که زمینه ازدواجتان فراهم نشده، بر درِ قلب خود قفلی بزنید و آن را تا زمان مناسب به روی کسی نگشایید؛ همان گونه که غرایز جنسی خود را کنترل می‌کنید و از راه مشروع، یعنی ازدواج به آن پاسخ می‌دهید.

رابطه منطقی و شرعی قبل از ازدواج

آیا رابطه‌های منطقی و بر اساس ضوابط شرع بین خانم و آقا در محیط کار برای ازدواج اشکالی دارد؟

رابطه‌های منطقی و بر اساس ضوابط شرع که هیچ گونه گناهی بین دختر و پسر اتفاق نمی‌افتد، در محیط کار، در دانشگاه یا در ارتباطات فامیلی اشکالی ندارد.

مراجع تقلید فتوا داده‌اند که ارتباط شغلی اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد.[۱]

بر اساس فتاوای فقیهان، مردها می‌توانند با نامحرم صحبت کنند به این شرط که به قصد لذت و ریبه نباشد و با این صحبت کردن به گناه آلوده نشوند؛[۲] البته خوب است به قدر ضرورت بسنده کنند؛ چون فرموده‌اند که

۱. نرم‌افزار پرسمان ۲(www.porseman.org) استفتا از مراجع.

۲. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۳۷.

صحبت کردن با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است؛ خصوصاً اگر مخاطب، جوان باشد.[۱]

خانم‌ها نیز می‌توانند با نامحرم صحبت کنند به شرط آن که به قصد لذت و ریبه نباشد؛ صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند [= نازک و کش‌دار و با کرشمه سخن نگویند] و ترس از فتنه نباشد؛[۲] پس اگر رابطه شما با حفظ موازین شرع و عرف باشد، به این معنا که دیگران، رابطه شما را رابطه‌ای احساسی و عاشقانه نمی‌دانند و شما را دوست دختر و دوست پسر نمی‌پندارند، اشکالی ندارد و اگر به ازدواج بینجامد، مشکلی ایجاد نخواهد کرد (ر.ک: ص ۴۱ـ۴۳).

۱. همان.
۲. همان، ص ۱۴۲.

شیوه‌های نادرست ازدواج

ازدواج مدرن

با توجه به پیامدهای منفی ازدواج‌های مدرن، چه شیوه‌ای را برای ازدواج درست پیشنهاد می‌کنید؟

گرایش به ازدواج‌های مدرن، عللی دارد:

۱. **تأثیرپذیری از فرهنگ غیر خودی:** برخی به تأثیر از فرهنگ غرب، این‌گونه ازدواج می‌کنند؛[۱] اما توجه ندارند که بنا هست در ایران و با فرهنگ ایرانی زندگی کنند که تناسبی با فرهنگ غرب ندارد و نمی‌شود غربی ازدواج، و ایرانی زندگی کرد.

براساس مشاهدات نگارنده، یکی از علل جدی اختلافات برخی از ایرانیان مقیم غرب، همین مسأله است که ایرانی‌اند؛ اما می‌خواهند با فرهنگ

۱. در غرب، دختر و پسر آشنا می‌شوند و مدتی با هم رابطه دارند. اگر همدیگر را برای زندگی مشترک پسندیدند، نامزد می‌شوند و پس از مدتی با هم ازدواج می‌کنند و در صورت عدم توافق، به راحتی از هم جدا می‌شوند و در این فرایند، خانواده دو طرف چندان نقش و جایگاهی ندارند. علت این رفتار، ضعف بنیان خانواده و مهم نبودن آبرو و عفت است.

و قانون غرب زندگی کنند.

۲. مشکلات زناشویی در برخی ازدواج‌های سنتی: برخی جوانان با دیدن مشکلات زناشویی بین پدران و مادران خود که به شکل سنتی ازدواج کرده‌اند، دلایل مشکلات را همین‌گونه ازدواج کردن می‌دانند؛ به همین دلیل به ازدواج‌های مدرن روی می‌آورند.

نگارنده بر این باور است که اگر ازدواج سنتی به روز شود و فرایند خواستگاری که رکن اساسی ازدواج سنتی است، به شکل درست انجام شود (ر.ک: ص۱۰۹ـ۱۴۶)، مشکلات ازدواج سنتی از بین خواهد رفت و از پیامدهای ازدواج‌های مدرن نیز در امان خواهیم بود.

خواستگاری غیراصولی

هم‌کلاسی‌ام را برای ازدواج مناسب دیده‌ام و می‌خواهم از او در دانشکده خواستگاری کنم. آیا این‌گونه خواستگاری کردن اشکالی دارد؟

خواستگاری کردن، مانند بسیاری از کارهای دیگر (رفتن به مسجد، زیارتگاه، مهمانی، کلاس درس و...) آدابی دارد.

این‌گونه خواستگاری کردن از دختر، پسندیده نیست؛ زیرا

۱. به شأن و جایگاه والای او لطمه می‌زند؛ ۲. آشکار شدن آن در محیط دانشگاه، ممکن است سبب ایجاد بدبینی و تهمت به شما و به ویژه دختر شود و افرادی گمان کنند که رابطه‌ای قبلی در کار بوده و باعث آبروریزی و از دست رفتن فرصت‌های ازدواج برای هر دوی شما به ویژه دختر شود؛ ۳. دختر پرهیزکار، به طور طبیعی در مقابل این‌گونه خواستگاری کردن،

برخورد مناسبی نخواهد داشت و پاسخ منفی محکم و تحکم‌آمیز او ممکن است باعث لطمه روحی و احساس حقارت شما شود؛ ۴. امکان پاسخ مثبت یا منفی برای دختر وجود ندارد؛ زیرا بر اساس ظاهر شما و شناخت سطحی نمی‌تواند پاسخ دهد و پاسخ مثبت یا منفی به خواستگار، باید پس از گذراندن فرایند خواستگاری صورت گیرد؛ بنابراین اگر آمادگی ازدواج دارید، تحقیقی مختصر درباره او انجام دهید و اگر شرایط اولیه همتایی را داشتید، به طور رسمی و از طریق خانواده خود به خواستگاری بروید.

برخی از آقایان، در محیط کار یا تحصیل از خانم‌ها خواستگاری می‌کنند؛ در حالی که قصدشان ازدواج نیست. به خانم‌های محترم توصیه می‌شود که بکوشند در محیط کار یا تحصیل به گونه‌ای برخورد کنند که طمع طمع‌ورزان و هوس‌بازان از بین برود.

خنده‌های خلاف شأن یک خانم، نگاه‌های معنادار، چشم و ابرو آمدن، نازک و کش‌دار و باکرشمه حرف زدن، هوس‌بازان را تحریک می‌کند تا به سمت آنان بیایند و به بهانه خواستگاری برای ازدواج، سوء استفاده کنند.

براساس آموزه‌های دینی، با ناز و کرشمه سخن گفتن زن، بیماردلان را به طمع می‌اندازد؛ به همین دلیل خداوند در قرآن کریم، بانوان را از این‌گونه سخن گفتن نهی می‌فرماید:

فَلاَ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...؛[1]

البته خواستگاری هر کسی را نمی‌توان برای سوء استفاده پنداشت. ممکن است همکاران یا هم‌کلاسی‌هایی که شرایط اولیه را دارند، به واقع به قصد

---

۱. احزاب (۳۳)، ۳۲.

ازدواج، از خـانمی خـواسـتگاری کـنند. بـرای ایـن‌که بـفهمید ایـن‌گونه خواستگاران در سخن خود صداقت دارند، بهترین برخورد این است کـه بـا احترام و مؤدبانه و بدون تشر و قشـقرق[1] بگـویید: هـر کـاری آدابـی دارد و مقصودتان این است که اگر قصد ازدواج دارید، بـا خـانواده خـود تشـریف بیاورید.

مطمئن باشید کسی که قصد سوء داشته باشد، چنین اقدامی نخواهد کرد. برخی خواستگاران اصرار دارند که تا قبل از خواستگاری رسمی، مدتی را با آن‌ها ارتباط برقرار کنید تا همدیگر را بهتر بشناسید. پذیرش این پیشنهاد از طرف شما (حتی با اطـلاع خـانواده)، مشکـلات بسـیاری را بـرایـتان پـدید می‌آورد و خطر فراوانی دارد (ر.ک: ص ۴۱ـ۴۳)؛ پس مراقب خـود بـاشید و مغلوب اصرار و وسوسه‌های آنان نشوید.

خواستگاری دختر از پسر

آیا خواستگاری دختر از پسر، شیوه نادرستی برای ازدواج است؟

زن اهل ناز و مرد اهل نیاز است. زن مظهر حیا و پذیرای عشـق و مـرد جلوه تمنا و طلب و اعلام عشق است. آفرینش، زن را گُل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است.

ویلیام جیمز (Willam Jeims) فیلسوف امریکایی می‌گوید:

۱. در صورتی برخورد قاطعانه و همراه با تَشر شما پیشنهاد می‌شود که طرف را می‌شناسید و می‌دانید که شخص هوس‌بازی است و هدفی جز سوء استفاده از شما را ندارد که در این صورت، باید با قاطعیت امیدش را قطع کنید؛ وگرنه ممکن است با مزاحمت‌های بعدی، آبروی شما را در معرض خطر جدی قرار دهد.

حیای زن برایش عزّت است تا در پی مرد نرود و خود را مبتذل نکند.[1]

گرایش مرد به زن کاملاً طبیعی است و این را حتی در دنیای حیوانات و گیاهان (به صورت گرایش سلول نر به ماده) می‌توان مشاهده کرد.

وقتی خداوند آدم و حوا را آفرید، حوا به سوی آدم گرایش یافت؛ اما جبرئیل فرود آمد و به آدم گفت: اگر خواهان او هستی، تو به سمت حوا برو.[2]

در صورتی که دختر به خواستگاری پسر برود، ممکن است پیامدهایی منفی داشته باشد:

۱. اگر پاسخ پسر منفی باشد، دختر احسـاس شکست و سـرخـوردگی می‌کند؛ در حالی که جواب منفی برای پسر قابل تـحمل است و در صـورت پاسخ منفی دختر، به خواستگاری شخص دیگری می‌رود؛

۲. در صورت پاسخ منفی پسر، احـتمال تـمسخر و آزارهـای بـعدی و آبروریزی به وسیله او وجود دارد؛

۳. ممکن است پسر با شنیدن چنین تقاضایی، با پاسخ مثبت ظاهری به فکر سوء استفاده از دختر بیفتد؛

۴. احتمال دارد در زندگی مشترک آینده (در تـنش‌ها و اخـتلافات) بـه دختر سرکوفت بزند که تو به خواستگاری من آمدی و این بـرخـورد، بـرای دختر بسیار رنج‌آور است؛ در حالی که اگر زن همین جمله را در زندگی به مرد بگوید، مرد رنجور نخواهد شد.

۱. مرتضی مطهری، ***حقوق زن در اسلام***، ص ۱۵.
۲. شیخ صدوق، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۳، ص ۳۷.

جایگاه دختر آن‌قدر والا است که پسندیده نیست حتی پدر یا مادر یا برادر و خواهر او از پسر خواستگاری کنند. افزون بر این که این رفتار، خلاف شأن دختر و خانواده او است، باعث می‌شود که مجبور شوند در شرایط منطقی خود کوتاه بیایند و نیز احتمال دارد این‌گونه برداشت شود که دختر، مشکل یا عیبی دارد که او را به پسر عرضه می‌کنند و مقام و منزلت او پایین خواهد آمد.

اعلام عشق به پسر

پسری را دوست دارم و او را برای ازدواج انتخاب کرده‌ام؛ اما نمی‌دانم که آیا او هم به من علاقه دارد یا نه. با این عشق یکطرفه چه کنم؟

اعلام این عشق به او، در واقع خواستگاری است و خواستگاری دختر از پسر، پسندیده نیست (ر.ک: ص ۵۱ ـ ۵۴)؛ افزون بر این‌که حیای شما اجازه نمی‌دهد به سمت او بروید. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

حیا از ایمان، و ایمان در بهشت است.[1]

حیا و ایمان در یک رشته و همدوش همند. چون یکی برود، دیگری هم خواهد رفت.[2]

اگر او را می‌شناسید و بدون حاکمیت احساس و عواطف و بر اساس حکم عقل او را پسندیده‌اید و وی را همتای مناسبی برای ازدواج می‌دانید می‌توانید کسی را واسطه (و نه پیک) قرار دهید تا نظرش را جویا شود. این

۱. کلینی، *کافی*، ج۲، ص۱۰۶.
۲. همان.

واسطه که گویا خود اقدام کرده، بهتر است خانمی بزرگسال و متأهل و مورد اعتماد باشد و بدون ذکر نام شما نظرش را جویا شود و تا مطمئن نشده که قصد ازدواج با شخصی مثل شما را دارد، معرفی‌تان نکند.

در صورتی که فرد مورد نظر از نزدیکان است، کار راحت‌تر خواهد بود؛ زیرا خانواده‌ها با هم ارتباط دارند و مادر شما می‌تواند با آوردن قراین و نشانه‌هایی (برای مثال، تعریف و تمجید از فرد مورد نظر)، به آنان بفهماند که آمادگی ازدواج دارید[1] و اگر از سوی آنان بازخوردی ندیدید، یافتن واسطه‌ای مطمئن در بین نزدیکان و اطلاع از نظر آنان، راحت است.

ازدواج اینترنتی

آیا ازدواج اینترنتی می‌تواند ازدواج موفقی باشد؟

آغاز ازدواج اینترنتی از چت (Chat) است. کسی که همسر خود را از طریق چت برمی‌گزیند، انتخابش ابتدا براساس گفته‌های او است و چون اغلب، احساسی و عاطفی برخورد می‌کند، به سخنان غیرواقعی طرف مقابل یا تناقض‌های گفتاری وی توجه ندارد و پس از گذشت مدتی دچار عشق مجازی و به تدریج وارد مرحله بعدی ارتباط می‌شود.

دکتر احمد شوقی می‌گوید:

۱. گاهی برخی مادرانی که دختران دم بخت دارند، از جوانی در بین نزدیکان تعریف و تمجید می‌کنند؛ در حالی که قصد وصلت با او را ندارند و او خلاف این را برداشت می‌کند و بعد که ناگهان خبر ازدواج دختر را می‌شنود، شوکه می‌شود و مشکلاتی را برایش ایجاد خواهد کرد.

نَظْرَةٌ فَابْتِسامَةٌ فَسَلامٌ

فَکَلامٌ فَمَوعِدٌ فَلِقاءٌ

ابتدا نگاهی و لبخندی و سلامی

و بعد سخنی و وعده دیداری و ملاقاتی

پس از مدتی، ارتباط، از چت روم به ارتباط تلفنی کشیده می‌شود و همچنان شیفته گفتار و بیان او است تا سرانجام زمان دیدار فرا می‌رسد.

در موارد بسیاری، پس از ملاقات، دو طرف با دیدن یک‌دیگر شوکه می‌شوند؛ زیرا متوجه می‌شوند که هیچ‌گونه سنخیتی با هم ندارند؛ اما چون پیش‌تر دلبسته و عاشق هم شده‌اند، پذیرش واقعیت (عدم همتایی) برایشان سخت است؛ چراکه عشق آنان را کر و کور کرده.

در مواردی متوجه عدم همتایی می‌شوند و آن را می‌پذیرند؛ اما به سبب ترحم، گاهی ترس از نفرین طرف (ر.ک: ص۷۴)، گاهی تهدید طرف به خودکشی و... به ازدواج با او تن می‌دهند که روشن است عاقبت چنین ازدواجی چه خواهد بود.

ازدواج اینترنتی در یک صورت می‌تواند موفق باشد که صرفاً نقش واسطه (معرف) را ایفا کند و دو طرف به شدت مراقب دلبستگی‌ها و شیدایی‌ها باشند و کر و کور نشوند که البته همین نوع ازدواج هم دوتا مشکل دارد که باید به آن‌ها توجه کرد:

۱. در ایران به طور معمول، والدین جوانان زیر بار چنین ازدواجی نمی‌روند؛

۲. حضور دختر در چت روم و ارتباط با جنس مخالف، در شأن دختر پرهیزکار نیست و ممکن است پس از ازدواج، عامل سلب اعتماد شوهر از وی شود (ر.ک: ص ۴۱ـ۴۳).

ازدواج پنهانی

پدرم اجازه ازدواج با همسر دلخواهم را نمی‌دهد. آیا می‌توانیم به صورت پنهانی ازدواج و فرار کنیم؟

از این کار بپرهیزید که بدون تردید، لطمه‌های غیرقابل جبران و پشیمانی و حسرت همیشگی را در پی خواهد داشت.

شما به حمایت اقتصادی خانواده خود نیاز دارید و با این ازدواج، خود را از حمایت آنان محروم می‌کنید. توجه داشته باشید که فشار اقتصادی زوج جوان، عامل مهمی در رویکرد به خلاف است و گروه‌های بزهکار اجتماعی به طور معمول در پی چنین زوج‌هایی هستند.

اگر به هر دلیلی به حمایت اقتصادی خانواده نیاز ندارید، خودتان را از حمایت عاطفی و اجتماعی آنان محروم نسازید.

مطمئن باشید که اگر به چنین رفتار غیر عقلانی دست بزنید، پس از مدتی کوتاه که احساسات و عشق فروکش می‌کند، احساس خلا شدید خواهید کرد و رنج غربت و دوری از خانواده و دیار، شما را از پای در خواهد آورد و روی بازگشت هم نخواهید داشت.

اگر با سختی و بدبختی دوام بیاورید و پس از مدتی خداوند فرزند یا فرزندانی به شما بدهد، آنان به پدر و مادربزرگ، عمو، عمه، خاله و دایی نیاز دارند و خلاهای ناشی از کمبود ارتباطات فامیلی به آنان لطمه خواهد زد.

ازدواج وکالتی

به دختری علاقه‌مندم که در کشور دیگری زندگی می‌کند و او را از نزدیک ندیده‌ام. آیا می‌توانم به صورت غیابی و وکالتی با او ازدواج کنم؟

ازدواج وکالتی اشکال شرعی ندارد. می‌توانید به پدر یا برادر خود وکالت دهید که از طرف شما مدارک مربوط به ازدواج را امضا کند؛ اما با توجه به این‌که ازدواج، مهم‌ترین رخداد زندگی شما است، ارزش سفر را دارد و بایسته است که دختر را از نزدیک ببینید و فرایند خواستگاری را (ر.ک: ص۱۰۹ـ۱۴۷) انجام دهید.

ممکن است ویژگی‌های او را از دیگران شنیده باشید؛ اما احساس از طریق دیدن، تفاوت چشمگیری با شنیدن دارد؛ شنیدن کی بود مانند دیدن.

رسول گرامی اسلامﷺ به مغیرة‌بن شعبه که با خانمی ازدواج کرده و پیش‌تر او را ندیده بود فرمود:

اگر قبل از ازدواج، او را می‌دیدی، احتمال توافق بیشتر بود.[۱]

اگر امکان مسافرت ندارید و حتماً مایلید با آن دختر ازدواج کنید، شتابزده عمل نکنید و پس از خواستگاری رسمی و زیر نظر خانواده‌ها، با تماس‌های تلفنی، از طریق پیامک و نامه‌نگاری یا چت و دیدن عکس او، با وی بیشتر آشنا شوید.

براساس فتاوای فقیهان شیعه، پسری که می‌خواهد با دختری ازدواج کند، می‌تواند تلفنی با او صحبت کند به این شرط که احتمال موافقت و رضایت دختر داده شود؛ قصد لذت و ترس از افتادن در حرام نباشد و

۱. علی مشکینی، *ازدواج در اسلام*، ص۵۳.

مفسده‌ای نداشته باشد.[۱]

ارتباط از طریق پیامک، چت و نامه‌نگاری هم اگر به صورت جدی و بدون اظهار عشق باشد و با رعایت ضوابط شرعی (با قصد لذت نباشد و به گناه آلوده نشوند)، اشکالی ندارد.[۲]

دربارهٔ نگاه کردن به عکس دختر نیز برای ازدواج فرموده‌اند:

نگاه کردن مرد به عکس زنی که حجاب کامل را رعایت نکرده است، به قصد ازدواج و به قصد آگاهی از زیبایی وی جایز است؛ اگر به قصد لذت نباشد.[۳]

۱. سید حجت موسوی خویی، *احکام ازدواج دائم و موقت*، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.
۲. سید مسعود معصومی، *احکام روابط زن و مرد*، ص ۱۳۷.
۳. همان، ص ۱۷۴.

آسیب‌های ازدواج

شتابزدگی در ازدواج

خـواسـتگاری غـریبه دارم کـه اصـرار دارد بـدون گـذرانـدن فـرایـند خواستگاری، عقد دائم شویم. این قدر عجله چه دلیلی مـمکن است داشـته باشد؟

ممکن است به جهت شاغل بودن در شهر دیگر و نداشتن فرصت کافی چنین تقاضایی دارد که از دید خود و خانواده‌اش عـجله در ازدواج، مـنطقی است یا احتمال دارد مشکلی (اعتیاد، جرم کیفری، سوء رفتارهای اجتماعی، بدنامی خانواده و...) در کار باشد که مایل است تا آشکار نشده، عقد کند.

در هر صورت، با توجه به اهمیت ازدواج، شما بـه ایـن خـواسـته تـن ندهید. ازدواج آن قدر مـهم است کـه جـا دارد وقت و دقت بـیشتری بـه آن اختصاص داده شود.

شتابزدگی در ازدواج، پیامدهای بسیار منفی دارد و حسرت و پشیمانی بعد از عقد، سودی نمی‌بخشد؛ پس تحت فشار پسـر یـا خـانواده او، در رو

دربایستی قرار نگیرید و زیر بار ازدواج بدون تحقیق و مطالعه نروید.

از خانواده پسر زمان بخواهید تا در فرصت مناسب، تحقیق و بررسی کنید (ر.ک: ص۱۹۹ـ۲۰۶) و در صورت اطمینان از همتایی و نبودن مشکل، پاسخ مثبت دهید.

ازدواج فوری پس از جدایی

به تازگی از همسرم جدا شده‌ام و دوباره قصد ازدواج دارم. آیا لازم است مدتی از جدایی بگذرد؟

افزون بر مدتی که برای «عِدّه» سپری می‌کنید، بهتر است زمانی را نیز بگذرانید تا هیجانات جدایی (فشارهای روحی ناشی از سختی‌های طلاق و فشارهای روحی ناشی از قطع رابطه عاطفی) فروکش کند و پرونده زندگی مشترک شما به طور کامل بسته شود. در مواردی محبت باقیمانده از زندگی قبلی و احتمال بازگشت دو طرف، مشکلاتی را در زندگی بعدی پدید می‌آورد. گذشته از این، توصیه به گذشت زمان، احتمال ازدواج خود تحمیلی (روکم‌کنی) را نیز کاهش می‌دهد(ر.ک:ص۲۶ـ۲۸).

آرمانگرایی در ازدواج

من در انتخاب همسر بسیار سخت گیرم. می‌خواهم بدانم در مسأله ازدواج تا چه حد باید سخت گرفت؟

دقت در ازدواج و انتخاب همسر، بسیار خوب و مطلوب است.

امام صادقؑ فرمود:

> **[در ازدواجت کمال دقت را به خرج ده و] ببین که وجودت راکجا می‌نهی و چه کسی را شریک مال و آگاه به اسرار و امانتت قرار می‌دهی.**[1]

ازدواج، مهم‌ترین اتفاق زندگی انسان است و به این دلیل اهمیت دارد که ثمرهٔ آن، وجود انسان خواهد بود.

مرحوم علامه جعفریؒ می‌گوید:

> **برتراند راسل به من نوشت که چرا اسلام این همه به ازدواج اهمیت می‌دهد و این قدر در این زمینه احکام دارد. در پاسخ او نوشتم: مسأله انسان است و می‌خواهد از ازدواج، انسان پدید آید؛**[2]

پس در ازدواج باید دقت کنید. ازدواج مانند کنکور نیست که اگر یک بار موفق نشدید، سال‌های بعد هم بتوانید آن را تکرار کنید؛ اما باید مراقب باشید که دقت، به وسواس و آرمانگرایی تبدیل نشود.

کمال گرایی و رؤیاپردازی در ازدواج مطلوب نیست. برای انتخاب همسر، دنبال کسی که عالی و خوب مطلق باشد نگردید؛ زیرا جز خدا و معصومانؑ شخص دیگری خوبِ مطلق نیست؛ بلکه خوبی در دیگران نسبی است.

مهم این است که شخص مورد نظر شما ۷۰ درصد ویژگی مثبت داشته باشد و ممکن است ۳۰ درصد نقطه منفی هم داشته باشد؛ زیرا گل بی‌خار وجود ندارد.

---

۱. کلینی، ***کافی***، ج۵، ص ۳۲۳.

۲. علی اکبر مظاهری، ***جوانان و انتخاب همسر***، ص۷.

کسانی که با این فکر انتخاب می‌کنند که همسر آینده‌شان هیچ مشکلی نداشته باشد، با ورود به زندگی و دیدن مشکلات او دچار شوک می‌شوند و طبیعی است که خود را انسانی بازنده و ضرر دیده می‌بینند و از زندگی لذت نخواهند برد.

در انتخاب همسر، افزون بر مقابله با آرمانگرایی، به جایگاه خود نیز توجه داشته باشید.

امام علیؑ فرمود:

لابُدَّ لِلْعاقِلِ مِنْ اَنْ ینظرَ فی شَأْنِه.[1]

انسان عاقل چاره‌ای ندارد که جایگاه خود را ببیند.

برای ازدواج باید کسی را برگزینید که هم‌شأنتان باشد و از جهت اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و... برتری چشمگیری بر شما نداشته باشد؛ زیرا احتمال فراوانی دارد که پاسخ منفی بشنوید و احساس سرخوردگی کنید.

قسمت و شانس در ازدواج

شما تا چه اندازه به «قسمت» و «شانس» در ازدواج معتقدید؟

«قسمت» به معنای عدم نقش و اراده انسان در رخدادهای زندگی از جمله ازدواج، درست نیست؛ زیرا انسان، آزاد و دارای اختیار آفریده شده است؛ البته این آزادی مطلق نیست؛ بلکه مستند به اراده و مشیت خداوند است.

۱. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج۶۸، ص۲۸۱.

برای تحقق یک رخداد (ازدواج)، عوامل گوناگونی از جمله اراده انسان دخالت دارد که البته در طول اراده خداوند است؛ مثل این که اگر بخواهد لامپ منزل شما روشن شود، باید نیروگاه برق باشد؛ نیروی برق را تولید کند؛ از نیروگاه تا منزل شما سیم‌کشی شده باشد؛ در سیم‌ها نیروی الکتریسیته جریان داشته باشد و شما نیز کلید برق را فشار دهید.

اگر هر یک از این عوامل وجود نداشته باشد، لامپ روشن نمی‌شود؛ بنابراین، شما برای ازدواجتان باید اراده و اقدام کنید و فرایند خواستگاری را بگذرانید؛ اما در نهایت ممکن است خداوند به سبب مصالحی که ما نمی‌دانیم، اراده خود را بر اراده شما حاکم کند و با وجود شرایط مناسب ظاهری، ازدواج به سامان نرسد.

امام علیؑ فرمود:

عَرَفْتُ اللهَ سُبْحانَهُ بِفَسخِ الْعَزْائِمِ.[1]

خدای منزه را به تغییر اراده‌های آهنین شناختم.

اگر شما برای ازدواجتان اقدام کردید و به سرانجام نرسید و خود در عدم تحقق آن دخالتی نداشتید، مطمئن باشید که به مصلحت شما نبوده و دیگر جایی برای رنجش و ناراحتی نیست و این را می‌توان قسمت الاهی دانست؛ پس قسمت به این معنا درست، و به معنای پیش گفته (عدم اراده انسان) نادرست است.

اعتقاد به «شانس» و ستاره بخت نیز یکی از آسیب‌های ازدواج و شبیه همان اعتقاد به قسمت به معنای نادرست آن است که شخص را از حرکت باز

۱. ***نهج البلاغه***، کلمات قصار، ۲۵۰.

می‌دارد یا عاملی برای بی‌دقتی و سهل‌انگاری در ازدواج می‌شود.

کسانی که به این خرافات تمسک می‌کنند یا به دلیل تنبلی و سستی برای اقدام است یا از دیدگاه روان‌شناسی در حقیقت می‌خواهند ضعف اعتماد به نفس (خودباوری) خویش را بازیابی کنند.

سوگند برای ازدواج

یک سال پیش قسم خوردم که با خانمی ازدواج کنم و اکنون منصرف شده‌ام. شکستن این سوگند از نظر اخلاقی و شرعی چه حکمی دارد؟

از نظر اخلاقی، منصرف شدن بدون دلیل موجه (برخورد با مورد بهتر از نظر ظاهری، مالی، تحصیلی یا بهتر شدن شرایط شما و...) درست نیست.

توجه داشته باشید که ممکن است با پاسخ منفی شما پس از یک سال (آن هم پس از قولی که به او داده و سوگندی که یاد کرده‌اید)، با شکست روحی و افسردگی شدید مواجه شود و شما در مقابل این مشکلات مسؤول خواهید بود.

اگر پس از یک سال با مسائلی رو به رو شده‌اید که مطمئن هستید همتای هم نیستید و ازدواجتان به صلاح هیچ یک نیست، در صورتی که هنگام سوگند یاد کردن، شرایط پنجگانه قسم محقق شده باشد،[1] حکم شرعی آن این است که باید کفاره بدهید.

۱. شرایط پنجگانه قسم: ۱. عاقل و بالغ باشد؛ ۲. از روی قصد، قسم خورده باشد (عمل به قسم را به واقع اراده کرده باشد)؛ ۳. به یکی از اسم‌های خداوند (خدا، الله) یا اسم‌هایی مثل خالق، رازق و... قسم خورده باشد؛ ۴. قسم را به زبان آورده باشد؛ پس اگر بنویسد یا در قلبش قسم بخورد، کافی نیست؛ ۵. امکان عمل به قسم را هم داشته باشد.

کفاره قسم، آزادی یک بنده یا غذا دادن به ده مسکین یا پوشاندن آن‌ها و در صورتی که توان این کار را نداشته باشید، سه روز روزه گرفتن است.[1]

کمرویی در ازدواج

از رفتن به خواستگاری حیا می‌کنم و این باعث تأخیر در ازدواجم شده است. چه کنم؟

براساس روایتی از رسول گرامی اسلامﷺ، حیا دو گونه است: حیای عاقلانه و حیای احمقانه (اَلْحیاءُ حَیاء ان: حیاءُ عَقلٍ و حیاءُ حُمقٍ).[2] حیای عقل بسیار ارزشمند و سرچشمه گرفته از ایمان انسان است (ر.ک: ص۵۴ و ۵۵)؛ اما حیای احمقانه، همان کمرویی است که ناتوانی و معلولیت اجتماعی به شمار می‌رود.

حیای شما در نرفتن به خواستگاری، از نوع دوم یعنی کمرویی است که اگر آن را درمان نکنید،[3] جلو شکوفایی استعدادها و قابلیت‌هایتان را می‌گیرد و مانع جدی برای رشد شما در زمینه‌های گوناگون از جمله ازدواج است.

از دیدگاه روان‌شناختی، کمرویی نوعی اختلال است که به آن، اختلال ارتباطی می‌گویند.

متأسفانه یکی از مشکلات جدی برخی از جوانان به ویژه دختران دم‌بخت، ضعف ارتباط با مادران خود در زمینه ازدواج به دلیل کمرویی است

۱. رساله عملیه، احکام قسم خوردن، مسأله ۲۶۷۱.

۲. کلینی، ***کافی***، ج۲، ص۱۰۶.

۳. ر.ک: غلامعلی افروز، ***روان‌شناسی کمرویی و روش‌های درمان***، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

که مشکلاتی را پدید می‌آورد و مانع از انتقال تجربه‌های خوب آنان به فرزندان می‌شود.

به مادران مهربان و دلسوز توصیه می‌کنیم که زمینه گفت و گو درباره ازدواج را برای فرزندانشان فراهم آورند و آنان را از تجربه‌های ارزشمندشان محروم نسازند.

قول ازدواج

به خانمی قول ازدواج داده‌ام که تا سه سال دیگر با هم ازدواج کنیم. آیا چنین قول‌هایی درست است؟

خیر. چنین قول‌هایی درست نیست؛ زیرا:

۱. هیچ گونه تضمینی بر ادامه زندگی انسان و عمل به این گونه قول‌ها وجود ندارد؛

۲. به طور معمول با گذر زمان، شرایط و ملاک‌های افراد تغییر می‌کند و گاهی عواملی غیر ارادی از جمله عدم رضایت خانواده یا پاسخ مثبت آزمایش، مانع از عمل به قول و قرارها می‌شود که نتیجه‌اش سرخوردگی، احساس شکست، افسردگی، ازدواج گریزی، نفرت از مردان (در دختر)، احساس گناه در صورت وجود رابطه، انتقامجویی، از دست رفتن فرصت ازدواج (به ویژه برای دختر) خواهد بود؛

۳. با این فرض که پس از سه سال بتوانید به قول خود عمل کنید، احتمال هیجانات روحی و جلوگیری از رشد در این مدت به خصوص برای دختر، بسیار است و هر قدر سن او کمتر باشد، لطمه بیشتر است؛ بنابراین، قول

ازدواج ندهید. اگر او را فرد مناسبی برای ازدواج می‌دانید، اما در حال حاضر آمادگی ازدواج را ندارید، در صورتی که سنش پایین است و آمادگی ازدواج ندارد، مطرح کردن آن شایسته نیست؛[1] اما اگر در سن مناسب ازدواج قرار دارد، به او بگویید که اگر خواستگاران مناسبی داشت، بپذیرد و برای شما صبر نکند؛ اما اگر اراده خداوند بر ازدواج او تعلق نگرفت و تا سه سال بعد مجرد بود و شرایط شما نیز عوض نشده بود، به خواستگاری‌اش خواهید رفت.

بسته شدن بخت

مدتی است خواستگاری برایم نیامده و می‌گویند بختم را بسته‌اند. بسته شدن بخت تا چه حد صحت دارد؟

نداشتن خواستگار (البته اگر از سن متعارف ازدواج گذشته باشد)، همیشه به معنای بسته شدن بخت نیست و علل دیگری دارد (ر.ک: ص۸۴ و ۸۵).

این باور نادرست، یکی از آسیب‌های ازدواج است؛ پس آن را از بین ببرید؛ زیرا بر عملکرد شما تأثیر خواهد گذاشت و در نتیجه باعث ازدواج نکردنتان خواهد شد. یادتان باشد انسان همان‌گونه عمل می‌کند که می‌اندیشد.

در صورتی که خود یا خانواده در نداشتن خواستگار دخالت نداشته‌اید

---

۱. دختران نوجوانی که هنوز در سن ازدواج نیستند و از طرف آقایانی که با فاصله سنی بیش از حد معمول قول ازدواج می‌شنوند، باید مراقب باشند؛ زیرا در موارد بسیاری، این‌گونه قول‌ها برای فریب و سوء استفاده بوده و پیامدهای غیرقابل جبرانی را به جای نهاده است. انتخاب این مقطع سنی (حدود ۱۵ سال) از سوی هوس بازان، به سبب شدت عواطف، عدم رشد عقلانی کافی، بی‌تجربگی و عدم شناخت آسیب‌ها است.

و بسته شدن بخت را احتمال می‌دهید، توصیه ما برای گشایش بخت، مراجعه به درگاه خداوند و امامان معصوم علیهم‌السلام است.

کسانی که سراغ رمّالان و باطل کنندگان سحر می‌روند، افزون بر خطرهایی که ممکن است آنان را تهدید کند و مورد سوء استفاده قرار گیرند، پول‌های گزافی را نیز باید بپردازند.

به طور قطع، خدایی که بندگان را آفریده، قدرتش از آنان بیشتر است و اگر اراده کند و به صلاح شخص باشد، مشکلش را حل خواهد کرد.

برای این منظور، مراجعه کنید به دستوری که اهل‌بیت عصمت و طهارت برای گشایش بخت داده‌اند.[1]

افزون بر این، توصیه‌های دیگری نیز از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام برای این مقصود ذکر شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. خواندن سوره‌های فلق، ناس و آیةالکرسی؛

۲. خواندن آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره مبارکه اعراف؛

۳. خواندن و نوشتن آیات ۷۵ تا ۸۲ سوره مبارکه یونس؛

۴. ذکر یونسیه (لاٰ اِلٰهَ اِلاّ أنْتَ سُبحانَکَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّالمینَ) که قرآن، آن را مایه نجات حضرت یونس معرفی کرده است؛

۵. دادن صدقه.

اگر به این دستورها عمل کردید و باز هم خواستگاری برای شما نیامد، و زمینه ازدواجتان فراهم نشد، دلیل آن، علل ناشناخته‌ای است که ما نمی‌دانیم و

۱ . ر.ک: شیخ عباس قمی، ***کلیات مفاتیح الجنان*** (حاشیه = باقیات صالحات)، نشر لقمان، ص ۵۵۳، ذیل عنوان «به جهت باز کردن بسته شده».

باید بپذیرید که ازدواج به صلاحتان نبوده است؛[1] البته خدای مهربان به طور قطع به سبب این محرومیت، به شما پاداش خواهد داد.

خرافات در ازدواج

پیش‌بینی‌هایی که با استفاده از علم «جفر» در ازدواج می‌شود، تا چه حد درست است و تا چه اندازه می‌توان به طالع‌بینی‌ها و فال‌ها در این زمینه اعتماد کرد؟

علم «جفر»، یکی از علوم غریبه است که با آن می‌توان به برخی از اسرار و اخبار جهان دست یافت. پایه‌های این علم بر نوعی ریاضیات پیچیده استوار است که با آن براساس محاسبات نجومی می‌توانند برخی رخدادها را پیش‌بینی کنند.

علم جفر در اختیار هر کسی نیست و دست یافتن به آن بسیار سخت است. این علم در اختیار امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام قرار داشته که با آن، مسائل مربوط به آینده را پیش‌بینی می‌کردند.

این که با استفاده از علم جفر می‌توان درباره ازدواج پیش‌بینی‌هایی کرد، یک درصد درست، و ۹۹ درصد نادرست است. رویکرد مردم به کسانی که ادعا دارند بر این علم مسلطند و قدرت پیشگویی درباره ازدواج را دارند، به دلیل اهمیت ازدواج و فراگیری آن است.

۱ . عَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ (بقره(۲)، ۲۱۶)؛ چه بسا چیزی را که ناگوار می‌شمارید؛ در حالی که برایتان خوب است و چه بسا چیزی را که دوست می‌دارید؛ در حالی که برایتان بد است.

انواع طالع‌بینی مانند هندی و چینی نیز خرافات است و اگر در مواردی درست در می‌آید، اتفاقی بیش نیست؛ چون موارد خلاف آن نیز بسیار زیاد است. اعتقاد به طالع‌بینی، افزون بر صرف هزینه؛ اندیشه، مطالعه و مشاوره را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اعتقاد به فال‌ها نیز از جمله فال کف دست، فال قهوه، فال نخود، فال حافظ و.. در امر ازدواج خرافات است و نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌های ما برای ازدواج باشد.

اعتقاد به همزاد که برخی معتقدند با تولد هر انسان، یک نفر جن نیز متولد می‌شود که همزاد او است و اگر عاشق شود، اجازه ازدواج به شخص را نمی‌دهد یا اسم زن و مرد را برای پیشگویی ازدواج به حروف ابجد در آوردن و چیزهایی از این قبیل همه خرافات است و نباید به آن‌ها توجه کرد.

این خرافات، هیچ گونه مستند دینی ندارد و با اسلام که مکتبی عقل محور است و عقل ما را پیامبر درون ما می‌داند، تضاد دارد؛ پس بر هر مسلمانی لازم است که با این خرافات بستیزد.[۱]

خواب همسر آینده

مدتی پیش، همسر آینده‌ام را در خواب دیدم و منتظرم تا به خواستگاری‌ام بیاید. تا چه حد می‌توان به این خواب‌ها اطمینان کرد؟

رؤیاهای صادقه که به آن‌ها مبشره نیز گفته می‌شود، وجود دارد. خواب حضرت ابراهیم‌ع درباره ذبح اسماعیل، خواب رسول اکرمﷺ درباره فتح

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه خرافات، ر.ک: محمود اکبری، ***خرافه‌ها و واقعیت‌ها***، انتشارات سبط اکبر.

مکه، خواب حضرت یوسف‌ع و خواب دوستان زندانی او، خواب فرمانروای مصر و... نمونه‌هایی از رؤیاهای صادقه هستند؛ اما خواب‌های ما اغلب صادقه نیست و در حالات جسمی و فکری ما ریشه دارد.

خستگی و گرسنگی، پری شکم (غذای سنگین)، سردی و گرمی، نامناسب بودن محل خواب، بیماری و احساس درد، افکار روزانه و... علل خواب‌های ما است. خواب همسر آینده نیز ممکن است به علت فکر زیاد شما درباره ازدواج باشد. این افکار بر قوه خیال اثر می‌گذارد و قوه مخیله نیز بر خواب تأثیر دارد؛ پس به این گونه خواب‌ها بی‌توجهی کنید.

در صورت اطمینان به صادقانه بودن این رؤیا، حتما به شرایط کسی که او را در خواب دیده‌اید، توجه کنید. در صورتی که او را می‌شناسید و می‌دانید که همتای شما نیست، رؤیا حتی صادقه هم نمی‌تواند دلیل موجهی بر پاسخ مثبت شما به او باشد و در صورت داشتن شرایط مطلوب، معطل ماندن و رد کردن خواستگاران خوب و دارای شرایط، کار عاقلانه‌ای نیست؛ زیرا ممکن است فرصت‌ها از دست برود.

توجه داشته باشید که خواب، حجت شرعی نیست، مگر در رؤیاهای صادقه پیامبران و امامانع.

نفرین خواستگار

خواستگاری دارم که همتای من نیست؛ اما از ترس نفرین او می‌خواهم پاسخ مثبت دهم. آیا این کار درست است؟

در فرهنگ دینی ما، نفرین وجود دارد و خداوند در قرآن کریم، افرادی

از جمله شیطان (وَإِنَّ عَلَيْكَ ٱللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ)،[۱] کافران (فَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْكافرينَ)،[۲] ستمگران (اَلا لَعْنَةُ اللهِ علَى الظّالمينَ)[۳] و... را نفرین می‌کند؛ اما این نفرین‌ها در امور مهم و کلان و برای دشمنانی است که به هدایتشان امیدی نیست.

به خواستگار شما توصیه می‌کنیم که به دلیل شنیدن پاسخ منفی در ازدواج، نفرین نکنند. نفرین کردن در غیر موارد پیش گفته، خلاف سیره پیشوایان دین است و آنان از نفرین مؤمنان و دوستان نهی کرده‌اند.

شما نیز از نفرین خواستگار، هیچ‌گونه نگرانی به خود راه ندهید؛ زیرا حقتان نفرین نیست. شما در ازدواج خود حق انتخاب دارید و مطمئن باشید که خداوند هیچ‌گونه اثری در نفرین او قرار نخواهد داد؛ همان گونه که به همه دعاها نیز اثربخشی نمی‌دهد.

۱. حجر(۱۵)، ۳۵.
۲. بقره(۲)، ۸۹.
۳. هود(۱۱)، ۱۸.

موانع ازدواج

ترس از مشکلات مالی

دوست دارم ازدواج کنم؛ اما ترس از مشکلات مالیِ زندگی مشترک مانع می‌شود. چه کنم؟

در توانمندی خداوند، هیچ‌گونه تردیدی نیست. خدایی که توانسته است تاکنون به شما روزی دهد، مطمئن باشید که توان روزی‌رسانی به همسر و فرزندان شما را نیز در آینده خواهد داشت. این وعده او در قرآن کریم است:

وَأَنكِحُوا ٱلْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَٱلصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَٱللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.[۱]

دختران و پسران بی‌همسر و بندگان و کنیزان صالح خود را به ازدواج یک دیگر درآورید. اگر فقیر باشند، خداوند از لطف خود، آنان را بی‌نیاز خواهد کرد و خداوند [رحمتش] گسترده و [به حال بندگانش] آگاه است.

۱. نور (۳۴)، ۳۲.

اگر یکی از نزدیکان ثروتمند شما قول دهد که در صورت اقدام به ازدواج، از نظر مالی حمایتتان خواهد کرد، دلتان آرام می‌گیرد و اقدام می‌کنید. چگونه است که با وعده خداوند با آن همه دارایی و توانمندی، دلتان آرام نمی‌گیرد؟! در حالی که می‌دانید به وعده‌اش وفا می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ تَرَکَ التَّزویجَ مَخافَةَ الْعَیْلَةِ فَقَد اَساءَ بِاللهِ الظنَّ.[1]

کسی که از ترس مشکلات مالی ازدواج نکند، به خداوندگمان بد برده است.

تجربه نشان داده که وضعیت زندگی انسان به لحاظ مالی، پس از ازدواج به مراتب بهتر از دوران مجردی است. این مطلب را سخن گهربار رسول گرامی اسلام نیز تأیید می‌کند:

زَوِّجُوا اَیاماکُم فَاِنَّ اللهَ یُوَسِّعُ لَهُم فی اَرْزاقِهِم.[2]

دختران و پسران بی‌همسر را به ازدواج هم درآورید؛ زیراخداوند، روزی آنان را گسترده خواهد کرد.

حضرت در سخن دیگری فرمود:

رزق همراه زنان است. زن بگیرید تا روزی شما فراوان شود؛[3]

پس به خدا توکل کنید و در صورت آمادگی ازدواج (ر.ک: ص۳۳و۳۴)، از مشکلات مالی بعد از آن نهراسید و در صورتی که کمبودهایی داشته باشید، مقابله با آن و رفع مشکلات با دست‌های توانمند خودتان، بسیار لذت‌بخش

۱. کلینی، *کافی*، ج۵، ص۳۳۰.
۲. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۲۲۲.
۳. همان، ص۲۱۷.

خواهد بود.

کسانی که زندگیشان را با امکانات اولیه مادی آغاز کرده و آن را با همیاری و همدلی و به تدریج ساخته‌اند، احساس غرور می‌کنند و اکنون که به گذشته می‌نگرند، احساس می‌کنند که همان سختی‌ها و کمبودها نیز به گونه‌ای لذت‌بخش بوده است.

سخت‌گیری والدین

۲۵ سال سن دارم؛ ولی به سبب سخت‌گیری‌های فراوان پدر و مادرم با خواستگاران در مسائل مادی، هنوز ازدواج نکرده‌ام. آیا این‌قدر سخت‌گیری لازم است؟

آنچه آموزه‌های دینی و روش اولیای الاهی به ما می‌آموزد، عدم سخت‌گیری با خواستگاران در مسائل مالی است.

اگر خواستگاران شما شرایط مطلوب از جهت اعتقادات، اخلاق، اصالت خانوادگی و... و امکانات اولیه مادی را برای ازدواج دارند، سخت‌گیری والدین بزرگوار شما در مسائل مادی از جمله مهریه، خودرو، منزل و پول فراوان، شایسته نیست.

تأکید اولیای الاهی بر دین و اخلاق افراد بوده است (ر.ک: ص۱۷۲ـ۱۷۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اِذا جَائَکُم مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَه و دینَه فَزَوِّجُوه اِلّا تَفْعَلُوه تَکُنْ فِتْنَةٌ فِی الْأَرضِ و فَسادٌ کبیرٌ.[1]

۱. کلینی، *کافی*، ج۵، ص۳۴۷.

وقتی کسی [به خواستگاری دخترتان] آمد که از اخلاق و دین او راضی هستید، [دخترتان را] به ازدواجش درآورید که اگر چنین نکنید، آشوبی در زمین و فسادی بزرگ رخ خواهد داد.

آن بزرگوار در ازدواج دختر خود فاطمه زهراﷺ نیز این گونه عمل کرد و بر خواستگار با ایمان دخترش، علی بن ابی طالبﷺ در مسائل مالی سخت نگرفت.[1]

در مواردی خواستگار، تحصیلات عالی خود را به پایان رسانده؛ ولی هنوز شاغل نشده است. روشن است که فرد تحصیل کرده بیکار نمی‌ماند؛ به ویژه اگر کمی از توقعات خود در نوع شغل بکاهد؛ پس منطقی نیست که در این صورت، به دلیل شاغل نبودن خواستگار، او را رد کنند.

ممکن است خواستگار شما تحصیلات عالی هم نداشته باشد؛ اما با فن و صنعت یا هنری آشنا است که می‌تواند با آن امرار معاش کند؛ ولی در حال حاضر هنوز شغل مناسبی نیافته. مهم این است که پدر و مادر شما در تحقیقات اولیه (ر.ک: ص ۲۰۰ و ۲۰۱) به این نکته برسند که این فرد، جربزه کار را دارد و کسی نیست که تن به کار نمی‌داده و سال‌ها سربار خانواده خود و دیگران بوده است.

بر اثر سخت‌گیری‌های والدین، خواستگاران، یکی پس از دیگری رد می‌شوند و سن دختر بالا می‌رود و طبیعی است که به میزان بالا رفتن سن، فرصت‌ها نیز از بین خواهد رفت و اگر هم در سنین بالا ازدواج کند، بهار شوهرداری او می‌گذرد و در وجود نسل هم که میوه درخت ازدواج است،

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه ازدواج فاطمهﷺ ر.ک: ابراهیم بابایی آملی، داستان ازدواج معصومینﷺ انتشارات پیوند با امام.

آثار نامطلوبی به جا می‌نهد (ر.ک: ص ۳۵-۳۷).

باید از والدین عزیزی که در ازدواج فرزندانشان بی‌دلیل سخت می‌گیرند پرسید که آیا پدر و مادر خود شما نیز در ازدواجتان این‌قدر سخت‌گیری کرده بودند؟!

نارضایتی والدین

با دختری آشنا شده‌ام و می‌خواهم ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم رضایت نمی‌دهند، علت چیست؟

پدران و مادران ایرانی به ویژه مادران، به طور معمول دوست دارند برای ازدواج فرزندشان خود اقدام کنند و برایشان نوعی آرزو به شمار می‌رود و این اقدام برایشان بسیار لذت‌بخش است و با توجه به رنج‌های فراوانی که برای بزرگ کردن فرزندشان متحمل شده‌اند، برای خود در این مسأله نوعی حق قائلند.

از طرفی نگرانند که نکند انتخاب فرزندشان به سبب غلبه احساسات و عواطف باشد و عاقلانه تصمیم نگرفته باشد.

جالب است که والدین در انتخاب رشته تحصیلی فرزندشان دخالت جدی نمی‌کنند و آن گونه که برای ازدواج آنان حساسیت نشان می‌دهند، در این مسأله حساسیت چندانی ندارند؛ چرا که می‌دانند فرزندشان در انتخاب رشته تحصیلی، محکوم عواطف و احساسات خود نمی‌شود؛ در این مسأله به قدر کافی تعقل می‌کند و از آرای مشاوران تحصیلی نیز به خوبی بهره می‌برد.

خوب است در مسأله ازدواجتان، رضایت پدر و مادر را جلب کنید؛ البته

مقصود این نیست که حق انتخاب را به آنان بدهید. والدین فقط حق اقدام دارند و حق انتخاب با فرزند است.

جلب رضایت پدر و مادر در ازدواج، افزون بر کاهش درصد خطا و ایجاد آرامش شما (با توجه به آموزه‌های دینی ما درباره جایگاه والدین)، در حقیقت کسب رضایت الاهی است. این رضایت، توأم با دعای خیر آنان، به طور قطع باعث برکات فراوانی در زندگی و سرمایه بزرگی برای آینده شما خواهد بود و عدم رضایت آنان، افزون بر اضطراب شما، ممکن است خدای نخواسته توفیقاتی را در زندگی از شما سلب کند. گذشته از این که همسر آینده شما باید مورد پسند و قبول پدر و مادرتان باشد تا مورد حمایت قرار گیرد و وی را در جایگاه عروس خانواده دوست داشته باشند و از تجربه‌های خود محرومش نسازند که اگر چنین نشود، همسر شما احساس امنیت خاطر نخواهد داشت و به جهت بی‌توجهی پدر و مادرتان دچار افسردگی خواهد شد.

مخالفت بیجای والدین

آیا مخالفت بیجای والدین در ازدواج فرزندانشان درست است؟

در مواردی والدین می‌دانند که فرزندشان تحت تأثیر عواطف و احساسات جوانی کروکور شده (ر.ک: ص۴۵ـ۴۷) و دارد تصمیم اشتباهی می‌گیرد و با کسی ازدواج می‌کند که همتایش نیست و به احتمال بسیار، نتیجه‌اش جدایی یا سوختن و ساختن تا آخر عمر خواهد بود. در این صورت، مخالفت، مقاومت و سخت‌گیری آنان نه تنها بد نیست که نیکو و بجا

هم هست.

در مواردی با خواستگار دخترشان یا کسی که پسرشان به او علاقه‌مند است و شرایط مطلوب نسبی را هم دارد، بدون دلیل موجه مخالفت می‌کنند؛ برای مثال به این دلیل که خوب احوالپرسی نکرد. گاهی به سبب حب و بغض‌ها است. پدر می‌گوید: چون از نزدیکان مادر است، و مادر می‌گوید: چون با خانواده پدر ارتباط فامیلی دارد. گاهی به دلیل تعصب‌های بیجا است؛ مثلاً هم شهری، هم ولایتی، هم زبان و هم لهجه و از طایفه ما نیست (درباره تشابه فرهنگی، ر.ک: ص ۱۵۱و۱۵۲). گاهی سلیقه شخصی خود را ملاک قرار می‌دهند و می‌گویند: چون به دلم ننشست یا عللی از این نوع.

توجه داشته باشید که هیچ‌یک از این علل، علل موجهی نیست و مخالفت والدین با ازدواج فرزندشان منطقی نخواهد بود.

گاهی پا را از مخالفت فراتر می‌گذارند و به علل واهی اجازه ازدواج نمی‌دهند. در ازدواج پسر، اجازه هیچ‌یک از اعضای خانواده شرط نیست؛ ولی بهتر است رضایت آنان به ویژه مادر را جلب کند و بهترین راه جلب رضایت، ارتباط عاطفی بیشتر، محبت افزون‌تر به آنان و استفاده از واسطه‌هایی با نفوذ از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ است.

در ازدواج دختر، اجازه پدر یا جد پدری لازم است؛[1] اما این اجازه مطلق نیست و در شرایطی، اجازه آنان از بین می‌رود؛ در جایی که پسر شرعاً و عرفاً

۱. دلیل نیاز دختر به اجازه پدر (و نه مادر) اولاً شدت عواطف او است که احتمال دارد بر اساس احساسات تصمیم بگیرد و قوه عاقله پدر باید به او کمک کند؛ ثانیاً تجربه کمتر از مرد به دلیل حضور کمتر در اجتماع است (به همین سبب، زن غیر باکره که تجربه بیشتری دارد و مردشناسی را هم تجربه کرده، برای ازدواج دوباره، اجازه پدر را لازم ندارد) و ثالثاً حق طلاق است که به مرد داده شده و با توجه به این‌که زن حق طلاق ندارد (ر.ک: ص۲۱۵و ۲۱۶) باید دقت بیشتری کند و به نظر پدر نیاز دارد.

کفو (همتای) دختر باشد؛ ازدواج هم به مصلحت دختر باشد، و همتای دیگری هم برایش پیدا نشود؛[1] پس اگر این شرایط وجود داشته باشد و پدر یا جد پدری بدون دلیل موجه با ازدواج دخترش مخالفت کند، اسلام اجازه می‌دهد که دختر بدون اجازه آنان ازدواج کند (ر.ک: ص۷۹و ۸۰).

استخاره بی‌مورد

آیا استخاره در ازدواج، قبل از هرگونه اقدامی بجا است؟

استخاره برای ازدواج قبل از هرگونه اقدام، دو اشکال مهم دارد:

۱. در صورت پاسخ منفی استخاره، فرصت‌ها از دست می‌رود و یکی از موانع ازدواج و از علل مهم به تأخیر افتادن سن ازدواج و از دست رفتن فرصت‌ها به ویژه برای خانم‌ها همین مسأله است؛

۲. در صورت پاسخ مثبت استخاره، احتمال بی‌دقتی و بی‌توجهی به فرایند خواستگاری وجود دارد که خطرهایی را در پی خواهد داشت.

برای ازدواج باید براساس راهکارهای ذکر شده در این نوشتار اقدام کنید و پس از گذراندن فرایند خواستگاری (دیدار، گفت و گو، تفکر، تحقیق، کنترل، مشاوره و مطالعه) اگر به نتیجه‌ای نرسیدید و در انتخاب تردید داشتید، آن‌گاه می‌توانید استخاره کنید تا جایی برای «اما» و «اگر»های بعدی باقی نماند.

استخاره به معنای طلب خیر از خدا است و حتما لازم نیست به شکل امروزی و با قرآن باشد.

تأکید امامان معصوم﷨ بر استخاره به شکل دعا بوده تا خداوند با آن،

۱. *تحریر الوسیله*، ج۲، ص۳۹۳.

سرگردانی شخص را از بین ببرد.

امام باقر﷣ می‌فرمود: هرگاه در کار مهمی دچار سرگردانی می‌شوم و می‌خواهم از خدا طلب خیر کنم، در حال نشسته، صد بار این دعا را می‌خوانم:

اللّهُمَّ اِنّی اَسأَلُکَ بِاَنَّکَ عالِمُ الْغَیبِ و الشَّهادةِ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ کذا و کذا[1] خیرٌ لی فَخِره لی و یَسِّیره و اِنْ کُنتَ تَعْلَمُ أَنَّه شَرٌّ لی فی دینی و دنیایَ و آخِرَتی فاصْرِفْه عَنّی اِلَیَّ ما هُوَ خَیْرٌ لی وَ رَضِّنی فی ذلک بِقَضائِکَ فَاِنَّکَ تَعَلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَ تَقدِرُ وَلا اَقْدِرُ وَ تَقضی وَلا اقضی اِنَّکَ عَلاّمُ الْغُیُوبِ.[2]

پروردگارا! من تو را بدان سبب که به پنهان و آشکار آگاهی می‌خوانم. اگر می‌دانی که فلان کار برایم خیر است، آن را به من بنمایان و بر من آسانش ساز و اگر می‌دانی که برای دین و دنیا و آخرتم شرّ است، آن را به چیزی که برایم خیر است، تبدیل فرما و مرا در آن به اراده خود راضی ساز؛ چرا که تو می‌دانی و من نمی‌دانم؛ تو می‌توانی و من نمی‌توانم؛ تو می‌خواهی و من نمی‌خواهم. همانا تو به پنهانی‌ها آگاهی.

آقا امام سجاد﷣ نیز برای همین منظور در ***صحیفه سجادیه*** دعایی (۳۳) دارد. توصیه می‌شود در صورت نیاز به استخاره، با همین شیوه، سرگردانی خود را از بین ببرید؛ اما در صورت باقی ماندن تردید، استخاره با قرآن اشکالی ندارد. اگر به شکل پیش گفته و بدون شرایط لازم استخاره کرده‌اید و اکنون نمی‌خواهید به آن عمل کنید، نگران نباشید. استخاره از ادله شرعی نیست و

۱. به جای کذا و کذا، مطلب مورد نظر خود را بگویید.

۲. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۷۵.

عمل به آن الزام دینی ندارد؛ پس مخالفت با آن، خلاف شرع نیست.

بر اساس فتاوای اکثر مراجع تقلید، عمل بـه اسـتخاره واجب نـیست؛[۱] بنابراین می‌توانید با دادن صدقه، دعا و توکل به خدا، به نتیجه استخاره عمل نکنید.

یکی از مشکلات جدی در امـر ازدواج، اسـتخاره‌های بـی‌دلیل پس از فرایند خواستگاری و حتی در مواردی پس از جلسه بله برون و قبل از عقد است که افزون بر هدر رفتن وقت دو خانواده و در خطر بودن آبروی آن‌ها به ویژه خانواده دختر، لطمه‌های جدی روحی نیز به دختر و پسر وارد می‌شود.

نداشتن خواستگار

دوست دارم ازدواج کـنم؛ امـا خـواسـتگاری بـرایـم نـمی‌آید. نـیامدن خواستگار چه علتی ممکن است داشته باشد؟

نیامدن خواستگار، عللی دارد:

۱. قصور یا تقصیر خود دختر: ممکن است خـدای نـخواسـته، انـحرافـی اخلاقی یا رابطه‌ای ناشایست داشته و اعتماد مردم از وی سلب شـده و او را شخص صالح و پرهیزکاری نمی‌دانند.

در این صورت، توبه به درگاه خداونـد و مـدتی سـر بـه راهـی، بـاعث می‌شود خداوند به او توجه، و با قدرت بی‌پایان خود، ذهن مردم را نیز پاک کند.

۲. قصور یا تـقصیر اعـضای خـانواده: اگـر اعـضای خـانواده خـلافکاری می‌کنند، باید خود را برای تغییر سرنوشت دختر خانواده اصلاح کنند.

---

۱. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۷۵.

۳. نقص عضو یا مشکل جسمی دختر: برای جبران این گونه نقص‌ها و حتی نقص جدی در زیبایی، باید استعدادهای خود را شناسایی و شکـوفا سـازد. بروز توانمندی‌ها و قابلیت‌های دختر، این نقص‌ها را جبران می‌کند.

۴. محله‌نامناسب برای زندگی: اگر خانواده دختر محترم است و در محله‌ای نامناسب (محله بدنام و جرم خیز) زندگی می‌کنند، باید هجرت کنند. هجرت، حرکتی مقدس است که شاید یکی از مصادیقش همین جا باشد.

۵. انزوا جویی دختر: گاهی دختر به سبب کـمرویی یـا هـر عـلت دیگـر، انزواجویی می‌کند که درست نیست. او می‌تواند بـا حـفظ عـفت و رعـایت ضوابط اخلاقی و شرعی، در مجامع و محافل مناسب حضور یابد. تا زمانی که مادران نیازمند عروس یا واسطه‌ها دخـتر را نـبینند و نشـناسند، چگـونه بـه خواستگاری او بروند؟!

۶. نبودن همتا برای دختر: گاهی دختری تحصیل کرده، در محیطی کوچک و روستایی زندگی می‌کند که همتایی برایش نیست. در این صورت پیشنهاد می‌شود در صورت نبودن مانع و با رعایت ضوابط اخلاقی و شرعی، مدتی را مهمان یکی از محارم در شهری بزرگ‌تر شود.

مانع تراشی دیگران

برخی از بزرگان فامیل و گاهی برادران و خواهرانم به خواستگارانم ایراد می‌گیرند و مانع ازدواجم می‌شوند. آیا مانع تراشـی در ازدواج دیگـران کـار درستی است؟

مدیریت ازدواج باید در اختیار شما و پدر و مادرتان باشد.

دیگران حق دارند نظر بدهند؛ اما اجازه ندارند نظر خود را بر شما تحمیل کنند. متأسفانه گاهی بزرگانی از فامیل به سبب جایگاه ویژه و نفوذ کلامی که دارند، بدون دلیل موجه، برای ازدواج جوانان مانع‌هایی ایجاد می‌کنند که درست نیست. در متون دینی ما، روایات ارزشمندی وجود دارد که بر واسطه خیر شدن تأکید دارند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

اَفْضَلُ الشَّفاعاتِ اَنْ تَشْفَعَ بَینَ اثْنَین فِی نِکاحٍ حتی یَجْمَعَ اللهُ بَینهما.[1]

بهترین واسطه‌گری این است که بین دو نفر برای ازدواج واسطه شوی تا خداوند آن دو را به هم رساند.

بر اساس سخنی از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام واسطه ازدواج در سایه عرش خدا قرار می‌گیرد.[2]

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

کسی که مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم آورد، خداوند حوریه‌های بهشتی را به ازدواج او درخواهد آورد و در برابر هر قدم و هر سخن او، ثواب یک سال عبادت را می‌نویسند.[3]

همان گونه که واسطه خیر شدن ثواب دارد، طبیعی است که مانع خیر شدن نیز ناشایست خواهد بود. کسانی که مانع ازدواج درست جوانان می‌شوند، به طور قطع در گناه انحرافات اخلاقی، گناه شکست‌های روحی، و گناه از بین رفتن فرصت‌ها برای آنان سهیم خواهند بود.

---

۱. کلینی، *کافی*، ج۵، ص۳۳۱.

۲. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۲۲۱.

۳. همان.

اعتیاد به مواد مخدر

آیا می‌توانم با فردی معتاد که قول داده است پس از ازدواج ترک کند، ازدواج کنم؟

با توجه به کم بودن احتمال ترک در معتادان، خطرپذیری نکنید. برخی خانم‌ها به دلیل غلبه عشق و تصمیم غیرعقلانی، و برخی از روی دلسوزی و به قصد کمک، خطر را می‌پذیرند و با معتادی که ترک نکرده، به امید اصلاح و ترک، ازدواج می‌کنند که تصمیم درستی نیست.

این نهی بدان جهت است که افزون بر لطمه‌های مادی و اقتصادی، اغلب معتادان، اختلال در شخصیت (عدم پایبندی به مقررات اجتماعی، عدم حس مسؤولیت، دروغگویی، افسردگی)، کاهش میل جنسی و... دارند و به طور قطع، مشکلاتی جدی را در زندگی زناشویی ایجاد خواهد کرد؛ بنابراین به او فرصت دهید تا ترک کند و پس از ترک در صورتی که با استفاده از راه‌های علمی تشخیص ترک، مطمئن شدید که پاک شده است (ر.ک: ص۱۸۵و۱۸۶)، ازدواج اشکالی ندارد؛ اما توجه داشته باشید که ادعای ترک زیر ۶ ماه اعتباری ندارد؛ زیرا حدود دو سوم معتادان ترک کرده، زیر ۶ ماه دوباره به اعتیاد روی می‌آورند. در صورتی می‌توان اطمینان یافت که دست کم یک سال از ترک گذشته باشد که آن هم زمان ترک موقت است و پس از این زمان وارد ترک دائم می‌شود؛ زیرا برای بازسازی اِندورفین (Endorphin) موجود در مغز، همین مقدار زمان لازم است.

طبیعی است که هر قدر از یک سال بگذرد، ضریب اطمینان بیشتر خواهد شد.

بیماری‌های حاد جسمی و روحی

آیا مشکلات حاد جسمی و اختلالات روحی ـ روانی می‌تواند مانع ازدواج باشد؟

مشکلات حاد جسمی از قبیل سردردهای میگرنی، صرع، نازایی و...، مشکلات جنسی (ر.ک: ص۸۸و ۸۹) و اختلالات روحی ـ روانی از جمله افسردگی حاد (ر.ک: ص۲۹و۳۰)، پرخاشگری‌های عصبی و غیر عادی (ر.ک: ص۱۸۸)، بددلی و سوءظن (ر.ک: ص۱۸۹)، وسواس عملی و فکری (ر.ک: ص۱۹۲و۱۹۳)، عدم تعادل روحی ـ روانی (ر.ک: ص۱۸۷) و... که در زندگی زناشویی به طور جدی تأثیر می‌گذارند، پیش از ازدواج باید درمان شوند و اگر قابل درمان نیستند یا خود شخص به هر دلیلی رغبتی به درمان ندارد، حتما باید صادقانه به طرف مقابل بگوید تا شخص بتواند با اطلاع از پیامدهای آن در زندگی مشترک (از طریق گفت و گو با متخصصان) آگاهانه تصمیم بگیرد.

افرادی هستند که مشکلات مشابهی دارند یا دارای شرایط ویژه و کمبودهایی هستند که این گونه ازدواج‌ها را می‌پذیرند.

اختلال جنسی

هیچ‌گونه میلی به جنس مخالف ندارم. آیا این مسأله می‌تواند مشکلی در زندگی زناشویی ایجاد کند؟

حالت شما، یکی از دو طبقه اختلال‌های میل جنسی است که به آن اختلال میل جنسی کم کار (کمبود یا فقدان تصورات جنسی و کمبود یا فقدان

میل به فعالیت جنسی) گفته می‌شود.

اختلال‌های جنسی، چه از نوع اختلال‌های میل جنسی که طبقه دیگر آن، اختلال انزجار جنسی (پرهیز و تنفر از رابطه جنسی با شریک جنسی)[۱] است و چه از نوع اختلال‌های مربوط به پارافیلیا[۲] (خیال‌پردازی‌های جنسی و میل جنسی همراه با اصرار و اَعمال تکراری که برای شخص ناراحتی ایجاد می‌کند)، از جمله کودک خواهی، چشم‌چرانی، خودآزاری جنسی، دیگر آزاری جنسی و... و چه اختلال همجنس خواهی، و اختلال هویت جنسی،[۳] بهتر است پیش از ازدواج درمان شود؛ به ویژه اختلالاتی که بر ارتباطات زناشویی تأثیر جدی و مستقیم می‌گذارد.

توجه داشته باشید که این گونه اختلال‌ها درمان دارد. درمان آن‌ها با منشأ جسمی و فیزیولوژیک به وسیله اورولوژیست (Orologist)، با منشأ روحی ـ روانی به وسیله سکس تراپیست[۴] (Sex Therapist) یا روان‌پزشک و با منشأ هورمونی به وسیله متخصص غدد انجام می‌شود.[۵]

---

۱. اختلال میل جنسی، یکی از طبقات اختلال‌های کنش جنسی است که عبارتند از: اختلال‌های تحریک جنسی، اختلال‌های اوج لذت جنسی، اختلال‌های درد جنسی و... .

2.Paraphilia.

3.Transexality.

۴. سکس تراپیست، روان‌شناسی است که دوره درمان‌های جنسی را دیده.

۵. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ر.ک: محمدباقر کجباف، ***روان‌شناسی رفتار جنسی***، نشر روان.

بزهکاری اجتماعی

چندی پیش به سبب ارتکاب جرمی به زندان افتادم و این باعث شده که هرجا به خواستگاری می‌روم، پاسخ منفی می‌شنوم. آیا حق ندارم ازدواج کنم؟

طبیعی است که ارتکاب جرم و زندان، فرصت‌های بسیاری را برای ازدواج می‌گیرد؛ اما معنایش این نیست که شما حق ازدواج نداشته باشید.

اگر از ارتکاب آن جرم پشیمان شده و پس از ادای حق الناس به درگاه خداوند توبه کرده‌اید و پس از رهایی از زندان به دنبال بزهکاری‌های اجتماعی نمی‌روید، مطمئن باشید که خداوند کمکتان می‌کند و گذشته شما را از ذهن مردم پاک خواهد کرد؛ البته لازم است خودتان نیز تا مدتی با رفتار شایسته به این فراموشی کمک، و به دیگران ثابت کنید که شخص بزهکار گذشته نیستید.

شما باید با ایجاد تحول در خود، رفتارتان را اصلاح کنید و رویکرد جدیدی به زندگی بیابید تا در روش زندگی‌تان تغییر کافی ایجاد شود و مردم از شخصیت شما تصویر روشنی بیابند و به تدریج گذشته را فراموش کنند.

در هر صورت به سبب خطایی که مرتکب شده‌اید، باید مقداری از توقعات خود بکاهید و سراغ خانواده‌هایی برای ازدواج بروید که شرایط پایین‌تری دارند.

اگر به هر دلیلی امکان به تأخیر انداختن ازدواج را ندارید و مایلید هم اکنون ازدواج کنید، باید سراغ خانواده‌ای بروید که وضعیت مشابه شما را دارند و در حقیقت، کفو (همتای) شما هستند.

شرابخواری

خواستگاری دارم که شرابخوار است. آیا شرابخواری می‌تواند دلیلی بر پاسخ منفی به او باشد؟

شراب، جسم فرد را نابود می‌کند. کبد که برای دفع سم در بدن انسان قرار داده شده، توانایی دفع مقداری سم را دارد و نمی‌تواند شراب را که به طور کامل سم است، دفع کند؛ در نتیجه دچار اختلال می‌شود.

شراب بر سلول‌های مغزی شخص اثر منفی می‌گذارد و در دراز مدت، او را دچار اختلالات حاد روانی، و اراده فرد را تضعیف خواهد کرد و این همه به طور غیر مستقیم بر زندگی زناشویی اثر خواهد گذاشت.

اثر مستقیم شراب بر زندگی مشترک زن و مرد، اختلالی است که احتمال دارد در نطفه ایجاد کند. براساس پژوهش‌ها، نطفه‌هایی که شب اول ژانویه و ایام کریسمس مسیحی بسته می‌شوند، مشکلات جسمی و روحی بیشتری دارند؛ زیرا در این ایام، مصرف شراب افزون‌تر و عمومی‌تر می‌شود.

اثر دیگر شراب بر زندگی زناشویی، رفتارهای ناشایست از جمله ضرب و جرح همسر و فرزندان است که به علت ضایع شدن عقل شرابخوار انجام می‌شود؛ پس شرابخواری می‌تواند مانع ازدواج باشد؛ زیرا از گناهانی است که صرفا جنبه شخصی ندارد و باعث اختلال در زندگی زناشویی خواهد شد.

دلیل مقابله جدی اسلام با ارتکاب این گناه، همین مسأله است.

قرآن کریم، مسلمانان را از مصرف شراب بازداشته و آن را رفتاری پلید از شیطان دانسته است (مائده، ۹۱).

در روایات دینی ما، افزون بر مخالفت با مصرف شراب، تأکید شده که به شرابخوار دختر ندهید:

کسی که دخترش را به شرابخوار بدهد، گویا او را به فحشا واداشته است.[۱]

براساس سخنی از امام صادق﵇ شرابخوار برای ازدواج اهلیت ندارد؛ چون سفیه (تهی مغز) است و خداوند فرمود:

ولا تؤتوا السُّفهاءَ اموالَکم.[۲]

دارایی‌تان را به سفیهان ندهید.

مصرف مشروبات الکلی آن قدر ناشایست است که امیرمؤمنان علی﵇ فرمود:

اگر در چاهی قطره‌ای شراب بیفتد؛ آن چاه را با خاک پر کنند؛ بر روی آن مناره‌ای بسازند، و بر سر مناره، مأذنه‌ای (محل اذان) قرار دهند، من در آن مأذنه اذان نمی‌گویم.[۳]

در فقه شیعه آمده است که ازدواج با شرابخوار کراهت شدید دارد.[۴]

همه این سخنان بدین جهت است که شرابخوار به دلیل ضایع شدن عقل، پرده‌های حیا را می‌درد و بی‌پروایی می‌کند.

۱. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۰، ص۳۷۲.
۲. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۹، ص۳۷۹.
۳. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج۴، ص۷۵.
۴. نرم‌افزار پرسمان۲ (www.porseman.org) استفتا از مراجع.

مصرف سیگار

خواستگاری دارم که سیگار می‌کشد. مصرف سیگار تا چه حد می‌تواند در زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد؟

سیگار، سرنخ بسیاری از اعتیادهای دیگر (اعتیاد به مواد مخدر) است و برخی آن را مادر اعتیادها می‌دانند. غربی‌ها از آن به «gate way» یعنی دروازه اعتیاد تعبیر می‌کنند.

سیگار افزون بر آثار زیانبار بر خود شخص، بر همسر و فرزندان نیز اثر منفی می‌گذارد. رنگ زرد دندان‌ها و بوی نامطبوع دهان، کاهش میزان بینایی و شنواییِ اعضای خانواده، تأثیر بر مادر باردار و زمینه تولد کودک کم‌وزن و نارس، قسمتی از زیان‌های سیگار است.

اگر می‌خواهید به خواستگارتان پاسخ مثبت دهید، به این آثار منفی و به روحیه خود توجه کنید. اگر از کسانی هستید که تحمل دود سیگار برایشان بسیار رنج‌آور و غیر قابل تحمل است، در زندگی زناشویی دچار اختلافات و تنش‌های بسیاری خواهید شد.

تجربه ازدواج پیشین

من پیش‌تر ازدواج کرده و جدا شده‌ام. چرا وقتی خواستگارانم این مطلب را می‌فهمند، از ازدواج با من منصرف می‌شوند؟

طبیعی است که موقعیت شما با زمانی که دختری مجرد و باکره بوده‌اید، تفاوت کرده است و فرصت ازدواج برایتان چونان گذشته نخواهد بود؛ اما بدین معنا نیست که دیگر حق ازدواج نداشته باشید.

نکته مهم این است که باید با کفو (همتای) خود ازدواج کنید. آقایانی هم هستند که مانند شما تجربه ازدواج پیشین را داشته‌اند و همتای شما هستند.

ازدواج شما با همتای خود، جلو سرزنش‌ها و سرکوفت‌های احتمالی بعدی را از طرف همسر و خانواده او در زندگی زناشویی می‌گیرد.

حتی توصیه می‌شود کسانی که به دلیل جدایی یا فوت همسر، مجرد و دارای فرزند هستند نیز با همتای خود ازدواج کنند تا نوعی تعادل برقرار شود و در زندگی زناشویی برای آسایش فرزند خود، به فرزند همسرشان نیز توجه کنند.

برخی از کسانی که در زندگی زناشویی شکست خورده‌اند یا کسانی که از سن متعارف ازدواجشان گذشته است (به ویژه خانم‌ها)، همچنان بر ملاک‌های پیشین خود برای ازدواج تأکید می‌کنند که درست نیست و بهتر است اندکی از شرایط کمال خود (تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی، تفاوت در زیبایی، همتایی اقتصادی و...) بکاهند؛ اما نباید از شرایط اصلی ازدواج (اعتقاد مشترک، اعتیاد، شرابخواری، اختلالات روحی ـ روانی، عدم تعادل روانی و...) دست بردارند.

کسانی که با همتای خود (به ویژه از جهات اعتقادی و فرهنگی) ازدواج نمی‌کنند، دچار مشکلات فراوانی در زندگی زناشویی می‌شوند که به طور قطع از مجرد ماندن بدتر است. یادمان باشد که ازدواج نکردن، به مراتب بهتر از ازدواج غلط است.

طلاق والدین

والدینم از هم جدا شده‌اند و تحت سرپرستی مادربزرگ و پدربزرگم بوده‌ام. آیا این مسأله می‌تواند علت منصرف شدن خواستگاران باشد؟

خواستگارانی که با فهمیدن مسأله جدایی پدر و مادر شما منصرف می‌شوند، نگرانی‌هایی دارند:

۱. نگران آسیب‌های روحی شما به دلیل دعواها و درگیری‌های پدر و مادرتان پیش از جدایی هستند؛ در حالی که ممکن است دعواهای والدین شما (اگر بوده)، پنهانی بوده و می‌کوشیده‌اند برای پیشگیری از آسیب‌های روحی در حضور شما درگیر نشوند.

۲. نگران خلاهای عاطفی شما به سبب فقدان پدر و مادر هستند؛ حال آن که ممکن است پدر بزرگ و مادربزرگ شما با محبت کافی، مانع از این خلاها شده باشند.

۳. نگران آسیب‌های اجتماعی شما به دلیل نبودن والدین و در نتیجه نبود کنترل هستند؛ در حالی که ممکن است پدر و مادر بزرگ شما، همچون والدین، شما را کنترل می‌کرده و مراقب بوده و مانع از آسیب‌های اجتماعی شما شده باشند.

۴. نگران کمبودهای اقتصادی شما و در نتیجه عقده‌های ناشی از این کمبودها هستند؛ حال آن که ممکن است پدر و مادر بزرگ شما از جهت اقتصادی نیز در حد نیاز و متعارف به شما رسیدگی کرده باشند؛ بنابراین، صرف این که دختر یا پسری فرزند طلاق است نمی‌تواند مانع ازدواج او باشد؛ چرا که نگرانی‌های پیش گفته ممکن است در مورد فرزندانی که پدر و

مادرشان از هم جدا نشده‌اند نیز وجود داشته باشد.

چگونه صِرف این که پدر و مادر دختر یا پسری از هم جدا نشـده‌انـد، خانواده‌ها او را نمی‌پذیرند و حتما فرایند خواستگاری (ر.ک: ص۱۰۹ـ۱۴۷) را انجام می‌دهند، همین مسأله درباره فرزند طلاق نیز باید وجود داشته باشد و جدایی والدین او نباید عامل انصراف خانواده‌ها و محرومیت او از ازدواج باشد.

اعتیاد والدین

به علت اعتیاد پدر و مادرم، به خواستگاری هر کسی می‌روم، پاسخ منفی می‌شنوم، آیا این مشکل می‌تواند دلیل موجهی بر رد خواسته‌ام باشد؟

اعتیاد پدر و مادر یا خواهر و برادر، مانند اعتیاد خود فرد نیست (ر.ک: ص۸۷) که مانع جدی برای ازدواج باشد؛ ولی طـبیعی است کـه مـقداری از فرصت‌ها را از شخص می‌گیرد.

بهترین گزینه برای شما ازدواج با همتای خودتان است؛ یعنی دختری که او نیز والدینش چنین مشکـلی یـا مشـابه آن را داشـته بـاشند تـا در زنـدگی زناشویی، عاملی برای سرکوفت و تحقیر شما نباشد.

در صورتی که مایل نیستید با چنین دختری ازدواج کنید، چاره‌ای ندارید که کمی از شرایط مطلوب خود بکاهید و با خانواده‌ای در موقعیت پایین‌تر از خود ازدواج کنید تا با پاسخ منفی آنان رو به رو نشوید.

تالاسمی مینور (خفیف)

پس از آزمایش متوجه شده‌ایم که هـر دو تـالاسمی مـینور داریـم. آیـا نمی‌توانیم با هم ازدواج کنیم؟

یکی از آزمایش‌های قبل از ازدواج، آزمایش تالاسمی (نوعی کم‌خونی ارثی) است که با توجه به شیوع آن، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

اگر پس از آزمایش مشخص شود که یکـی از دو نـفر سـالم و دیگـری تالاسمی مینور (خفیف) دارد، احتمال دارد که نیمی از فرزندان آنان مینور، و نیمی دیگر سالم باشند.

کسانی که تالاسمی مینور دارند، زندگی عادی خواهند داشت و مـانند افراد سالم به فعالیت‌های معمول خود می‌پردازند.

در صورتی که پس از آزمایش مشخص شود هر دو نفر تالاسمی مینور دارند، احتمال دارد که در هـر بـار حـاملگی، ۲۵ درصـد از فـرزندان دچـار تالاسمی ماژور (شدید) شوند که خطرناک است و در معرض مرگ زودرس در سنین جوانی قرار می‌گیرند؛ بنابراین به شما توصیه می‌کنیم از ازدواج با هم منصرف شوید. هر یک از شما می‌تواند با فـردی سـالم ازدواج کـند و هـیچ مشکلی برای فرزندان پیش نیاید. اگر به هر دلیلی اصـرار بـه ازدواج داشـته باشید، متخصصان شما را از ازدواج منع نمی‌کنند؛ بلکه توصیه خواهند کرد که با استفاده از راه‌های پیشگیری مطمئن، بچه‌دار نشوید یا فرزند خـوانـده بگیرید و اگر مایل باشید بچه‌دار شوید، باید مسیر بسیار دقیقی را آغاز کنید و تا بارداری خانم تحت نظر باشید.

این فرایند با آزمایش PND که هزینه بالایی هم دارد، آغاز می‌شود و تـا

زمانی ادامه می‌یابد که مشخص شود جنین، تالاسمی مینور (خفیف) دارد که دراین صورت بدون مشکل به دنیا خواهد آمد و زندگی عادی خواهد داشت؛ اما اگر مشخص شد که تالاسمی ماژور (شدید) دارد، با اخذ مجوّز سقط از مراجع ذی‌صلاح (پزشکی قانونی)، جنین سقط می‌شود که البته اخذ مجوّز حتما باید حداکثر هفته شانزدهم بارداری (ابتدای ماه چهارم) باشد؛ وگرنه پزشکی قانونی مجوّز نخواهد داد.

آزمایش ژنتیک

مشاوره و آزمایش ژنتیک تا چه اندازه در ازدواج فامیلی نقش دارد؟ اگر دو طرف شدیداً به هم علاقه داشته باشند، آیا می‌تواند مانع ازدواج شود؟

با توجه به این که هزاران نوع بیماری ژنتیک وجود دارد، مشاوره و در صورت لزوم، آزمایش ژنتیک نقش بسیار مهمی در ازدواج فامیلی خواهد داشت؛ البته احتمال بیماری ژنتیک، به ازدواج فامیلی اختصاص ندارد و ممکن است در غریبه‌ها نیز رخ دهد که احتمال آن ۲درصد است.

در ازدواج فامیلی، پس از مشاوره ژنتیک، ممکن است احتمال ابتلا به بیماری، ۵ یا ۶ درصد برآورد شود که ریسک (خطرپذیری) متوسط است و مشاوران ژنتیک توصیه می‌کنند خوبی‌های ازدواج فامیلی و احتمال اشکال را در نظر گرفته، خودتان تصمیم بگیرید.

در صورتی که ضریب همخونی زیاد، یعنی نسبت فامیلی از «یک» جهت بیشتر باشد، برای مثال، هم دختر خاله و هم دختر عمو باشد، احتمال خطر از ۱۰ درصد بیشتر می‌شود که ریسک بالا است و مشاوران، افراد را از ازدواج منع می‌کنند.

در صورتی که افزون بر ضریب همخونی زیاد، کسی در شجره، بیماری داشته باشد؛ برای مثال، برادر خانم یا آقا بیمار باشند، منع از ازدواج جدی‌تر خواهد بود.

در صورت اصرار دختر و پسر بر ازدواج، یا قابل بررسی‌های ژنتیکی از طریق آزمایش ژنتیک هست یا نیست. در صورتی که امکان آزمایش نباشد، از ازدواج منع می‌شوند و در صورتی که امکان آزمایش وجود داشته باشد، آزمایش‌ها آغاز خواهد شد تا وضعیت آنان مشخص شود.

اگر پس از آزمایش روشن شود که دختر و پسر ناقل بیماری نیستند، منعی برای فرزند دارشدنشان نخواهد بود و اگر ناقل باشند، نوبت به آزمایش جنین می‌رسد که اگر سالم باشد به دنیا می‌آید و اگر سالم نباشد، با اخذ مجوّز سقط قبل از دمیده شدن روح (حداکثر هفته شانزدهم بارداری، یعنی ابتدای ماه چهارم)، جنین سقط می‌شود.

توجه داشته باشید که پزشکی قانونی در همه بیماری‌های ژنتیک، مجوز سقط نمی‌دهد.

ادامه تحصیل

آیا ادامه تحصیلات عالی می‌تواند مانع جدی برای ازدواج باشد؟

اگر پسری تحصیلات عالی خود را آغاز کرده و در ترم‌های ابتدایی تحصیل است و افزون بر ادامه تحصیل، خدمت نظام وظیفه را هم پیش رو دارد (ر.ک: ص۱۰۰و۱۰۱) با فرض داشتن شرایط دیگر ازدواج

(ر.ک: ص۳۳و۳۴) چون تا سال‌ها امکان اشتغال و کسب درآمد ندارد، توصیه به ازدواج نمی‌شود، مگر این که شرایط ازدواج را داشته باشد و از طرف خانواده خود از جهت مالی حمایت شود.

ادامه تحصیل در ترم‌های پایانی یا در مقاطع بالاتر نمی‌تواند مانع ازدواج باشد؛ زیرا مدت باقیمانده تحصیل با دوران عقدبستگی همراه می‌شود که مسؤولیتی بر دوش مرد از جهت نفقه همسر و تعهدات دیگر نمی‌آورد.

ادامه تحصیل برای خانم‌ها اصلاً نمی‌تواند مانع ازدواج شود؛ چون نفقه زن به عهده مرد است؛ بنابراین، اگر خواستگار، اجازه می‌دهد دختر ادامه تحصیل دهد و با آن مخالفت نمی‌کند، بهتر است پس از گذراندن یکی دو ترم، ازدواج کند تا پایه‌های تحصیلی‌اش محکم شود و در معرض ترک تحصیل قرار نگیرد.

خدمت نظام وظیفه

من هنوز خدمت نظام وظیفه‌ام را انجام نداده‌ام. آیا برای ازدواج، انجام این خدمت لازم است؟

انجام خدمت نظام وظیفه (سربازی) گذشته از این که خدمتی مقدس به شمار می‌رود، اگر انجام نشود، مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد؛ به گونه‌ای که امکان استخدام در مؤسسه‌ها و اداره‌های دولتی و برخی مؤسسه‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت و نقل انتقال هرگونه سند رسمی را با مشکل مواجه می‌سازد. گذشته از این، ممکن است شخص را به جهت وابستگی به

همسر، از انجام این خدمت باز دارد؛ بنابراین توصیه می‌شود در صورت آمادگی برای ازدواج از جهات دیگر، دست کم بعد از گذراندن دوره آموزشی یا مدتی پس از آن ازدواج کنید.

با توجه به این که در این دوره، امکان امرار معاش نیست[1] می‌توان آن را با دوره عقد همراه ساخت و پس از اتمام آن، زندگی مشترک را آغاز کرد.

فوت نزدیکان

مدت دو سال است می‌خواهم با خانمی ازدواج کنم؛ اما هر بار با فوت یکی از نزدیکان وی، ازدواجمان به تأخیر می‌افتد. این مسأله چقدر می‌تواند مانع ازدواج شود؟

از نظر شرعی، تأخیر در ازدواج به علت فوت یکی از نزدیکان، واجب یا مستحب نیست؛ همان گونه که انجام آن، حرام یا مکروه نیست؛ اما خوب است به آداب و رسوم عرفی احترام گذاشته شود.

احترام عزیز از دست رفته به‌ویژه اگر مؤمن باشد، ایجاب می‌کند که همزمان با رحلت او ازدواج صورت نگیرد؛ اما در این که ازدواج چقدر به تأخیر بیفتد، عرف‌ها، خانواده‌ها و شرایط فرق می‌کند.

این که شخص از دست رفته، از نزدیکان درجه یک باشد یا درجه دو و سه و این که خواستگاری در مرحله ابتدایی باشد یا انتهایی، و این که روحیات

---

۱ . در مواردی مانند دانش‌آموزِ معلمانِ دانشسراهای تربیت معلم، با اتمام دروس متوسطه، به تدریس در دبستان‌ها مشغول می‌شوند یا کسانی که مقاطع تحصیلی عالی را گذرانده‌اند، در قالب تعهدهایی که همراه با انجام شغلشان انجام می‌دهند، خدمت نظام وظیفه را می‌گذرانند که مانعی برای ورود به زندگی مشترک هم نیست.

بازماندگان چگونه باشد، همه در میزان به تأخیر انداختن ازدواج مؤثر است.

در مواردی که ازدواج به اندازه متعارف به تأخیر می‌افتد و دوباره فوت دیگری رخ می‌دهد می‌توان عقد بست و مراسم جشن را در موقعیت مناسب برگزار کرد.

توجه داشته باشیم که ازدواج از امور ضرور است و تا جایی که امکـان داشته باشد، باید موانع را از سر راه آن برداشت.

در کتاب‌های معتبر شیعی نقل شده است که عروسی حضرت زهـرا علیها السلام (رفتن به خانه امام علی علیه السلام) ۱۷روز پس از فوت خواهر بزرگ‌ترش و حدود ۲۵ روز پس از غزوه بدر اتفاق افتاد که در آن، چند شهید هم تقدیم اسلام شده بود.[۱]

خواهر بزرگ‌تر

آیا درست است که والدین به علت مجرد بودن خواهر بزرگ‌تر، مـانع ازدواج خواهر کوچک‌تر می‌شوند؟

خیر، درست نیست و این رفتار والدین، مستند شرعی و عقلی نـدارد؛ زیرا آدم‌ها با هم تفاوت دارند؛ نیازهایشان با هم فرق می‌کند و شرایط و موانع ازدواج برای آن‌ها متفاوت است؛ اما متأسفانه این فکر هنوز هم بین برخی از مردم وجود دارد که اگر با وجود دختر بزرگ‌تر، به خواستگار دختر کوچک‌تر پاسخ مثبت دهند، به دختر بزرگ‌تر مجرد لطمه خواهد خورد و شاید دیگران چنین برداشت کنند که حتماً عیب و نقصی داشـته کـه ازدواج نکـرده است!

۱. حرعاملی، ***وسائل الشیعه***، ج۱۴، ص۱۷۴.

بنابراین به والدین و خواهران کوچک‌تر توصیه می‌شود که تا حد امکان برای ازدواج خواهر بزرگ‌تر صبر کنند؛ اما اگر زمینه ازدواج او فراهم نشد و سن خواهر کوچک‌تر هم رو به فزونی گذاشت، صبر دیگـر جـایز نـیست؛ زیـرا ممکن است همان مشکل برای خواهر کوچک‌تر هم ایجاد شود کـه مـتأسفانه در مواردی به همین دلیل و در پی پایبندی به همین اندیشه نادرست، چنین شده است.

سرپرستی خانواده

جوانی ۲۵ ساله‌ام و به دلیل فوت پدرم، سرپرستی خانواده به عهده من قرار گرفته است. آیا با این وضعیت می‌توانم ازدواج کنم؟

ایـن مسأله، مـانعی بـرای ازدواج شـما نـیست. فـقط بـار مسـؤولیتتان سنگین‌تر می‌شود و هستند کسانی که در موقعیت شما قرار دارند و به خوبی و با کامیابی هم زندگی می‌کنند.

اگر بتوانید نزدیک محل سکونت خانواده خود، جایی را بـرای زنـدگی زناشویی در نظر بگیرید، راحت‌تر می‌توانید به خـانواده خـود و هـمسرتان رسیدگی کنید. در صورتی که چنین امکانی ندارید و مجبورید بـا هـمسر و خانواده خود به طور مشترک زندگی کنید، باید وضعیت خود را به طور شفاف در خواستگاری بگـویید و از هـمسر آیـنده خـود، تـعهد نـیز بگـیرید تـا از مشکلات احتمالی بعدی پیشگیری کنید.

خانم‌ها به طور معمول دوست دارند زندگی مستقل و دور از خـانواده همسرشان داشته باشند؛ اما افرادی هم هسـتند کـه قـدرت انـطباق دارنـد و می‌توانند خودشان را با چنین وضعیتی وفق دهند.

اضطراب ازدواج

هر وقت خواستگاری برایم می‌آید، اضطراب شدیدی تمام وجودم را فرا می‌گیرد؛ به گونه‌ای که گمان می‌کند مشکلی دارم. چه کنم؟

اضطراب در ازدواج مانند برخی مسائل مهم دیگر زندگی تا حدی طبیعی است؛ چرا که مهم‌ترین رخداد زندگی انسان است.

اگر اضطراب شما با نشانه‌هایی چون خشکی بیش از حد دهان، عرق کردن شدید دست‌ها، تنگی نفس، تپش شدید قلب و حالت تهوع همراه است، بهتر است افزون بر توکل به خدا و توسل به امامان معصوم علیهم‌السلام قبل از جلسه خواستگاری، به روان‌پزشک مراجعه کنید تا با تجویز آرام‌بخش، این نشانه‌ها را از بین ببرد. همین نشانه‌ها باعث می‌شود که خواستگار شما گمان کند بیماری حاد یا خاصی دارید.

اگر اضطرابتان با نشانه‌های پیش‌گفته همراه نیست، توکل به خدا، توسل به امامان معصوم علیهم‌السلام، تلاوت قرآن، ذکر، تنفس عمیق، آگاهی از فرایند ازدواج با مطالعه همین نوشتار می‌تواند آرامش لازم را در شما ایجاد کند.[1]

---

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه اضطراب، ر.ک: همین مؤلف، **نسیم مهر**، ج ۱، ص ۲۴ ـ ۳۳، انتشارات خادم‌الرضا علیه‌السلام.

دعا برای ازدواج

آیا برای کامیابی در ازدواج (چه اصل ازدواج و چه خواستگاری) دعای خاصی وجود دارد؟

بله، امامان معصوم﷩ برای اصل ازدواج فرموده‌اند که در قنوت نمازتان آیه «**رَبَّنَا آتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي ٱلْآخِرَةِ حَسَنَةً**»[1] را بخوانید؛ چرا که مقصود از حسنه در دنیا، همسر خوب و باایمان است.

خواندن آیه «**رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً**»[2] نیز توصیه شده است.[3]

برای قبل از خواستگاری نیز اعمال و دعاهای مخصوصی وجود دارد. امام صادق﷼ فرموده است که پیش از خواستگاری، دو رکعت نماز به جای آر و پس از ستایش خدا، این دعا را بخوان:

---

۱. بقره (۲)، ۲۰۱.

۲. فرقان (۲۵)، ۷۴.

۳. علی مشکینی، ***ازدواج در اسلام***، ص۷۶.

اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ اَللّهُمَّ فَقَدِّرْلِی مِنَ النِّساءِ اَحَسَنَهُنَّ خَلقاً وَ خُلقاً وَ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ اَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِها وَ مالی وَ اَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَ اَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَ قَیِّضْ لی مِنْها وَلَداً طَیِّباً تَجْعَلَهُ لِی خَلَفاً صالِحاً فی حَیاتی وَ بَعْدَ مَوْتی.[1]

پروردگارا! من می‌خواهم ازدواج کنم. خدایا! از بانوان کسی را نصیبم فرما که به لحاظ چهره و اخلاق نیکوترین، و از نظر عفت، پاکدامن‌ترین و از این لحاظ که خودش و دارایی‌ام را برایم حفظ کند، بهترین، و خوش‌روزی‌ترین و بابرکت‌ترین باشد و از او برای من، فرزندی پاک مقدر فرما تا او را در زندگی و پس از مرگم، بازمانده‌ای صالح قرار دهد.

۱. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۱۰۰، ص ۲۶۳؛ نیز ۲۶۸ و ۲۳۴.

اقدام به ازدواج

گام نخست در خواستگاری

گام نخست اصولی در خواستگاری، کدام است و اقدام به چه شکلی پیامدهای منفی دارد؟

گام نخست اصولی در خواستگاری، قرار خواستگاری از طرف مادر[1] پسر است که باید پس از تحقیقات اولیه صورت گیرد. تحقیقات مختصر قبل از قرار، لازم است تا پس از خواستگاری به علت نبودن ملاک‌های اولیه مورد نظر خانواده پسر در دختر، مجبور به گفتن پاسخ منفی نشوند. خواستگاری‌های نسنجیده و پاسخ منفی پسر، آثار روحی نامطلوبی بر دختر می‌گذارد.

قرار ملاقات با مادر دختر و در صورت فقدان مادر، با کسی که جایگزین او است، گذاشته می‌شود.

خواستگاری به هر شکلی جز این آغاز شود، پیامدهای منفی

۱. در صورت فقدان مادر، کسی مانند خواهر بزرگ‌تر، مادربزرگ یا خاله که جای مادر را پر کرده‌اند.

خواهد داشت.

خواستگاری پسر از دختر در محیط کار یا تحصیل و یا خیابان، در شأن دختر نیست (ر.ک: ص ۵۰ـ۵۲).

خــواستگاری دختر از پسر، چند مشکل جدی را ایجاد می‌کند (ر.ک:ص ۵۲ـ۵۴).

خواستگاری مادربزرگ بدون هماهنگی با نوه خود و خانواده‌اش، واقعی نیست و نمی‌توان به آن اطمینان کرد.

واسطه کردن عمه و خاله و همسایه، از ترس شنیدن پاسخ منفی درست نیست؛ زیرا ممکن است به طور غیرواقعی (به علت حسادت، خواستگاری دختر برای پسر خود و...) از طرف دختر به خانواده پسر پاسخ منفی بدهند.

قرار ملاقات مادر با دختر در بیرون از منزل، خلاف شأن دختر است.[1]

اگر مادر مایل است پیش از خواستگاری، دختر را از نظر ظاهری ببیند می‌تواند بدون اطلاع دختر، او را در محل تحصیل، محل کار، محافل و مجالس و حتی در خیابان از دور مشاهده کند.

در گفت و گوی اولیه تلفنی برای قرار ملاقات، سؤال درباره جزئیات لازم نیست؛ بلکه درباره مسائل کلی و اصولی از قبیل وضعیت خانواده از جهت اعتقادی و فرهنگی و درباره سن، تحصیلات، وضعیت شغلی، شهر محل زندگی و مسأله خدمت نظام وظیفه صحبت می‌شود.

۱. تقاضای ملاقات پسر به وسیله پدر دختر در خیابان، پارک یا داخل خودرو قبل از اجازه خواستگاری، به غرور او لطمه می‌زند و ممکن است در صورت سر گرفتن وصلت، در زندگی زناشویی عقده‌گشایی کند. در صورتی که پدر دختر تمایل دارد پسر را قبل از خواستگاری از نظر ظاهری ببیند، در محیط کار، تحصیل و... می‌تواند او را مشاهده کند.

گفتن بیماری حاد یا خاص و ازدواج پیشین، در تماس تلفنی لازم نیست؛ زیرا جزو مسائل خصوصی دختر و پسر است و پس از خواستگاری و در صورت توافق کلی، در پایان جلسه اول گفت و گو مطرح می‌شود.

مطلوب این است که مادر دختر ـ گرچه از قبل با دختر خود از جهت ملاک‌ها و معیارها هماهنگ شده باشد ـ فرصتی بخواهد تا مسأله را با دختر خود در میان بگذارد و بعد برای مادر پسر وقت ملاقات تعیین کند. این رفتار هم، شأن دختر را بالاتر می‌برد و هم فرصتی برای تحقیقات اولیه به خانواده دختر می‌دهد.

رد کردن خواستگاران

مادرم بدون اطلاع من خواستگارانم را رد می‌کند. آیا این کار درست است؟

در صورتی که هنوز شرایط ازدواج را ندارید (سن پایین، تحصیلات متوسطه و...) رد کردن خواستگاران بدون اطلاع شما خوب است؛ زیرا خواستگاری نتیجه‌ای ندارد و در صورت آگاه شدن، تمرکزتان در کارها به‌ویژه درس از بین می‌رود؛ اما اگر آمادگی ازدواج را دارید، رد کردن خواستگاران دارای شرایط اولیه، بدون دلیل موجه درست نیست.

مادر باید با دختر دم‌بخت خود کاملاً صمیمی باشد و درباره مسائل ازدواج با هم به گفت و گو بنشینند. حیا از طرف هریک از مادر یا دختر، حیای عاقلانه نیست.

دختر باید ملاک‌های خود را برای ازدواج با مادر در میان بگذارد تا در

صورتی که شرایط اولیه خواستگار را مناسب و متناسب با شرایط دختر ندید، پاسخ منفی دهد تا کارها به خواستگاری بی‌نتیجه و پیامدهای منفی آن نرسد.

خواستگاری غیررسمی

گاهی مادر، همراه با دختر خود و بدون پسر به خواستگاری دختر می‌آید. آیا این گونه خواستگاری کردن، توهین به دختر نیست؟

در صورتی که خانواده پسر، دختر را دیده و می‌شناسند، این گونه خواستگاری کردن جایی ندارد و بهتر است به طور رسمی و با پسرشان به خواستگاری بروند.

خواستگاری غیررسمی مادر و دختر بدون پسر، در صورتی است که دختر را ندیده و می‌خواهد ابتدا او را ببیند تا اگر مورد پسندش قرار گرفت، بار دوم با همسر و پسرش به طور رسمی به خواستگاری بیاید.

توجه داشته باشید که پذیرش دختر از سوی مادر، مانع از مشکلات بعدی خواهد بود (ر.ک: ص۷۹و ۸۰).

در این حالت (ندیدن و نشناختن دختر از قبل) که احتمال نپسندیدن مادر و خواهر وجود دارد، همین گونه خواستگاری به نفع دختر است؛ زیرا اگر پس از دیدن دختر رفتند و از آن‌ها خبری نشد (نپسندیدند)، دختر احساس شکست نمی‌کند؛ چون اولاً پسر را ندیده تا دلبستگی ایجاد شود و ثانیاً خودش هم این خواستگاری غیررسمی را چندان جدی نگرفته است.

از طرفی مادر و خواهر پسر می‌توانند دختر را بدون روسری و با

پوشش باز ببینند[1] که به نفع دختر است؛ چون زیبایی‌هایش به چشم می‌آید.

رسول خداﷺ فرمود:

اِذا اَرادَ اَحَدُکُم اَنْ یَتَزَوَّجَ اِمرأةً فَلْیَسْأَلْ عَن شَعْرِها کَما یَسْأَلُ عَن وجهِها فَاِنَّ الشَّعْرَ اَحَدُ الْجَمالَیْنِ.[2]

وقتی یکی از شما می‌خواهد ازدواج کند، از موی دختر بپرسد؛ همان گونه که درباره صورت او می‌پرسد؛ چرا که نیمی از زیبایی زن، به موی او است.

خواستگاری تفریحی

خواستگاری برای برخی مادران نوعی تفریح شده. آیا خواستگاری تفریحی درست است؟

برخی مادران بدون مطالعه و بدون تحقیق اولیه، هفته‌ای دو سه بار به خواستگاری می‌روند و می‌خواهند با روش آزمون و خطا عروس پیدا کنند و در حقیقت تیری در تاریکی می‌اندازند.

اگر خانواده دختر، بدون تحقیق اولیه و به راحتی به مادر پسر اجازه خواستگاری و ملاقات ندهند، خواستگاری‌های تفریحی شکل نمی‌گیرد؛ پس تا حد زیادی، خانواده دختر می‌توانند مانع این‌گونه

---

۱ . پسر و دختر با شرایط خاصی می‌توانند بدن یک دیگر را ببینند:۱. قصد جدی برای ازدواج داشته باشند؛ ۲. برای آگاهی از شکل و قیافه و اطمینان از سلامت جسم همدیگر باشد؛ ۳. دیدن در واپسین مرحله گزینش رخ دهد؛ ۴. بدون قصد لذت باشد؛ البته اگر پس از دیدن، به طور قهری وناخواسته احساس لذت کردند، اشکالی ندارد (سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۷۱ ـ ۱۷۴).

۲ . حسین نوری، ***مستدرک الوسائل***، ج۱۴، ص۱۸۱.

خواستگاری‌ها شوند.

مادر پسر نیز باید توجه کند که وقتی این گونه به خواستگاری می‌رود، ۱. هزینه‌هایی را بر خانواده دختر برای پذیرایی تحمیل می‌کند؛ ۲. وقت خود و خانواده دختر را هدر می‌دهد؛ ۳. فشارهایی روحی را برای دختر و خانواده‌اش ایجاد می‌کند؛ ۴. با پاسخ منفی دختر، اعتماد به نفس پسرش را تضعیف می‌کند؛ ۵. در صورت پاسخ منفی به دختر، شکستی روحی را در وی پدید می‌آورد.

خواستگاری رسمی

در خواستگاری رسمی چه نکاتی را باید رعایت کرد تا به شکلی مناسب برگزار شود؟

پس از تعیین زمان خواستگاری، خانواده پسر باید سر وقت حضور یابند و اگر به هر دلیلی ممکن است تأخیری پیش آید، به خانواده دختر اطلاع دهند.

خانواده دختر نیز باید در زمان تعیین شده آماده باشند و کارهای لازم را به تأخیر نیندازند تا با آرامش کامل از خانواده پسر پذیرایی کنند.

قرار خواستگاری باید زمانی گذاشته شود که افراد آرامش داشته باشند؛ بنابراین در زمان مناسبی از شب که همه از کار فارغند و در روزی تعطیل (و ترجیحاً مبارک) و در هوایی مناسب، بهتر است.

امام باقر علیه‌السلام از خواستگاری در هوای گرم نهی فرموده[1] و امام علی علیه‌السلام روز

۱. سید ابوالحسن حسینی تهرانی، **سرمشق زندگی**، ص ۴۰.

جمعه را پیشنهاد داده[1] که هم روز تعطیلی کارهای روزمره و هم مبارک است.

حضور کودکان کوچک و صدای تلویزیون یا پخش موزیک ممکن است فضای جلسه خواستگاری را شلوغ کند و آرامش بزرگ‌ترها را از بین ببرد؛ بنابراین، بهتر است کودکان حضور نداشته باشند و تلویزیون و پخش خاموش باشند.

خواستگاری حتماً باید در خانه دختر خانم برگزار شود و پایین بودن محله و کوچک بودن منزل نمی‌تواند توجیه کننده تغییر محل خواستگاری باشد، مگر این که دلیل خاصی از جمله تعمیر منزل و... وجود داشته باشد.

در خواستگاری رسمی، اعضای اصلی خانواده (پدر، مادر، خود شخص و خواهر و برادر بزرگ‌تر متأهل) حضور می‌یابند.[2] حضور دیگر نزدیکان (پدر و مادر بزرگ، عمو، عمه، دایی و خاله، عروس‌ها و دامادها و...) در جلسه خواستگاری ضرورت ندارد. از آن‌ها می‌توانید در جلسه بله‌برون (ر.ک: ص۲۰۷) که جلسه نهایی و رسمی خواستگاری است، دعوت کنید.

دلیل تأکید بر حضور اعضای اصلی خانواده در خواستگاری، پنهان ماندن آن است تا در صورت منتفی شدن، مشکلی را برای دو خانواده به ویژه خانواده دختر ایجاد نکند و افکاری از قبیل «اسم یا عیب روی دختر مردم گذاشتند و رفتند» منتفی شود که البته نباید چنین افکاری اصلاً وجود داشته باشد.

زمان جلسه اول خواستگاری نباید طولانی شود. حدود یک ساعت (۱۵

۱. شیخ صدوق، **خصال**، ص۳۸۴.

۲. در صورت فقدان پدر؛ عمو یا دایی، و در صورت فقدان مادر؛ خواهر بزرگ، مادر بزرگ، عمه یا خاله جای آنان را پر می‌کنند.

دقیقه برای احوالپرسی و تعارفات و ۴۵ دقیقه برای گفت و گوی اولیه دختر و پسر) کافی است. زمانی که دختر و پسر جداگانه صحبت می‌کنند، خانواده‌ها نیز می‌توانند درباره مسائل مورد علاقه خود گفت‌وگو کنند.

آداب خواستگاری

آیا جلسه خواستگاری آداب خاصی دارد؟ چه نکاتی خوب است در آن رعایت شود؟

زمانی که خانواده خواستگار، صدای زنگ منزل دختر را می‌زنند، باید مراقب رفتار و سخنان خود باشند؛ ممکن است از پنجره یا در بازکن تصویری تحت نظر باشند! در این هنگام، خانواده دختر، در را به سرعت باز نکنند که نشانه عجله و اشتیاق آنان است و جالب نیست؛ البته زیاد هم آنان را پشت در معطل نگذارند که نوعی بی‌احترامی به شمار می‌رود.

خانواده دختر باید جلو در حاضر شده، میهمانان را راهنمایی کنند و اگر دسته گلی آورده‌اند،[1] آن را بگیرند و پس از قرار دادن در گلدان مناسبی در معرض دیدشان قرار دهند.

در بسیاری از خانواده‌ها، دختر خانم به استقبال خانواده پسر نمی‌آید و در برخی خانواده‌ها به استقبال می‌آید و پس از احوالپرسی مختصری جمع را ترک می‌کند و بعد با سینی چای یا شربت وارد می‌شود.

هر کاری از جمله احوالپرسی بسیار گرم و زیاد خودمانی شدن دختر، خلاف شأن او است و احتمال برداشت‌های نادرست وجود دارد.

۱. آوردن دسته گل که لازم هم نیست بسیار گرانقیمت باشد، اثر روانی بسیار خوبی دارد.

پس از آمدن خانواده پسر، خانواده دختر آنان را در بالای مجلس می‌نشانند و خود در پایین مجلس می‌نشینند. بهتر است پس از سکوتی که مجلس را فرا می‌گیرد، مادر دختر سکوت را بشکند و خوشامد بگوید.

بهتر است از خانواده پسر، کسی که بیان شیواتری دارد، آغاز کننده باشد؛ زیرا در این لحظه، همه به او توجه خواهند کرد.

در جلسه خواستگاری، قبل از طرح اصل مطلب و گفت و گوی دختر و پسر که از همه مهم‌تر است (ر.ک: ص۱۲۷-۱۴۴)، بهتر است از مسائل روزمره مانند گرما و سرمای هوا، ترافیک و آلودگی هوا و... صحبت شود. گفت و گو درباره مسائل اعتقادی و سیاسی ممکن است فضا را بی‌دلیل متشنج کند.

گفت و گو در زمینه اعتقادات و سیاست مربوط به خود دختر و پسر است.

در مراسم خواستگاری از شیرینی تر استفاده نکنید؛ چون خوردن آن سخت است. شیرینی خشک و کوچک مناسب‌تر است. میوه نیز بهتر است چیزهایی شبیه سیب و خیار باشد، نه انار و پرتقال و هندوانه که به سبب آب‌دار بودن ممکن است باعث کثیف شدن دست و صورت و لباس شوند.

بکوشید از تشریفات خواستگاری بکاهید. نه دسته گل‌های گرانقیمت به پسر بها می‌دهد و نه پذیرایی‌های غیر عادی و پر خرج، ارزش دختر را بالا می‌برد. در مواردی ممکن است برداشت‌های خوبی هم از این رفتارها نشود.

رفتار در خواستگاری

من نمی‌دانم در جلسه خواستگاری باید چگونه رفتار کنم که حمل بر غرور و خشکی‌ام نشود و در عین حال به شأن و جایگاهم نیز لطمه‌ای نخورد.

در جلسه خواستگاری، چه دختر و چه پسر باید رفتاری متعادل داشته باشند. هر گونه افراط و تفریط (زیادی و کاستی) در رفتار نادرست است.

در آموزه‌های دینی ما تأکید بسیاری بر اعتدال در رفتار شده است.

قرآن کریم:

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً.[1]

و این گونه شما را امتی متعادل قرار دادیم.

رسول خدا ﷺ:

خَيرُ الأُمُورِ اَوْسَطُها.[2]

بهترین کارها، متعادل‌ترین آن‌ها است.

امام علی علیه‌السلام:

اَلْيَمينُ وَ الشِّمالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّريقُ الْوُسطى هِيَ الجادّه.[3]

راست و چپ گمراهی است و جاده [درست] همان راه وسط است.

ترشرویی و سکوت مطلق دختر جالب نیست؛ همان گونه که خنده رویی و سخن گفتن زیاد او خوب نیست. لبخندی موقرانه بر لب دختر، چیزی از ارزش او نمی‌کاهد. خنده‌های بلند است که به جایگاه او لطمه می‌زند؛ افزون بر این که براساس فتاوای مراجع تقلید، خنده‌های بلند دختر

۱. بقره (۲)، ۱۴۳.
۲. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج۷۴، ص۱۶۸.
۳. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۶، بند۷.

در صورتی که باعث تحریک نامحرم شود، جایز نیست؛[1] پس رفتار شما باید آمیزه‌ای از متانت و صمیمیت باشد.

در رفتار و حرکاتتان (راه رفتن، سخن گفتن و چیز خوردن) عجله نکنید که از بهای شما می‌کاهد.

پسر هم باید رفتاری متعادل داشته باشد. گشاده‌رویی بسیار پسندیده است (اَلْمؤمنُ بُشْرُه فی وَجْهِهِ وَ حُزْنُه فی قَلْبِهِ؛[2] شادی مؤمن در چهره و ناراحتی‌اش در دل او است)؛ اما شوخی‌های نسنجیده درست نیست و ممکن است در جلسه خواستگاری به خانواده دختر بر بخورد.

براساس آموزه‌های دینی ما، ایجاد سرور و شادی در دل مؤمنان ثواب دارد؛[3] اما به دلیل حساسیت جلسه خواستگاری توصیه می‌شود، از این کار بپرهیزید.

خواستگاری دوباره

سال گذشته به خواستگاری خانمی رفتم و پاسخ منفی شنیدم. آیا درست است که بار دیگر به خواستگاری بروم؟

خواستگاری برای بار دوم پس از جواب منفی دختر اشکالی ندارد؛ حتی اگر کمتر از یک سال هم گذشته باشد؛ زیرا شاید شما در خواستگاری پیشین، شرایط مناسبی نداشته‌اید و در حال حاضر شرایط مناسب‌تری دارید یا شاید

۱. سید حجت موسویی خویی، *احکام ازدواج دائم و موقت*، ص۱۳۰.
۲. *نهج البلاغه*، کلمات قصار، ۳۳۳.
۳. همان، ۲۵۷.

خانواده دختر آمادگی کامل نداشته‌اند و اکنون آمادگی بیشتری دارند. گذشته از این که با گذشت زمان و بالاتر رفتن سن دختر، ممکن است میزان توقعاتشان نیز پایین‌تر آمده باشد.

در هر صورت، خواستگاری دوباره شما با توجه به این که زن اهل ناز و مرد اهل نیاز است، نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه مطلوب است؛ به ویژه که گاهی خانواده دختر پاسخ منفی می‌دهند و بعد پشیمان می‌شوند و خواستگاری دوباره شما، مشکل آنان را نیز حل خواهد کرد.

نکته مهم، خواستگاری‌های پی در پی پس از پاسخ‌های منفی است که مطلوبیت ندارد؛ زیرا ممکن است خانواده دختر مأخوذ به حیا شوند؛ یعنی در رودربایستی قرار گیرند یا به سبب در خطر بودن آبرویشان به پسر پاسخ مثبت دهند که در حقیقت، نوعی ازدواج تحمیلی خواهد بود. گذشته از این که خواستگاری‌های پیاپی و پاسخ‌های منفی به عزت نفس مرد لطمه می‌زند و اقتدار او را که لازمه زندگی زناشویی است، از بین می‌برد.

متأسفانه امروزه یکی از آسیب‌های مربوط به ازدواج، سماجت برخی در خواستگاری است که باید اصلاح شود.

خواستگاری همزمان

من دوتا خواستگار دارم. آیا فرایند خواستگاری را همزمان با هر دو بگذرانم یا پس از روشن شدن وضعیت یکی، به دیگری اجازه ملاقات بدهم؟

خواستگاری همزمان از طرف دو نفر و پذیرش آن از طرف خانم، کار جالبی نیست. رسول گرامی اسلامﷺ فرمود:

لاٰ تَخْطُبْ اَحَدُکُم علی خِطْبَةِ اَخیه.[۱]

هیچ‌یک از شما، دختری را که دیگری خواستگاری کرده، خواستگاری نکند.

مطلوب این است که وضعیت یک خواستگار مشخص شود و اگر به جایی نرسید، نفر بعد اقدام کند.

پذیرش دو خواستگار همزمان از طرف دختر نیز مشکلاتی را فراهم می‌آورد؛ از جمله این که آن دو را با هم مقایسه می‌کند و این کار باعث سردرگمی و سخت شدن تصمیم‌گیری می‌شود. گذشته از این که اگر خواستگاران متوجه این موضوع شوند، به سختی آزرده خاطر و احتمالاً منصرف خواهند شد.

پوشش در خواستگاری

در جلسه خواستگاری چه نوع پوششی مناسب است: چادر یا مانتو؟

با توجه به این که خواستگار باید شما را همان گونه که هستید ببیند، سعی کنید آن گونه لباس بپوشید که همیشه هستید؛ یعنی اگر چادری هستید با چادر[۲] و اگر مانتویی هستید، با مانتو حاضر شوید؛[۳] البته دختر و پسر برای شناخت نوع پوشش یک دیگر و جزئیات آن (میزان پوشش) در اجتماع، به دیدن وضعیت همدیگر در جلسه خواستگاری بسنده نمی‌کنند و

۱. محمد حسن نجفی، ***جواهرالکلام***، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۲. طبیعی است که خانم چادری، در جلسه خواستگاری با چادر مشکی ظاهر نمی‌شود و با چادر روشن حضور می‌یابد که همین حرکت، به معنای چادری بودن او است.

۳. این مسأله در مورد عینک هم صادق است؛ یعنی اگر عینکی هستید، با همان عینک حاضر شوید.

در جلسه اول گفت و گو از یک دیگر در این باره سؤال خواهند کرد(ر.ک: ص ۱۳۴ـ۱۳۸).

گذشته از مسأله نوع حجاب، در انتخاب رنگ لباس (چادر یا مانتو) دقت کنید و قبل از خواستگاری، رنگ‌های مناسب را امتحان کرده، از اعضای خانواده نظر بخواهید. یادتان باشد که نخستین دیدار، همیشه تأثیرگذار است.

آقا نیز باید در مورد پوشش خود دقت کند. استفاده از لباس‌های جلف (حتی اگر در زندگی اجتماعی خود چنین پوششی دارد) برای جلسه خواستگاری مناسب نیست. بهتر است در جلسه خواستگاری، لباس رسمی‌تر و البته ساده و راحت بپوشد و درباره پوشش اجتماعی‌اش در جلسه اول گفت و گو با دختر سخن بگوید.

آرایش در خواستگاری

آیا می‌شود در جلسه خواستگاری برای زیبایی بیشتر، آرایش کرد؟

در فقه شیعه، بحثی به نام «تدلیس» وجود دارد که به معنای پنهان کردن عیب است. اگر آرایش دختر در جلسه خواستگاری به قصد پنهان کردن‌عیب خود باشد، تدلیس شمرده می‌شود و حرام است و اگر با این کار، یکی از عیب‌های هفتگانه باطل کننده عقد،[۱] یعنی «پیسی»[۲] را بپوشاند، عقد نیز باطل می‌شود. افزون بر این، آرایش باعث می‌شود که صورتش زینت داشته باشد و نگاه کردن به دست و صورت زن به قصد لذت یا در صورتی که زینت داشته

۱. سید حجت موسوی خویی، *احکام ازدواج دائم و موقت*، ص ۶۲ و ۶۳.
۲. پیسی یا بَرَص، نوعی بیماری پوستی است که لکه‌های کم و بیش بزرگ سفید بر روی پوست نمایان می‌شود.

باشد، جایز نیست[۱] و برای مؤمنی که نمی‌خواهد مرتکب حرام شود، مانعی برای دیدن صورت دختر ایجاد می‌کند و او را در شناخت و انتخاب آگاهانه دچار مشکل خواهد ساخت.

توصیه می‌شود در خواستگاری آرایش نکنید تا خواستگار، چهره واقعی شما را ببیند و آگاهانه برگزیند و بعد از ازدواج با آرایشی که می‌کنید، زیبایی بیشتر و در نتیجه جذابیت افزون‌تری برایش خواهید داشت.

دوره نامزدی

دوره نامزدی چه دوره‌ای است و بهتر است چقدر طول بکشد و آیا لازم است دختر و پسر در این دوره محرم هم باشند؟

آغاز فرایند خواستگاری تا قبل از عقد را دوره نامزدی می‌گوییم برخلاف عامه مردم که از لحظه عقد دائم تا عروسی را دوره نامزدی می‌خوانند.

حقوق مدنی ایران، نامزدی را این گونه تعریف می‌کند:

زمانی که مرد از زنی خواستگاری می‌کند تا بعد با او ازدواج کند و زن موافقت کند.[۲]

در ادامه آمده است:

این پیشنهاد [مرد] و موافقت زن، ایجاد تعهد به انعقاد زوجیت

۱. سید مسعود معصومی، *احکام روابط زن و مرد*، ص ۳۶.
۲. سید حسن امامی، *حقوق مدنی*، ج۴، ص۳۲۸.

نمی‌کند. نامزدی [طبق قانون] وعده ازدواج است.[1]

براساس حقوق مدنی، نامزدی مدت ندارد و تا زمانی که یکی از دو نفر، آن را به هم نزده است، باقی خواهد ماند.[2]

مدت نامزدی در افراد متفاوت است. در ازدواج‌های فامیلی و آشنایان به جهت شناخت افزون‌تر پیشین، زمان کمتر، و در ازدواج با غریبه، زمان بیشتری نیاز است.

هر قدر ابهامات در جلسات گفت و گوی دو طرف کمتر، و آرای آنان روشن‌تر باشد، طبیعی است که دوره نامزدی کمتر طول می‌کشد.

نکته مهم این است که در ازدواج نباید شتابزده عمل کرد؛ بنابراین ممکن است دوره نامزدی، یک تا سه ماه هم طول بکشد و اشکالی ندارد. طولانی کردن بی‌دلیل دوره نامزدی مطلوب نیست؛ زیرا ممکن است دختر و پسر خسته شوند و به سبب گفت و گوهای تکراری و بی‌اهمیت، دچار تردید و تزلزل در انتخاب شوند.

ایجاد محرمیت موقت در دوره نامزدی، منع شرعی ندارد؛ اما به چند دلیل آن را مطلوب نمی‌دانیم. اشکالی ندارد که دختر و پسر با هم محرم نباشند و با رعایت و حفظ ضوابط شرعی، فرایند خواستگاری را انجام دهند.

۱. صیغه محرمیت موقت، نوعی تعهد ایجاد می‌کند و ممکن است باعث شود دو طرف از اصول خود دست بردارند؛

۲. صیغه محرمیت موقت، باعث ایجاد علاقه می‌شود که همان نگرانی پیش گفته را پدید خواهد آورد؛

۱. همان، ۳۲۸ و ۳۲۹.

۲. همان، ۳۲۹.

۳. در صورت منتهی نشدن نامزدی به ازدواج، پرونده دختر، سیاه و در خواستگاری‌های بعدی با مشکل مواجه می‌شود؛

۴. در صورت نرسیدن به ازدواج، مادر دختر تا ابد با آقا پسر محرم می‌شود؛

۵. در صورت نبخشیدن بقیه زمان عقد موقت (چه از روی ناآگاهی و چه از روی فراموشی) و خواندن صیغه عقد دائم، عقد دائم باطل می‌شود[1] و باید بعد از اتمام زمان صیغه موقت، دوباره عقد دائم اجرا شود.

شناخت در نامزدی

آیا امکان شناخت در دوره نامزدی وجود دارد؟ آیا بهتر نیست دختر و پسر، مدتی قبل از خواستگاری رسمی با هم رابطه داشته باشند تا همدیگر را بهتر بشناسند؟

اگر فرایند خواستگاری در دوره نامزدی درست انجام پذیرد، امکان شناخت دو طرف به طور کامل وجود دارد و به ارتباط‌های قبل از خواستگاری نیازی نیست.

این گونه ازدواج کردن، ازدواج‌های مدرن است که پیامدهای منفی بسیاری دارد؛ گذشته از این که شناخت چندانی هم به دو طرف نمی‌دهد؛ برخلاف دوره نامزدی که امکان و زمینه شناخت فراهم‌تر است؛ زیرا:

۱. در خواستگاری، دیگر اعضای خانواده نیز حضور دارند و ارزیابی، به شکل جمعی و با استفاده از تجربه چندین ساله صورت می‌پذیرد که نتیجه‌ای

۱. سید مسعود معصومی، *احکام روابط زن و مرد*، ص۱۷۹.

دقیق‌تر و واقعی‌تر به دست می‌دهد.

۲. در خواستگاری، اعضای خانواده بدون دخالت احساسات، مسائل جانبی از جمله شغل والدین طرف، موقعیت اجتماعی آنان، سلیقه آنان، نوع برخوردشان با هم، نوع برخوردشان با بقیه فرزندان و... را می‌بینند؛ در حالی که دو جوان بیشتر به هم می‌اندیشند و از این مسائل غافلند. به بیانی دیگر، در خواستگاری، شناخت، جمعی و با استفاده از چشم‌های متعدد است؛ اما در ازدواج مدرن، شناخت، فردی و با استفاده از دو چشم انجام می‌شود.

۳. در خواستگاری، تبادل پیام‌های شناختی صورت می‌پذیرد؛ اما در مدرن، پیام‌ها صرفاً احساسی و عاطفی است. به دیگر سخن، در ارتباط‌های موجود در ازدواج مدرن، از همه چیز (مسائل عاطفی) گفت و گو می‌شود و مهم‌ترین چیزی که مورد غفلت قرار می‌گیرد، شناخت برای زندگی آینده است.

آیا به واقع می‌شود در پارک و سینما به شناخت برای ازدواج رسید؟!

۴. در خواستگاری، سؤال‌ها از قبل طراحی شده و دو طرف می‌کوشند از محورهای طراحی شده تخطی نکنند؛ حال آن که در مدرن این گونه نیست و اگر هم گاهی سؤالی برای شناخت از هم بپرسند، بی‌درنگ از موضوع دور، و وارد مقوله‌های عاطفی می‌شوند.

۵. در خواستگاری، مطالب ثبت و بعد تجزیه و تحلیل می‌شود و محور تفکر و تصمیم‌گیری‌های آینده قرار خواهد گرفت؛ حال آن‌که در مدرن چیزی ثبت نمی‌شود.

۶. در خواستگاری، امکان کنترل نامحسوس قبل از خواستگاری وجود دارد؛ اما در مدرن این گونه نیست؛ زیرا شخص دائم مراقب است؛ چون

می‌داند که احتمال دارد زیر نظر باشد و بر اساس سلیقه و علاقه طرف رفتار می‌کند.

۷. در خواستگاری، امکان گفت و گو با بقیه اعضای خانواده وجود دارد؛ اما در مدرن، به طور معمول چنین امکانی نیست؛ زیرا خانواده‌ها اغلب، چنین ارتباطاتی را نمی‌پذیرند.

۸. در خواستگاری، امکان تحقیق فراهم است و مردم به بزرگ‌ترهایی که برای تحقیق می‌روند، پاسخ می‌دهند؛ ولی در مدرن چون خود شخص مجبور است تحقیق کند (اگر انگیزه‌ای برای این کار داشته باشد)، مردم به طور معمول پاسخ نمی‌دهند.

گفت وگو در خواستگاری

جایگاه و اهمیت گفت وگو در دوره نامزدی چیست و توجه به آن تا چه حد می‌تواند در ازدواج موفق مؤثر باشد؟

مهم‌ترین قسمت در فرایند خواستگاری (دوره نامزدی) گفت و گوی دختر و پسر است که متأسفانه به گونه‌ای بایسته و شایسته به آن توجه نمی‌شود. گاهی خود دختر و پسر از آن غفلت می‌کنند و در مواردی خانواده‌ها به ویژه خانواده دختر با آن به مخالفت برمی‌خیزند.

در برخی از مناطق کشور اصلاً اجازه گفت و گو به دختر و پسر نمی‌دهند. در مناطقی دیگر، حداکثر زمان گفت و گو ۱۵ تا ۲۰ دقیقه و آن هم فقط یک بار است. در خانواده‌هایی اجازه می‌دهند؛ ولی حتماً باید در حضور

بزرگ‌ترها باشد یا نگهبانی را برای آنان قرار می‌دهند که جالب نیست[1] و دختر و پسر تحت فشار نظارت دیگران نمی‌توانند درست گفت و گو کنند. گاهی اجازه می‌دهند؛ اما با تذکرهای پیاپی مبنی بر تمام کردن آن، دختر و پسر را دچار اضطراب می‌کنند.

دلیل مخالفت برخی خانواده‌ها شاید این باشد که دین مقدس اسلام، این‌گونه ارتباطات را نمی‌پسندد؛ در حالی که اسلام با گفت و گوی دختر و پسر نامحرم[2] و نگاه کردن آنان به یک‌دیگر[3] و خلوت آنان با رعایت ضوابط شرعی مخالفتی ندارد؛[4] به ویژه اگر این ارتباطات به قصد ازدواج باشد.

در مواردی تعصب‌ها و غیرت‌های بیجا مانع است که اگر به پیامدهای منفی حذف گفت و گو در خواستگاری و در نتیجه ناکامی در ازدواج دو جوان توجه شود، از این تعصب‌های بیجا دست برخواهند داشت.

گفت و گو را جدی بگیرید. خجالت نکشید و رو در بایستی نداشته باشید. تمام سؤالاتی را که در زندگی آینده شما تأثیرگذار است از طرفتان

۱. بهتر است گفت و گوی دختر و پسر در حضور دیگران نباشد تا آرامش کافی داشته باشند. صحبت اول در محل مطالعه و گذراندن زندگی دختر، و گفت و گوی سوم در اتاق پسر، هر دو را با دیدن تابلو نوشته‌ها، پوسترها و کتاب‌های مورد مطالعه، تا حدودی با علایق، سلایق و افکار هم آشنا می‌سازد.

۲. مردها می‌توانند با نامحرم با شرایط ذیل صحبت کنند: ۱. به قصد لذت و ریبه نباشد؛ ۲. با این صحبت کردن به گناه آلوده نشوند (سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۳۷). خانم‌ها می‌توانند با نامحرم صحبت کنند مشروط به آن که: ۱. به قصد لذت و ریبه نباشد؛ ۲. صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند [=کش‌دار و با کرشمه سخن نگویند]؛ ۳. خوف افتتان [=فتنه و آشوب] نباشد (همان، ص ۱۴۱ و ۱۴۲).

۳. اگر خانم مسلمان کاملاً حجاب خود را رعایت کرده باشد، نگاه کردن به وجه و کفین [=صورت و دست‌های] او برای مرد با شرایط ذیل اشکال ندارد: ۱. وجه وکفین، زینت نشده باشد؛ ۲. نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد (همان، ص ۳۶).

۴. اگر زن و مرد نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی آن جا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود. چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن جا بیرون روند و ماندن آن‌ها در آن مکان حرام است (همان، ص ۱۶۰).

بپرسید؛ همان‌گونه که اگر در جلسه خواستگاری، پدر خانواده حضور نداشته باشد، حتماً علت عدم حضور او را سؤال می‌کنید و همان‌طور که از دانشکده محل تحصیل طرف و از وضعیت اشتغال او می‌پرسید.

چگونگی گفت و گو

پسر و دختر در دوره نامزدی چگونه باید گفت و گو کنند و چه نکاتی را در نظر بگیرند؟

با توجه به اهمیت گفت و گو حتماً باید از قبل، سؤالات مورد نظر را بر کاغذی بنویسند تا مطلبی از قلم نیفتد و از این کار خجالت نکشند. خجالت در این زمینه، حیای عاقلانه نیست (ر.ک: ص ۶۷ و ۶۸).

پاسخ‌هایی را که طرف مقابل می‌دهد، ثبت کنید؛ چون پس از جلسه به آن‌ها نیاز دارید (ر.ک: ص ۱۳۸ و ۱۳۹).[1] ضبط پاسخ‌ها به شکل صوتی و تصویری از دو جهت خوب است: یکی این که هیچ مطلبی حذف نمی‌شود و دیگر این که جنبه سندی می‌یابد و در آینده در صورتی که خلاف سخنان خود عمل کرد می‌توانید به آن استناد کنید؛ اما این کار اشکالاتی هم دارد و آن این که در این گفت و گوها برخی مسائل خصوصی خانواده و در مواردی اسراری ذکر می‌شود که ضبط آن‌ها در هر دو خانواده به ویژه خانواده دختر، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند. از طرفی در صورت منتهی نشدن خواستگاری

۱. اگر به هر دلیلی (بر نتافتن آداب و رسوم محل زندگی، نپذیرفتن والدین، کمرویی شما و...) نمی‌توانید با طرف مقابل گفت و گو کنید، از اصل تبادل فکر صرف نظر نکنید. می‌توانید سؤالات خود را به صورت پرسشنامه به طرفتان بدهید تا به آن‌ها به شکل نوشتاری یا ضبط صوتی پاسخ گوید. در ضرورت‌ها، پدر و مادر یا دایی دختر و خاله پسر می‌توانند واسطه شده، به جای خود شخص گفت و گو کنند.

به ازدواج، احتمال سوء استفاده از محتوای گفت و گوها وجود دارد؛ بنابراین به همان نوشتن بسنده کنید، مگر این که هر دو خانواده بر ضبط صوتی یا تصویری خواستگاری و جلسات گفت و گو توافق کنند.

مسائل قابل طرح در گفت و گو

در گفت و گوی دختر و پسر چه مسائلی باید مطرح شود؟ آیا لازم است تمام جزئیات زندگی حال و گذشته خود را بگوییم؟

در گفت و گو مسائلی مطرح می‌شود که به زندگی آینده و مشترک دو نفر ارتباط می‌یابد؛ برای مثال، حتماً باید بیماری‌های حاد یا خاص جسمی، اختلالات روحی ـ روانی و ازدواج پیشین یا هر گونه اعتیاد و حتی مصرف سیگار گفته شود.

پرده‌پوشی در ازدواج، تقلب به شمار می‌رود و در اصطلاح فقهی، «تدلیس» و حرام است و اگر از موارد هفتگانه مبطل عقد باشد، عقد نیز باطل می‌شود.

گفتن بیماری‌های جزئی یا بیماری‌هایی که سال‌ها قبل بوده و به طور کامل درمان شده یا افسردگی‌های مقطعی که درمان یافته‌اند، لازم نیست.

رابطه قبلی با جنس مخالف به هر شکل و در هر اندازه در صورتی که دیگران اطلاع دارند یا احتمال آشکار شدن آن به وسیله طرف مقابل وجود دارد، باید گفته شود؛ اما اگر رابطه قطع شده و شخص به درگاه خداوند توبه کرده و احتمال آشکار شدن آن نیست، گفتن چنین رابطه‌ای ضرورت ندارد.[1]

۱. در صورتی که بر اثر رابطه قبلی، حقی از همسر آینده ضایع شده، به این معنا که دختر، گوهر عفت خود را از دست داده است و دوشیزه نیست؛ گرچه توبه کرده، باید آن را بگوید.

در حالت اول اگر گفته نشود، سال‌های سال، اضطراب و دلهره ناشی از فاش شدن آن و پنهان کاری دائم از همسر در طول زندگی، شیرینی ازدواج را از بین می‌برد و در صورت آشکار شدن، طرف مقابل (به ویژه پسر) خود را فریب خورده می‌یابد و احساس زیان خواهد کرد که یا زندگی را به کام همسر خود تلخ می‌کند و ممکن است به جدایی بینجامد یا این که باید تا آخر عمر بسوزد و بسازد که در این صورت هم زندگی، هیچ‌گونه لذتی نخواهد داشت.

طبیعی است که با گفتن چنین مطلبی از سوی دختر، گروهی از خواستگاران او منصرف می‌شوند که باید با پیامدهای منطقی رفتار خود مواجه شود. این کاهش تعداد خواستگاران در حقیقت تاوان اشتباه او است؛ ولی به طور قطع از نگفتن مطلب به خواستگار به سبب پیامدهای منفی آن، بهتر است؛ البته ممکن است خواستگاری که وضعیت مشابه دختر را داشته یا کسی که شرایط پایین‌تری در مقایسه با او دارد و یا شرایط مطلوبی را در دختر دیده و می‌تواند با این مشکل کنار بیاید، به ویژه که صداقت وی را هم دیده است، با او ازدواج کند.

گفتن بیماری حاد یا خاص جسمی یا اختلال روحی ـ روانی، افزون بر خود شخص باید با خانواده او هم مطرح شود و آنان نیز آگاهی داشته باشند؛ زیرا ممکن است به جهت غلبه احساسات، مطلب را به خانواده‌اش نگوید و بعد باعث اختلافاتی بین او و خانواده شود.

گفتن ارتباطات قبلی، به طرف مقابل کافی است؛ چون به آبروی فرد مربوط می‌شود.

گفتن تمام جزئیات (عصبانیت‌های موردی، بی‌نظمی‌های موردی، ضعف در مهارت‌های زندگی و...) لازم نیست؛ زیرا مفسده دارد و باعث نگرانی و ایجاد تردید می‌شود و زمینه وسوسه‌های شیطانی را فراهم می‌آورد و ممکن است طرف مقابل این گونه برداشت کند که مشکل بسیار بزرگ بوده و فقط قسمتی از آن گفته شده است.

همان‌گونه که گفتن جزئیات و مسائلی که به زندگی مشترک مربوط نمی‌شود لازم نیست، پرسیدن آن‌ها نیز لزومی ندارد؛ بنابراین، پرسش درباره این‌که چه گناهانی را مرتکب شده‌ای؛ آیا دوست پسر یا دختر داشته‌ای؛[1] چند تا خواستگار برایت آمده؛ به خواستگاری چند نفر رفته‌ای؛ چگونه مسلمان شده‌ای و... لازم نیست و گاهی توهین و بی‌حرمتی به شمار می‌رود و پیامدهای منفی دارد.

فواید گفت‌وگو

با توجه به این که ممکن است افراد در گفت و گوها صداقت نداشته باشند و واقعیت را نگویند، گفت و گو چه فایده‌ای دارد؟

برای تشخیص صداقت در گفت و گوی ازدواج، راهکارهایی وجود دارد (ر.ک: ص۱۷۸ـ۱۸۱)؛ اما اگر شخص دروغ هم بگوید، خود گفت و گو فوایدی دارد که نباید از آن گذشت:

۱. در صورتی سؤال از رابطه با جنس مخالف لازم است که در تحقیقات به مطلبی برخورده باشید و در شما نگرانی و تردید ایجادکرده باشد که در این صورت برای رفع نگرانی و پیشگیری از سلب اعتماد از همسر آینده، به طور لطیف، غیر مستقیم و محترمانه می‌پرسید.

۱. **آشکار شدن مطالب درونی:** با صحبت می‌توان به تناقض‌های گفتاری شخص پی برد. امام علیؑ می‌فرماید:

ما اَضْمَرَ اَحَدٌ شَیئاً اِلّا ظَهَرَ فی فَلَتاتِ لِسانِهِ وصَفحاتِ وَجْهِه.[1]

انسان هر چه را در دل پنهان کند، از لغزش‌های زبان و حالات چهره‌اش آشکار می‌شود.

۲. **تشخیص میزان رشد عقلانی:** با گفت و گو می‌توان تا حدودی به میزان رشد عقلانی و هوش بهر شخص دست یافت.

۳. **ایجاد تعهد:** گفتن مطالب حتی اگر غیر واقعی باشد، نوعی تعهد ایجاد می‌کند و شخص را وامی‌دارد تا به گفته‌های خود عمل کند.

۴. **اتمام حجّت:** وقتی مطالبی را که برایتان مهم است در جلسات گفت و گو مطرح کنید، در حقیقت نوعی اتمام حجت کرده‌اید و بعداً نمی‌توانند بگویند نپرسیدی و اگر می‌پرسیدی، مشکلاتم را می‌گفتم.

۵. **تحمل بهتر مشکلات:** در صورتی که گفت و گو صورت پذیرد و مشکلات دو طرف گفته شود، شخص راحت‌تر می‌تواند با آن مشکلات کنار بیاید؛ زیرا آگاهانه پذیرفته است. مواجهه با مشکلاتی که انتظارش را نداریم، شوک وارد می‌کند و زندگی را با مشکل رو به رو می‌سازد.

۶. **استقلال و استبداد رأی:** با سخن گفتن می‌توان تا حدودی فهمید که شخص، استقلال رأی (ر.ک: ص۱۹۳و۱۹۴) یا استبداد رأی (ر.ک: ص۱۹۵) دارد یا نه.

۷. **تعادل روحی ـ روانی:** گفت و گو راهکار مناسبی برای تشخیص تعادل

۱. *نهج البلاغه*، کلمات قصار، ۲۶.

روحی ـ روانی طرف است (ر.ک:ص۱۸۷).

افزون بر این فواید، در گفت و گو می‌توان با لهجه طرف آشنا شد و به ادب و متانت او، اضطراب‌های غیر عادی (ر.ک: ص۱۰۵) و حتی مشکلات جسمی‌اش (رنگ پریدگی، ضعف فراوان و...) نیز پی برد.

پرسش‌های جلسه اول

مهم‌ترین سؤالات جلسه اول گفت و گو چیست و چه کسی باید آغاز کننده باشد؟

در جلسه اول، ۸ محور مشترک از سوی دختر و پسر مطرح می‌شود و ۶ سؤال اختصاصی را خانم از آقا می‌پرسد.

بهتر است آغاز کننده سؤال یا گفت و گو پسر باشد؛ زیرا او دست نیاز به سوی دختر گشوده است. پس از طرح سؤال از طرف پسر، دختر به اختصار پاسخ می‌گوید و نظر وی را در همان مورد می‌پرسد.

اگر آقا به جای طرح سؤال، دربارهٔ آرا و عقاید خود سخن گفت، خانم در مواردی که نظر خاص یا مخالفی دارد، آن را بیان می‌کند.

محورهای هشت‌گانه مشترک و سؤال‌های مربوط به آن عبارتند از:

۱. **معرفی:** ممکن است خودتان را بیشتر معرفی کنید و درباره تعداد اعضای خانواده و شغل والدین محترم توضیح دهید؟

نکته: روشن است که این سؤال در ازدواج‌های فامیلی و آشنا وجهی ندارد.

۲. **اعتقادات:** میزان پایبندی و اعتقاد شما به مسائل دینی چقدر است؟

نکته: در اعتقادات دینی از مصادیقی که خود به آن‌ها اعتقاد دارید، سؤال کنید؛ از جمله واجبات (نماز، روزه، حج، خمس، زکات و...) و مستحبات (زیارت، محافل مذهبی و...) و مسأله تقلید؛ چرا که هر یک به شکلی در زندگی مشترک تأثیرگذار خواهد بود.

نقش الگویی طرف بر فرزندان در نماز و روزه، موافقت و همراهی برای سفر حج، مصرف از درآمدی که حقوق شرعی آن داده نشده، اختلاف در فتاوای مراجع تقلید و... از جملهٔ این آثار است.

۳. **خط مشی کلی زندگی:** زندگی آینده شما بر چه چیزی استوار خواهد بود: بر دستورهای دین، فرهنگ غیرخودی یا سلیقه شخصی؟

۴. **پایبندی به ارزش‌های فرهنگی:** نظرتان درباره پوشش همسر آینده و حضور در محافل و جمع نزدیکان و استفاده از فن‌آوری روز از جمله ماهواره چیست؟

۵. **استقلال فکری:** تا چه حد به نظر دیگران به ویژه پدر و مادر و دوستان در امور زندگی مشترک اهمیت می‌دهید؟

نکته: با این پرسش می‌خواهید به دهن‌بینی، وابستگی به پدر و مادر و دوستان، و اجازه دخالت به دیگران در زندگی دست یابید.

۶. **اهداف کلی زندگی:** هدف کلی و اصلی شما در زندگی چیست؟

نکته: ممکن است طرف شما به علم، ورزش، هنر و... علاقه بیش از حد داشته باشد و شما نقطه مقابل او باشید.

۷. **ارتباطات اجتماعی:** اگر همسر آینده شما در محیط کار یا بین نزدیکان با نامحرمان با حفظ ضوابط شرعی و عرفی ارتباط داشته باشد، چه می‌کنید؟

نکته: با این سؤال می‌خواهید به میزان سخت‌گیری وی در این زمینه پی

ببرید.

۸. ارتباطات فامیلی: تا چه اندازه به رفت و آمد با دوستان و نزدیکان خود و نزدیکان همسرتان تمایل دارید؟

نکته: می‌خواهید بفهمید که از تیپ شخصیتی درونگرا است یا برونگرا (ر.ک: ص۱۸۲و۱۸۳) و آیا در ارتباطات فامیلی و با دوستان مجردی زیاده‌روی می‌کند یا نه.

محورهای اختصاصی خانم که از آقا می‌پرسد، عبارتند از:

۱. شهر محل سکونت: بنا دارید با همسر آینده‌تان در کدام شهر زندگی کنید؟

۲. نوع سکونت: آیا می‌خواهید مستقل زندگی کنید یا بنا دارید با والدین خود محل سکونت مشترک داشته باشید؟

نکته: در صورت تمایل به زندگی با والدین، باید مشخص شود که چگونه (در یک محله، یک مجتمع، یک آپارتمان، یک طبقه یا یک دستگاه) می‌خواهد با آنان زندگی کند.

۳. اشتغال مرد: شما به چه کاری اشتغال دارید؟

نکته: وضعیت شغلی طرف باید شفاف و روشن بیان شود و کلی گویی در این مورد (بازار، واسطه‌گری، وزارت خارجه و ...) کافی نیست؛ زیرا در بازار، انواع شغل‌ها؛ در کار واسطه‌گری، انواع واسطه‌ها، و در وزارت امور خارجه، انواع سمت‌ها وجود دارد.

در صورتی که در حال حاضر اشتغال ندارد، بپرسید: در آینده چه شغلی را می‌خواهید انتخاب کنید؟ توجه داشته باشید که هر خانمی نمی‌تواند با هر شغلی که همسرش داشته باشد، کنار بیاید. شغل‌هایی چون هنرپیشگی، سیاستمداری، مشاوره، نظامی‌گری، نیروی انتظامی، روحانیت و... روحیه خاص می‌خواهد.

۴. فعالیت‌های سیاسی ـ اجتماعی زن: آیا موافق هستید که همسر آینده شما فعالیت سیاسی ـ اجتماعی داشته باشد و تا چه اندازه؟

۵. اشتغال و تحصیل زن: آیا موافق هستید که همسر آینده‌تان اشتغال داشته باشد یا به تحصیل خود ادامه دهد؟

نکته: حتماً در مورد اشتغال، به نوع آن (مراکز تجاری، اداری، آموزشی و...) و در مورد تحصیل به سطح آن (کاردانی، کارشناسی، ارشد و دکتری) اشاره شود.

۶. سطح زندگی: در زندگی مشترک تا چه حد به مسافرت و مهمانی دادن توجه خواهید داشت؟

نکته: با این پرسش می‌خواهید به روحیه طرف در میزان هزینه کردن برای زندگی و خساست احتمالی او پی ببرید.

در پایان گفت و گوی جلسه اول، در صورت احساس توافق کلی، مطالبی را که جنبه خصوصی و سرّی دارد (بیماری حاد یا خاص، اختلال روحی ـ روانی، ازدواج پیشین، رابطه قبلی با جنس مخالف، طلاق والدین و...)، و حدود مهریه (زیاد، کم و متعادل) را مطرح کنید.

نتیجه‌گیری از جلسه اول گفت وگو

پس از گفت وگوی جلسه اول به چه نکاتی باید توجه داشته باشیم و در صورت رسیدن به توافق چه کنیم؟

در جلسه اول گفت و گو ممکن است توافق کلی نسبی به دست آید. در این صورت، وظیفه خانواده پسر است که به خانواده دختر اطلاع دهند و برای آزمایش ازدواج هماهنگی کنند (ر.ک: ص۱۹۷و۱۹۸) و پس از آزمایش و پاسخ منفی آن فرایند خواستگاری را ادامه دهند.

در صورتی که نتیجه جلسه اول، منتفی بودن ازدواج باشد، خانواده پسر، پاسخ منفی را محترمانه و مؤدبانه به اطلاع خانواده دختر می‌رسانند و آنان را چشم انتظار نمی‌گذارند. متأسفانه در کشور ما چنین رفتاری رسم نیست و بی‌توجهی خانواده پسر و عدم اطلاع پس از چند هفته، معنای انصراف دارد که کار درستی نیست.

پاسخ منفی خانواده پسر می‌تواند به این شکل باشد:

شما خانواده محترمی هستید. ما پس از مشورت و تبادل فکر به این نتیجه رسیدیم که این وصلت به صلاح شما و ما نیست. امیدواریم فرزندتان خوشبخت شود.

اگر پاسخ خانواده دختر منفی بود نیز به همین شکل پاسخ می‌دهند. پاسخ قاطع ندادن از طرف خانواده دختر به پسر و معطل گذاشتن آن‌ها بدون دلیل، اخلاقی نیست، مگر این‌که به زمان بیشتری برای تحقیق و تبادل فکر نیاز داشته باشند.

در صورتی که پس از جلسه اول، توافق کلی نسبی به دست نیامد، فرایند

خواستگاری بدون آزمایش ادامه می‌یابد.

در جلسه اول گفت و گو ممکن است پاسخ‌هایی کلی، مبهم و غیر شفاف،[۱] نگران‌کننده و در مواردی متناقض مطرح، و رفتارهایی دیده شده باشد که باید در جلسات بعدی مرتفع شود و لازمه‌اش طرح سؤالاتی جدید برای رفع ابهام در جلسه دوم است. در هر صورت، برای رسیدن به نتیجه، تجزیه و تحلیل مطالب جلسه اول و تبادل فکر با اعضای خانواده و استفاده از مشاوری آگاه و باتجربه ضرورت دارد.

پرسش‌های جلسه دوم

در جلسه دوم گفت و گو چه سؤال‌هایی لازم است پرسیده شود؟

پرسش‌های جلسه دوم، در مرحله بعدی اهمیت قرار دارد.

۱۰ سؤال مشترک از سوی خانم و آقا مطرح می‌شود که عبارتند از:

۱. هماهنگی اعتقادی و مذهبی با خانواده: میزان هماهنگی اعتقادی و مذهبی شما با خانواده چقدر است؟

نکته: دلیل این سؤال، فاصله‌هایی است که گاهی بین شخص و خانواده‌اش از این جهات وجود دارد و مسأله همتایی خانوادگی (ر.ک: ص ۱۵۰) را از بین می‌برد.

۲. گناهان مؤثر بر زندگی مشترک: اگر همسر شما بخواهد موسیقی حرام گوش دهد یا فیلم‌های مبتذل ببیند، چه عکس‌العملی خواهید داشت؟ اگر

---

۱. پاسخ‌هایی مانند ان‌شاءالله، اگر خدا بخواهد، اگر مانعی پیش نیاید، استغفرالله، اختیار دارید و... پاسخ‌هایی مبهم و غیر شفافند.

کسی در بین نزدیکان من یا شما اهل مصرف مشروبات الکلی باشد، درباره او چه احساسی خواهید داشت؟

نکته: در این مورد برای حفظ حرمت طرف، سؤال را باید به شکل معکوس پرسید و فقط از گناهانی سؤال می‌شود که بر زندگی مشترک تأثیر می‌گذارند و از گناهان فردی سؤال نمی‌شود.

طرح این سؤال در صورت شناخت پیشین و اطمینان به ایمان و پرهیز او از گناه، لزومی ندارد.

۳. عصبانیت و خشونت: وقتی عصبانی می‌شوید، چه عکس العملی از خود نشان می‌دهید؟ آیا ممکن است کسی را کتک هم بزنید؟

۴. بد دهنی: اگر همسر آینده شما خدای نخواسته به شما ناسزا بگوید و واژگان زشتی را به کار برد، چه خواهید کرد؟

نکته: در این مورد نیز سؤال به شکل معکوس پرسیده می‌شود.

۵. دروغگویی: دروغگویی را در چه مواردی جایز و درست می‌دانید.

۶. وسواس: آیا رفتارهای وسواسی یا وسواس فکری دارید؟ (ر.ک: ص۱۹۲و۱۹۳).

۷. وابستگی به دوستان: تا چه حد علاقه‌مندید با دوستان دوران مجردی در محافل و مجالس رابطه داشته باشید؟

۸. زودرنجی و قهر: اگر با همسر خود دچار مشکل شوید، در چه صورتی قهر می‌کنید و قهرتان چقدر طول می‌کشد؟

۹. خط فکر سیاسی: شخصیت‌های محبوب سیاسی شما چه کسانی هستند؟ (ر.ک: ص۱۸۳).

۱۰. حساسیت و آلرژی: آیا به چیز خاصی حساسیت یا آلرژی دارید؟

۵ سؤال اختصاصی وجود دارد که آقا از خانم می‌پرسد:

۱. جلب رضایت همسر: زن تا چه حد باید رضایت همسرش را جلب کند و تا چه میزان باید به خواسته‌های او توجه داشته باشد؟

۲. قناعت: تعریف قناعت از نظر شما چیست و تا چه حد قناعت دارید؟

۳. تجملات و تشریفات: درباره تجملات و تشریفات در زندگی و حدود آن چه نظری دارید؟

۴. سازگاری: اگر همسر آینده شما در اثنای زندگی، شغل خود را از دست بدهد یا ورشکست شود، چه خواهید کرد؟

۵. دغدغه زن سالاری: دیدگاه شما درباره جایگاه مرد در زندگی چیست؟

نکته: با این سؤال می‌خواهید بفهمید که روحیه زن سالاری دارد یا نه. آیا خود را عقل کل می‌داند یا برای خود جایگاه مشاوری مهربان قائل است.

۵ سؤال اختصاصی وجود دارد که خانم از آقا می‌پرسد:

۱. دخانیات: نظرتان درباره سیگار و مصرف آن و مواد مخدر چیست و درباره معتادان چه احساسی دارید؟ (ر.ک: ص۸۷).

۲. میزان درآمد: آیا میزان درآمد شما در حدی هست که بتوان با آن، زندگی متوسطی را اداره کرد؟

نکته: این سؤال در جلسه دوم پرسیده می‌شود تا شائبه پول‌دوستی و مادی‌گرایی زن پیش نیاید.

۳. اعتقاد به مشاوره: برای رفع مشکلات زندگی تا چه حد به مشاوره اعتقاد دارید و آن را مؤثر می‌دانید.

نکته: اکثر مردها به مشاوره تن نمی‌دهند؛ زیرا گمان می‌کنند رفتن نزد مشاور به معنای اعتراف به اشتباه است.

۴. مصرف درآمد زن: چنانچه همسر آینده شما درآمدی داشته باشد، نظر شما درباره مصرف آن چیست؟

نکته: این سؤال در جایی مورد دارد که زن برای درآمد خود برنامه خاصی داشته باشد و نخواهد تمام یا قسمتی از آن را در اختیار شوهر قرار دهد.

۵. دغدغه مرد سالاری: دیدگاه شما درباره جایگاه زن در زندگی چیست و به او چقدر میدان می‌دهید؟

نکته: برخی از مردان، زن را موجودی ضعیف (ناقص العقل و الایمان) می‌دانند که البته خلاف سیره و روش اولیای الاهی است.

سکوت در جلسات گفت و گو

خواستگاری دارم که سؤالی مطرح نمی‌کند و در برابر پرسش‌های من نیز ساکت می‌نشیند. آیا مشکلی وجود دارد؟

ممکن است کمرو باشد (ر.ک: ص۶۷و۶۸) و احتمال دارد که خواستگاری بر او تحمیل شده باشد؛ به ویژه اگر در جمع به او اجازه صحبت نمی‌دهند. در این صورت حتماً با پرسش‌های روشن و پیاپی اطمینان یابید که با پای خود و با رضایت کامل آمده است.

احتمال دیگر این است که شما را از نظر ظاهر نپسندیده و انگیزه‌ای برای گفت و گو ندارد و نمی‌تواند با این مسأله کنار بیاید.

گاهی شخص در جلسه اول گفت و گو، مطالب و سؤالاتی را مطرح و در جلسات بعدی سکوت می‌کند. این نشان می‌دهد که همان سؤال‌های اصلی و کلیدی جلسه اول برایش مهم بوده و سؤالات بعدی اهمیتی ندارد؛ زیرا در خود قدرت انطباق می‌بیند و می‌داند که با وجود وجوه مشترک در مسائل اصلی، با بقیه اختلافات می‌تواند کنار بیاید و خود را وفق دهد.

در صورتی که خواسته‌های شما را بدون چون و چرا می‌پذیرد، احتمال عاشق و کر و کور شدن وی وجود دارد؛ زیرا امکان ندارد دو نفر با دو ژن و وراثت متفاوت، دو محیط و دو تربیت گوناگون، در همه مسائل تفاهم داشته باشند؛ حتی دو خواهر یا دو برادر نیز با وجود اشتراک در محیط و تربیت، با هم تفاهم کامل ندارند.

اگر به فرض در همه مسائل تفاهم کامل دارید، باز هم مقداری چون و چرا به ویژه از طرف دختر لازم است. بهتر است که پسر، خیلی راحت و سهل به دختر نرسد تا قدر او را بیشتر بداند.

پرسش‌های جلسه سوم

آیا لازم است جلسات گفت و گو به جلسه سوم هم‌کشیده شود؟ در این صورت چه سؤال‌هایی را باید مطرح کرد؟

برخی از مسائل را به سبب حیا نمی‌توان در جلسات اول و دوم مطرح کرد یا هنوز زمان طرح آن‌ها نرسیده است. این سؤال‌ها عبارتند از:

۱. گرم مزاجی یا سرد مزاجی: رفع غرایز جنسی تا چه حد در زندگی زناشویی برایتان اهمیت دارد؟

نکته: با توجه به این که اختلاف شدید خانم و آقا در این مسأله، عامل اختلافات جدی در زندگی مشترک و در مواردی عامل انحرافات اخلاقی و

جنسی یک طرف و لطمه به اعصاب و روان می‌شود، طرح آن ضرورت دارد.

این سؤال در جلسه سوم مطرح می‌شود تا موضع تهمت شهوترانی، هواپرستی و... نباشد. اگر طرح این سؤال برایتان مشکل است و حیا اجازه نمی‌دهد می‌توانید آن را به صورت نوشتاری بپرسید.

۲. فرزند دار شدن و زمان آن: آیا در زندگی زناشویی مایلید فرزند داشته باشید؟ در این صورت، چه زمانی را برای فرزنددار شدن مناسب می‌دانید؟

۳. شیوه تربیتی فرزندان: در تربیت فرزندان چه مبنایی دارید؟ آیا برای تربیت آنان از کتک هم استفاده می‌کنید؟

۴. چگونگی مراسم عقد و عروسی: نظرتان درباره چگونگی مراسم عقد و عروسی چیست؟ آیا مراسم آلوده به گناه یا بدون گناه برایتان فرقی دارد؟ (ر.ک: ص ۲۳۲و۲۳۳).

نکته: در صورت عدم توافق در این مسأله، از همان شب اول ازدواج، کدورت‌هایی پیش می‌آید و به سبب خاطرات تلخ پدید آمده، ممکن است بهانه جویی‌هایی در زندگی مشترک بروز کند.

۵. چگونگی ملاقات‌های دوران عقد: نظر خانواده محترم شما (دختر) درباره ملاقات‌های دوران عقد چیست و آیا داماد خود را از دیدن همسرش منع می‌کنند؟ (ر.ک: ص ۲۲۶و۲۲۷).

۶. انتظار خاص از همسر آینده: آیا انتظار خاصی از همسر آینده خود دارید؟

نکته: برخی از افراد، نیازهای خاصی دارند که حتما باید پیش از ازدواج، با نامزد خود مطرح کنند تا ببینند آیا توان برآوردن آن را دارد یا خیر؛ برای مثال ممکن است دختری بیش از دختران دیگر به اظهارا محبت همسر نیاز داشته باشد که حتما باید مطرح کند.

روابط دختر و پسر در دوره نامزدی

آیا در دوره نامزدی می‌توانم به همسر آینده‌ام اظهار عشق کنم و دست او را بگیرم؟

خواستگاری پسر از دختر و پذیرش آن از سوی دختر به معنای ازدواج و محرمیت نیست؛ بنابراین تا زمانی که فرایند خواستگاری (دوره نامزدی) پایان نیافته، حتی تا واپسین لحظات یعنی پس از جلسه بله برون و قبل از عقد، هیچ تفاوتی بین دو نامزد و دو نامحرم نیست و بر اساس آموزه‌های دینی، حق هیچ‌گونه ارتباطی جز در محدوده دین و بر اساس ضوابط شرعی ندارند.

بر اساس فتاوای مراجع تقلید، «نامزد نامحرم، هیچ تفاوتی با زنان نامحرم دیگر ندارد».[1] آنان فتوا داده‌اند که «اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به منظور ازدواج، حرام است».[2]

برخی از جوانان به سبب عدم آشنایی با مسائل شرعی، گمان می‌کنند که خواستگاری می‌تواند مجوّز رابطه باشد و می‌گویند: «ما دیگه مال همیم» یا به صرف خواستگاری «با هم محرم شده‌ایم» که چنین نیست و گاهی گمان می‌کنند که بدون قصد لذت و فقط از روی عشق می‌توانند دست همدیگر را بگیرند و هنگام احوالپرسی به هم دست بدهند. فرموده‌اند که «دست دادن با نامحرم حرام است؛ خواه فامیل باشد یا غیر فامیل و خواه با قصد لذت باشد یا بدون قصد لذت».[3]

تنها چیزی که موانع ارتباط را از سر راه دو نامزد برمی‌دارد، صیغه

۱. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص۱۷۷.

۲. نرم‌افزار پرسمان۲(www.porseman.org) استفتا از مراجع.

۳. همان.

محرمیت است. یادتان باشد که ممکن است نامزدی شما به ازدواج نینجامد و افزون بر گناهانی که مرتکب شده‌اید، عذاب وجدان و احساس خیانت به همسر آینده شما را به شدت رنج دهد. گذشته از این که مردان به طور معمول دختران سهل الوصول را برای زندگی مشترک دوست ندارند و اجازه دختر برای ارتباط به پسر در این دوره، ممکن است او را در اصل انتخابش دچار تردید جدی کند.

همتایی در ازدواج

همتایی اعتقادی

همتایی اعتقادی در ازدواج چقدر اهمیت دارد؟

اصل همتایی در ازدواج که در متون روایی ما از آن به «کفویت» تعبیر شده، بسیار مهم است. رسول خدا ﷺ فرمود:

انکِحوا ألاَکفاءَ.[1]

با همتایان خود ازدواج کنید.

در بین همه ملاک‌های همتایی، همتایی اعتقادی مهم‌ترین ملاک برای ازدواج به شمار می‌رود و یکی از عوامل مهم طلاق، عدم همتایی در همین مسأله است.

اگر دختر و پسر در اعتقادات به هم نزدیک و همتا باشند، ممکن است بتوانند با عدم همتایی در مسائل دیگر (البته به سختی) کنار بیایند، اما اگر در بقیه جهات تشابه داشته و در اعتقادات مخالف هم باشند، احتمال تداوم

---

۱. کلینی، *کافی*، ج۵، ص۳۳۲.

زندگی بسیار کم است؛ بدین جهت، نخستین محور در گفت و گوی جلسه اول پس از معرفی، همین مسأله مطرح می‌شود و این سؤال چه از سوی متدین و چه از طرف غیر متدین باید مطرح شود؛ زیرا ممکن است فردی با سطح پایین اعتقادی، با کسی که در سطح بالایی از این لحاظ قرار دارد ازدواج کند و در زندگی مشترک دچار مشکلات جدی شوند.

روایاتی که از امامان معصوم در تأکید بر دینداری طرف برای ازدواج رسیده، برای متدینان است که با غیر متدین ازدواج نکنند.

امام صادق فرمود:

مَنْ خَطَبَ اِلَیکُم فَرَضیتُم دینَه و اَمانَتَه کائناً من کانَ فَزوِّجُوه.[1]

کسی که [دختر مؤمنتان را] از شما خواستگاری کرد و از دینداری و امانتداری او راضی بودید، هر طور بود، دخترتان را به ازدواجش درآورید.

این روایت بر اهمیت دینداری تأکید دارد و مقصود از این که «هر طور بود، دخترتان را به ازدواجش درآورید»، بی‌توجهی به ملاک‌های دیگر نیست.

اگر خودتان دیندار هستید، با دیندار ازدواج کنید؛ چرا که پرهیزکار و خدا ترس است و به فرموده امام حسن اگر همسرش را دوست داشته باشد، او را گرامی می‌دارد و اگر از او به خشم آید، ستم روا نمی‌دارد.

زَوِّجْها مِنْ رَجُلٍ تَقیٍ فَاِنَّه اِنْ اَحَبَّها اَکْرَمَها وَاِنْ اَبْغَضَها لَمْ یَظْلِمها.[2]

۱. شیخ صدوق، ***من لا یحضره الفقیه***، ج۳، ص۳۹۳.
۲. طبرسی، ***مکارم الاخلاق***، ص۲۰۴.

مسأله اعتقادات مشترک آن قدر مهم است که هرگز نباید به امید ایجاد همتایی در آینده با کسی که هماهنگی اعتقادی ندارید، ازدواج کنید (ر.ک: ص ۳۱).

همتایی مذهبی

آیا شیعه می‌تواند با اهل سنت ازدواج کند؟

همان گونه که همتایی در دین برای ازدواج اهمیت دارد، همتایی در مذهب نیز لازم است. عدم همتایی در مذهب ممکن است مشکلاتی را در زندگی مشترک پدید آورد:

۱. اختلاف در احکام فقهی: با توجه به اختلافات دو مذهب در احکام فقهی، ممکن است زن و شوهر در مقام عمل به این احکام دچار مشکل و اختلاف شوند؛

۲. تنش در روابط زناشویی: با توجه به این که هر یک بر اعتقادات خود تأکید می‌کند، احتمالاً عامل درگیری خواهد بود؛

۳. عدم تناسب خانواده‌ها: اگر دختر و پسر هم بر اعتقادات مذهبی خود پافشاری نکنند و تعصب نشان ندهند،[1] معلوم نیست خانواده‌ها چنین باشند و همین مسأله مشکلاتی را در روابط دو خانواده ایجاد خواهد کرد (ر.ک:ص ۱۵۰). این مشکل در مورد نزدیکان هر دو طرف نیز وجود دارد؛

۴. ایجاد اشکال در تربیت فرزندان: اختلاف مذهب دختر و پسر می‌تواند عامل اختلاف باشد؛ آنگاه که فرزندانشان بخواهند مذهب خود را برگزینند.

۱. با توجه به تولی و تبری در مذهب شیعه، مسلمان شیعه مذهب نمی‌تواند بر مذهب خود تعصب نداشته باشد.

توجه داشته باشید که در فقه شیعه، با رعایت شرایطی، منعی برای ازدواج با اهل سنت نیست.[۱]

همتایی خانوادگی

آیا در ازدواج، همتایی خانواده‌ها نیز لازم است؟

بله، لازم است. در ایران برخلاف غرب، افزون بر زوج جوان، خانواده‌ها نیز با هم ازدواج می‌کنند. براساس مشاهدات نگارنده در غرب (امریکا و اروپا)، خانواده‌های دو طرف تأثیر چندانی در ازدواج فرزندان خود ندارند و این مطلب به ساختار اجتماعی آنان و جایگاه و اهمیت خانواده باز می‌گردد؛ برخلاف ایران که به لحاظ ساختار سنتی آن، ارتباطات فامیلی جدی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.[۲]

در ایران، پدر و مادر همسر آینده، «پدر و مادر بزرگ» فرزند؛ برادر خانم، «دایی»؛ خواهر خانم، «خاله»؛ برادر آقا، «عمو»، و خواهر آقا، «عمه» آنان خواهند شد و به شدت بر فرزندان تأثیر خواهند داشت و شما چاره‌ای از ارتباط با آنان نخواهید داشت؛ چون هم فرزندانتان به ایشان نیاز دارند و هم اسلام عزیز بر صله رحم (دیدار نزدیکان) تأکید جدی دارد؛ پس در ازدواج خود، حتماً به همتایی دو خانواده از جهت اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی (ر.ک: ص۱۵۲و۱۵۳) و اصالت (ر.ک: ص۱۷۶و۱۷۷) توجه داشته باشید.

۱. سید حجت موسوی خویی، ***احکام ازدواج دائم و موقت***، ص ۸۷ ـ ۸۹.

۲. در غرب، گاهی مدت‌ها می‌گذرد و پدر و مادر دختر یا پسر از ازدواج آنان اطلاع ندارند یا اگر آگاهند، همدیگر را ملاقات نکرده‌اند و اگر هم اراده کنند همدیگر را ببینند و به دیگری افتخار بدهند، در رستوران قرار می‌گذارند!

همتایی فرهنگی

تفاوت فرهنگی تا چه حد می‌تواند در زندگی مشترک زن و مرد مشکل ایجاد کند؟

توصیه ما به همتایی فرهنگی در ازدواج است؛ زیرا زن و مردی که تشابه فرهنگی دارند، راحت‌تر با هم کنار می‌آیند و در تضاد فرهنگی، تحمل فراوان لازم است.

در موارد بسیاری به سبب تفاوت آداب و رسوم، لباس، زبان و لهجه، درگیری از همان محفل عروسی آغاز می‌شود و در مواردی حتی قبل از عروسی و در مقدمات ازدواج از جمله خرید عروسی، جهیزیه، محفل عروسی و... اختلافات بروز می‌کند.

دختر و پسری از دو فرهنگ متفاوت در دانشگاه با هم آشنا می‌شوند و به هم دل می‌بندند و یک دیگر را برای ازدواج برمی‌گزینند که افزون بر مشکلات این‌گونه آشنایی‌ها (ر.ک: ص۴۱ـ۴۷)، وقتی برای ازدواج اقدام می‌کنند، با آداب و رسوم عجیبی روبه رو می‌شوند.

در منطقه‌ای دادن جهیزیه به دختر رسم نیست. در جایی رسم است که داماد جهیزیه بیاورد. در جایی دیگر، هنگام خرید عروسی، داماد باید برای یک مینی‌بوس از نزدیکان دختر هدیه بخرد. در منطقه‌ای دیگر به شیربها (ر.ک: ص۲۱۵) توجه جدی می‌شود و در محله‌ای رسم است هفت روز و هفت شب مراسم بگیرند که مخارج آن عموما به عهده داماد است.

اگر افزون بر اختلاف فرهنگی، اختلاف در «شهر» هم باشد، مشکلات، افزون‌تر خواهد شد و مخارج مسافرت در ایام تعطیل و محدود شدن زمان

تعطیلات برای حضور در دو شهر متفاوت و مهم‌تر از آن، احتمال دور شدن دختر از خانواده و افسردگی ناشی از جدایی یا نگرانی مرد به علت دور شدن از پدر و مادر نیز مزید بر علت خواهد بود.

نگران کننده‌تر از آن، ازدواج دو نفر از دو ملیّت و دو کشور متفاوت است که به طور طبیعی، مشکلات بیشتری پیش رو خواهند داشت؛ پس برای رهایی از این مشکلات، بهتر است با هم فرهنگ، همشهری و هم کشوری خود ازدواج کنید و اگر نمی‌خواستید به این توصیه عمل کنید، حتما قبل از تصمیم به ازدواج، با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل آشنا شوید و بعد از این آشنایی، اگر قدرت انطباق داشتید، ازدواج کنید.

گاهی تفاوت فرهنگی در اعتقادات دینی و مذهبی ریشه دارد؛ به گونه‌ای که در ارتباطات خود با هم، مسائلی از قبیل پوشش لازم، حفظ نگاه، پرهیز از شوخی و تماس با نامحرم (دست‌دادن)، مصرف مشروبات الکلی و... رعایت نمی‌شود که در این صورت، ازدواج خانواده‌ای با فرهنگ مذهبی و چنین خانواده‌ای، مشکلات بسیاری را پیش خواهد آورد.

همتایی طبقاتی

آیا لازم است دختر و پسر و خانواده‌های آنان از نظر اقتصادی و تمکن مالی همتای هم باشند؟

تفاوت تمکن مالی اگر زیاد نباشد، اشکالی ندارد؛ اما اگر فاصله زیاد باشد؛ به گونه‌ای که از دو طبقه ثروتمند و کم بضاعت باشند، مشکلاتی را فراهم خواهد آورد.

اگر پسر و خانواده‌اش ثروتمند باشند، دختر با دیدن نزدیکان او احساس حقارت خواهد کرد و اگر دختر و خانواده‌اش تمکن بالای مالی داشته باشند، وقتی خانواده دختر یا نزدیکان او به منزل پسر می‌آیند، خجالت می‌کشد. این در صورتی است که تحقیر و سرزنشی در کار نباشد که اگر چنین شود، رنج‌ها افزون‌تر خواهد شد.

در صورتی که وضع مالی خانواده دختر بسیار خوب باشد و در ناز و نعمت بزرگ شده باشد، مرد نمی‌تواند به خواسته‌های او آن‌گونه که در منزل پدر بوده پاسخ دهد و چون وضعیت زندگی‌اش را به مراتب پایین‌تر از دوستان پولدارش می‌بیند، رنج می‌برد و زندگی را به کام خود و همسرش تلخ می‌کند و ممکن است این وضعیت، مرد را برای تأمین نیازهای زن به خطا ببرد؛ بنابراین، بهتر است فاصله طبقاتی خانواده دختر و پسر زیاد نباشد و مطلوب این است که وضعیت مالی پسر بهتر باشد تا زندگی به کام دختر شیرین‌تر آید. دلیل این شیرینی آن است که وضعیتش مطلوب‌تر از زمانی می‌شود که در منزل پدر می‌زیسته است.

همتایی تحصیلی

آیا در ازدواج، همتایی تحصیلی نیز بین دختر و پسر لازم است؟

مطلوب این است که تحصیلات آقا، یک مقطع بالاتر از خانم باشد. فاصله بیشتر (دکتری با دیپلمه یا فوق لیسانس با سوم راهنمایی) مطلوب نیست.

در صورت وجود شرایط مطلوب در زمینه‌های دیگر، هم‌سطح بودن

آنان نیز قابل قبول است؛ البته در صورتی که خانم نخواهد در گفت و گوهای علمی بر همسر خود غلبه کند.

در صورتی که تحصیلات خانم از آقا بالاتر باشد، ممکن است مشکلاتی را در زندگی زناشویی پدید آورد؛ چراکه با ویژگی غرور و اثبات اقتدار مرد[1] منافات دارد. حتی اگر زن با تواضع و فروتنی، برای تحصیلات بالاتر خود، جایگاهی قائل نباشد و مدرک تحصیلی‌اش را به رخ همسرش نکشد، باز هم ممکن است مرد از تذکرات اودر زندگی مشترک، برداشت درستی نداشته باشد و تصور کند که دچار خودبزرگ بینی شده و جایگاه معلمی یافته است.

در یک صورت، تحصیلات بالاتر زن مشکل ایجاد نمی‌کند و آن این که مرد دارای خصوصیتی بارز در زمینه هنر، ورزش، صنعت، مطالعات علمی و... باشد.

همتایی ظاهری

تا چه حد لازم است دختر و پسر به لحاظ ظاهری از جمله زیبایی، قد و قامت و چاقی و لاغری با هم تناسب داشته باشند.

دختر و پسر لازم است به تناسب ظاهری خود به‌ویژه زیبایی توجه کنند؛ البته زیبایی همسر برای آقایان بیشتر از خانم‌ها اهمیت دارد. در خانم‌ها این معیار کمرنگ‌تر از آقایان است و بیشتر، اقتدار مرد، استقلال فکری او، نقش حمایتگری و قدرت مدیریتش مهم است.

گاهی بی‌توجهی به زیبایی که به سبب عشق‌های کر و کورکننده،

۱. مرد دوست دارد مقتدر باشد؛ یعنی محل اتکای همسر خود قرار گیرد.

احساس ترحم، رودربایستی، شدت معنویت طرف و... مورد غفلت قرار می‌گیرد، در آینده زندگی زناشویی مشکلاتی را پدید خواهد آورد.

مقایسه همسر با دیگران و تکه‌پرانی‌ها و نگاه‌های معنادار دوستان و نزدیکان ممکن است باعث شود که شخص احساس ضرر کند و عقده ایجاد شود و بهانه‌جویی‌ها، شیرینی زندگی را به تلخی تبدیل سازد و خدای نخواسته همین مسأله باعث شود با توجه و گرایش به دیگران، در حق همسر خود ستم روا دارد.

توجه به زیبایی بدین معنا نیست که اصل قرار گیرد؛ بلکه مقصود این است که فاصله دختر و پسر از این نظر زیاد نباشد و همتایی نسبی رعایت شود. فاصله کم در زیبایی مشکل ایجاد نمی‌کند؛ به‌ویژه اگر کسی که زیبایی کمتری دارد، در ارزش‌های اخلاقی، دیانت و اصالت، نمود افزون‌تری داشته باشد.

برخی زیبایی را در انتخاب همسر اصل قرار می‌دهند که شایسته نیست. معیارهای اصلی در ازدواج، اعتقادات، ارزش‌های اخلاقی و اصالت خانوادگی است.

رسول بزرگوار اسلامﷺ فرمود:

اِنَّ مِنْ سَعادَةِ الْمَرءِ الْمُسْلِمِ... اَلْمَرأَةَ الْجملا ذاتَدینٍ.[1]

از سعادت مسلمان این است که همسری زیبا و با دیانت داشته باشد.

انتخاب همسر صرفاً به جهت زیبایی او و بی‌توجهی به ملاک‌های

۱. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۱، ص۱۰۱.

پیش‌گفته، درست مانند انتخاب کتاب برای زیبایی طرح روی جلد آن است که عملی عقلانی نخواهد بود؛ چون شما کتاب را برای استفاده از محتوای آن می‌خرید.

کسی که همسرش را صرفاً به دلیل زیبایی او برمی‌گزیند، اگر این ویژگی در آینده با سکته، تب شدید، آب جوش، تصادف و... از بین برود، احساس خلا شدید خواهد کرد.

پیامبر رحمت ﷺ فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ اِمَرْأَةً لایَتَزَوَّجُها اِلّا لِجَمالِها لَمْ یَرَ فیها مایُحِبُّ.[۱]

کسی که با خانمی صرفاً برای زیبایی‌اش ازدواج کند، آنچه را دوست دارد، در او نخواهد یافت.

توجه داشته باشید که زیبایی پس از مدتی برایتان عادی می‌شود و آنچه در زندگی مشترک، مهم جلوه خواهد کرد، همان ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی است.

یادتان باشد که همسر شما می‌خواهد نقش مادر یا پدر فرزندتان را ایفا کند و برای ایفای این نقش، زیبایی کارایی ندارد؛ بلکه همان ارزش‌ها است که به کار خواهد آمد.

جالب است بدانید که بر اساس آموزه‌های دینی ما اگر شخص برای زیبایی و دارایی زن ازدواج کند، خداوند او را به همان وا می‌گذارد و اگر به سبب دیانت او ازدواج کند، هم زیبایی و هم دارایی را نصیبش خواهد کرد. این سخن گهربار امام صادق ؑ است:

۱. حرعاملی، ***وسائل الشیعه***، ج۲۰، ص۵۰.

اِذا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ اَلْمَرْأَةَ لِجَمالِها اَوْ مالِها وُکِّلَ اِلی ذلک وَ اذا تَزَوَّجَها لِدینِها رَزَقَهُ اللهُ اَلْمالَ وَ الجَمالَ.[۱]

توجه صرف به زیبایی برای هیچ کس مطلوب نیست؛ اما برای خانم‌هایی که دارای حساسیت‌های ویژه هستند یا آقایانی که غیرت بیش از حد دارند، اصلاً مطلوب نیست؛ زیرا باعث رنج همیشگی در زندگی می‌شود؛ افزون بر این که ممکن است همسر شما را به خودنمایی و غرور بیجا دچار سازد و عاملی برای فخرفروشی به شما شود.

مطلوب این است که قد و قامت خانم، کمی از آقا کوتاه‌تر باشد تا چشم‌نوازی بیشتری داشته باشد؛ اما اگر این گونه نبود، یعنی دختر و پسر، هم‌قد یا خانم بلندتر بود، مانعی برای ازدواج شمرده نمی‌شود؛ چرا که این مسأله از اصول زندگی زناشویی نیست و به سلیقه افراد بستگی دارد.

توصیه این است که اختلاف قد و قامت دختر و پسر فاحش نباشد؛ زیرا ممکن است نگاه‌های معنادار، پچ‌پچ کردن‌ها و تکه‌پرانی‌های دیگران، زوج جوان را برنجاند.

در صورتی می‌توانید چنین ازدواجی را بپذیرید که آستانه حسی بالایی داشته باشید بدین معنا که حساسیت زیاد نداشته باشید و برخورد دیگران در شما رنجشی ایجاد نکند.

درباره چاقی و لاغری نیز چنین است و نباید فاصله آن قدر زیاد باشد که توجه دیگران را به خود جلب کند، مگر این که نظر دیگران برای شما اهمیتی نداشته باشد.

۱. کلینی، ***کافی***، ج۵، ص۳۳۳.

ازدواج‌های ویژه

ازدواج فامیلی

آیا با توجه به شناختی که از فامیل داریم، ازدواج فامیلی، از ازدواج با غریبه بهتر نیست؟

ازدواج با فامیل به علت شناخت بیشتر، بهتر است؛ زیرا احتمال فریبکاری و وارونه جلوه دادن مسائلی از قبیل تحصیلات عالی، خدمت نظام وظیفه، دارایی و تمکن مالی، متارکه والدین و... به سبب ارتباط نزدیک خانوادگی بسیار کم می‌شود؛ اما معنایش این نیست که ازدواج با غریبه اشکال دارد.

در ازدواج با غریبه (به ویژه اگر اهل و ساکن شهر دیگری باشد)، دقت و صرف وقت بیشتری لازم است. این نیز بدان معنا نیست که در ازدواج فامیلی، دقت و وقت لازم برای تحقیق صرف نشود (ر.ک: ص۱۹۹ـ۲۰۰). اگر صِرف فامیل بودن می‌توانست عامل کامیابی در ازدواج شود، امروز نباید شاهد اختلافات و طلاق‌های ازدواج‌های فامیلی می‌بودیم.

نکته مهم در ازدواج‌های فامیلی، احتمال افزون‌تر بیماری‌های ژنتیک

است که در شرایط فیزیولوژیک ویژه و در گروه‌های خونی خاص پدید می‌آید. احتمال مشکلات جسمی و ذهنی در فرزندان متولد شده از ازدواج‌های فامیلی ۴۰ درصد و در فرزندان زاده شده از غریبه‌ها ۱۰ تا ۱۲ درصد است؛ پس اگر بنا دارید با فامیل ازدواج کنید، مشاوره ژنتیک و در صورت لزوم، آزمایش ژنتیک را جدی بگیرید (ر.ک: ص۹۸و۹۹).

متأسفانه گاهی در پی اندیشه نادرستی که عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمان بسته‌اند[1] یا ناف آن دو را برای هم بریده‌اند! یا این که قبل از آزمایش، صیغه عقد موقت می‌خوانند و دیگران را از ازدواج آینده خود مطلع می‌سازند نمی‌توانند از ازدواج با هم بگذرند و با وجود اعلام ریسک متوسط یا بالا از سوی مشاوران ژنتیک مبنی بر احتمال بیماری فرزندان، به آن بی‌اعتنایی و ازدواج می‌کنند که مشکلات غیر قابل جبرانی را پدید می‌آورد.

رسول گرامی اسلامﷺ توصیه فرموده است که با غریبه ازدواج کنید و شاید دلیلش احتمال همین مشکلات باشد:

اِغْتَرِبُوا لاتَضْوُوا.[2]

با غریبه ازدواج کنید تا فرزند لاغر نیاورید.

لاتَنْكِحُوا الْقَرَابَةَ فَإِنّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ (يَخْرُجُ) ضاوياً.[3]

با نزدیکان ازدواج نکنید؛ زیرا [ممکن است] فرزند لاغر زاده شود.

---

۱. پس از جست و جوی نگارنده در متون روایی و استفاده از متخصصان حدیثی در دارالحدیث قم، روایتی به این مضمون پیدا نشد.

۲. سید مرتضی، ***المجازات النبویه***، ص ۹۲.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، ***المحجة البیضاء***، ج ۴، ص ۹۴.

ازدواج با فرزند تک سرپرست

آیا ازدواج با کسی که پدر یا مادرش را از دست داده یا به سبب جدایی والدین، با یکی از آن‌ها زندگی می‌کند، روحیه و ویژگی خاصی را می‌طلبد؟

عزیزانی که پدر یا مادر خود را از دست داده‌اند یا به سبب جدایی آن‌ها، از وجود یکی بی‌بهره بوده‌اند، نیاز افزون‌تری به توجه عاطفی دارند. آن‌ها به کسی نیاز دارند که افزون بر نقش همسری، نقش والدی را که از وجودش محروم بوده‌اند نیز ایفا کند که مسؤولیت سنگینی است؛ بنابراین، بهتر است کسانی با ایشان ازدواج کنند که مهربانی و عطوفت بیشتری دارند و می‌توانند با توجه، مدارا و صرف وقت افزون‌تر، خلاهای عاطفی آنان را پر کنند.

این نیاز در دختران به سبب شدت عواطف آنان بیشتر است.

در ازدواجتان با این افراد به این نکته نیز توجه داشته باشید که ممکن است برخی از آنان (دختران، به جهت نداشتن الگوی مادرانه و پسران به سبب نداشتن الگوی پدرانه نتوانند نقش همسری خود را به خوبی ایفا کنند و به مدارای بیشتری نیاز دارند؛ البته افرادی هم هستند که هم خلاهای عاطفی و هم فقدان الگوی پدرانه و مادرانه خود را با یکی از محارم از جمله پدربزرگ و مادربزرگ یا دایی و خاله جبران کرده‌اند.

ازدواج با سرپرست خانواده

خواستگارم به علت از دست دادن پدر، سرپرست خانواده است و از من خواسته که با خانواده‌اش زندگی کنم. آیا این گونه زندگی کردن امکان‌پذیر است؟!

زندگی زوج جوان به صورت مستقل و دور از خانواده‌ها بهتر و مطلوب‌تر است.

من رشته محبت تو پاره می‌کنم
شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم (دوری و دوستی)

اگر مایلید پیشنهاد ازدواج خواستگارتان را با این شرط بپذیرید، حتماً باید به روحیه خود توجه کنید. اگر دختری حساس و زودرنج هستید و قدرت تحمل بالایی ندارید، به احتمال فراوان دچار مشکل خواهید شد.

فاصله فرهنگی، روانی و سنی حدود ۲۵ تا ۳۰ سال با مادر شوهر، دخالت‌ها و اعمال سلیقه‌هایی که خیلی وقت‌ها هم از روی دلسوزی است، آگاهی اعضای خانواده شوهر از مسائل خصوصی شما، ایجاد دوگانگی در تربیت فرزندانتان به سبب اختلاف مبانی تربیتی شما و مادرشوهر و اثرگذاری بقیه اعضای خانواده شوهر بر فرزندانتان، مشکلات پیش روی شما است.

در صورتی که خود را آماده پذیرش این گونه زندگی می‌بینید، باید ویژگی بردباری، گذشت و مدارا را در خود تقویت کنید. باور خود را درباره نقش منفی مادرشوهر اصلاح کنید. بکوشید به مادر همسرتان به دیده مادر دوم خود بنگرید تا سطح تحملتان بالاتر رود. نقاط مثبت این گونه زندگی را

برای خود پررنگ‌تر کنید؛ این که هنگام مسافرت رفتن همسرتان تنها نخواهید ماند. این که هنگام بیماری، حمایت‌کنندگانی خواهید داشت و این که از تجربه‌های مادرشوهر در زندگی و بچه‌داری در سنین شیرخوارگی استفاده خواهید کرد و... .

می‌توانید به خواستگارتان پیشنهاد کنید که برای راحتی شما و خانواده‌اش، در صورت امکان، دو طبقه مستقل یا دو منزل کنار هم گرچه کوچک را تهیه کند تا هم استقلال شما حفظ شود و هم همسرتان بتواند خانواده‌اش را سرپرستی کند.

ازدواج ایثارگرانه

می‌خواهم برای رضای خدا با آقایی ازدواج کنم که معلول است. آیا این اقدام پسندیده است؟

ازدواج فرد سالم با معلول یا جانباز، ازدواج ایثارگرانه است که ارزش و پاداش فراوانی دارد. این گونه ازدواج‌ها از قاعده همتایی خارج، و نوعی ایثار است؛ بنابراین، هرکسی توان آن را ندارد.

برای این گونه ازدواج‌ها، روحیه و ویژگی‌های خاصی لازم است. باید هدف و انگیزه‌ای عالی، سعه صدر و تحمل قوی داشته باشید. اگر شخصی به شدت عاطفی هستید، توجه داشته باشید که تصمیمتان از روی دلسوزی و احساسات زودگذر نباشد. اگر اهل منت گذاشتن و تحقیر کردن هستید، این ازدواج درست نیست.

افزون بر این، باید به نکاتی دیگر توجه داشته باشید:

۱. پیش از ازدواج با مشاوران مراکز بهزیستی و بنیادهای مخصوص آنان مشاوره کنید. شما باید با ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی طرف مقابل و نیز میزان نیاز وی به مراقبت آشنا شوید و توان جسمی و روحی خود را برای مراقبت از وی و همراهی‌اش در نظر بگیرید؛

۲. حتماً با خانم‌هایی که تجربه چنین ازدواجی را داشته‌اند، صحبت کنید؛

۳. به پیامدها و سختی‌های آن بیندیشید. فقط مقصدی عالی و الاهی است که توان تحمل سختی‌ها را به شما خواهد داد؛

۴. به مسائل اخلاقی، رفتاری و فرهنگ خانوادگی طرف مقابلتان هم توجه کنید؛

۵. به احتمال عقیم بودن یا عقیم شدن وی نیز توجه داشته باشید.

به طور معمول، خانم‌هایی که تجربه ازدواج پیشین داشته‌اند، به دلیل تجربه و آگاهی بیشتر در زمینه همسرداری، در این گونه ازدواج‌ها موفق‌ترند.

برخی، ازدواج دو نفر با وضعیت مشابه و در حقیقت همتایی را پیشنهاد می‌دهند به این دلیل که همدیگر را بهتر درک می‌کنند و احتمال منّت گذاشتن در زندگی آینده منتفی می‌شود. این پیشنهاد در صورتی عملی است که دو نفر متکی به غیر نباشند.

ازدواج با خانواده پرجمعیت

برخی از خواستگارانم وقتی می‌فهمند خانواده پرجمعیتی هستیم، منصرف می‌شوند. آیا تعداد زیاد افراد خانواده می‌تواند عیب و نقص باشد؟!

اگر انصراف آنان به این دلیل است که نگران تفاوت روحیه خود با شما هستند، وجهی دارد؛ اما اگر صرفاً به جهت تعداد زیاد خانواده شما منصرف می‌شوند، منطقی و عاقلانه نیست.

آنان شاید بر این باورند که در خانواده کم جمعیت، محبت والدین بین تعداد کمی تقسیم شده و سهم بیشتری به هریک رسیده؛ بنابراین، انتظار دارند که همسرشان هم به همان اندازه، بلکه افزون‌تر از آن به ایشان محبت کند و در خانواده‌های پرجمعیت، محبت والدین بین تعداد زیادی تقسیم شده و سهم کمتری به هریک رسیده؛ بنابراین نگرانند که اگر همسرشان اندکی به آنان محبت کند، منّت بگذارد.

از طرفی کسانی که در خانواده‌های کم تعداد بزرگ شده‌اند، به فضایی ساکت و آرام و کم‌هیاهو عادت کرده‌اند و برعکس آنان که در خانواده‌های پرجمعیت زندگی کرده‌اند، به شلوغی و مهمانی‌های شلوغ عادت دارند و خواستگاران، نگران این تضاد هستند.[1]

گاهی کمبودهای اقتصادی و مالی در خانواده‌های پرتعداد و ایجاد عقده‌های احتمالی، آنان را نگران می‌کند.

اگر به واقع چنین تضادها و مشکلاتی وجود داشته باشد، دلیلی برای انصراف از چنین ازدواجی هست؛ زیرا اصل همتایی از بین می‌رود؛ اما در

۱. برخی هم برعکس دوست دارند وارد خانواده‌های پرجمعیت شوندتا از سکوت سرد خانه خود رهایی یابند.

مواردی خلاف این باور وجود دارد؛ یعنی خانواده‌های کم‌تعدادی هستند که مورد محبت والدین خود قرار نگرفته‌اند و برعکس، خانواده‌های پرجمعیتی که سرشار از عشق و محبت بوده‌اند. حتی گاهی مشکلاتی از قبیل وابستگی، عدم استقلال، پرتوقعی و... که در برخی تک‌فرزندها یا خانواده‌های کم‌فرزند دیده می‌شود، در فرزندان خانواده پر جمعیت کمتر مشاهده می‌شود.

در موارد فراوانی، کمبودهای اقتصادی و مالی در خانواده‌های پرتعداد (البته اگر بوده باشد)، از فرزندان آنان، افرادی کم‌توقع و سازگار ساخته است که زندگی با آنان بسیار راحت‌تر از کسانی است که در ناز و نعمت بزرگ شده‌اند؛ پس ملاک در ازدواج نباید مسائلی از این قبیل (تعداد فرزندان خانواده) باشد.

ازدواج با صاحبان مشاغل مهم

خواستگارانم به طور معمول، افرادی با شغل‌های مهم و حساس هستند و می‌ترسم به سبب مشغله‌های کاری نتوانند به زندگی زناشویی خود برسند. آیا این نگرانی بجا است؟

این افراد، پیش‌تر با کار خود ازدواج کرده‌اند. فشار کار و خستگی ناشی از آن، جلسات متعدد، کشیک‌ها، مأموریت‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی نشده و... از لوازم این گونه شغل‌ها است که به طور طبیعی بر زندگی زناشویی اثر می‌گذارد؛ البته افرادی هم هستند که با وجود شغل‌های مهم و وقت‌گیر، با برنامه‌ریزی درست می‌توانند افزون بر کار خود، به زندگی هم برسند؛ اما تعدادشان اندک است.

در صورتی که تصمیم گرفتید با چنین خواستگاری ازدواج کنید، فریفتهٔ ستاره‌ها و قپه‌های سرشانه نظامی و نیروی انتظامی، قدرت سیاستمدار، درآمد جراح، جایگاه اجتماعی استاد، شهرت هنرپیشه و... نشوید و ورای این‌ها یعنی مشکلات پیش‌گفته را هم ببینید تا شغل همسرتان «هووی» شما نشود.

طبیعی است که ازدواج با این افراد، شما را به ثروت و امکانات مادی، احترام و توجه و شهرت می‌رساند؛ اما شوهرتان را کمتر کنار خویش خواهید دید.

در صورتی به این خواستگاران پاسخ مثبت دهید که قدرت تحمل این مشکلات و تطابق با آن‌ها را دارید. شما باید آماده باشید که بدون حضور همسر برای زندگی خود (تفریح، دیدار نزدیکان، خرید، مسافرت و...) برنامه‌ریزی کنید.

ازدواج با هم‌شغل

پزشک هستم و دوست دارم با پزشک ازدواج کنم. آیا ازدواج با هم‌شغل آن قدر ارزش دارد که برای خواستگاری با این ویژگی صبر کنم؟

ازدواج با هم‌شغل فواید و امتیازاتی دارد:

۱. فضای فکری شما با او هماهنگ است؛

۲. با زوایای گوناگون این شغل آشنایید و کمتر دچار ابهام می‌شوید؛ زیرا می‌دانید که مدت زمان حضور همسرتان در محل کار (مطب) با توجه به تعداد بیماران یا بر اثر کاستی و فزونی بیماران در فصل‌های مختلف فرق

می‌کند؛

۳. مشکلات کار (شیفت‌های کاری و احضارهای ضرور) را بـه سـبب آشنایی با آن بهتر درک می‌کنید و پذیرش آن‌ها برایتان قابل قبول‌تر است؛

۴. اشتغال شما و حضور نامنظمتان در منزل بـه عـلل پیش‌گفته بـرای هـمسرتان نـیز پـذیرفته‌شده‌تر است؛ بـنابرایـن، انـدیشه خـوبی است کـه می‌خواهید با هم‌شغل خود ازدواج کنید؛ اما توجه داشته باشید که با گذراندن دوره تـحصیلات پـزشکی، سـنتان بـالا رفـته و بـه مـیزان بـالا رفـتن سـن، فرصت‌های ازدواج کمتر شده و نگرانی از این است که اگر بر این شرط خود پافشاری کنید، سنتان همچنان بالاتر رود و فرصت‌ها تقریباً از بین برود یا در صورت ازدواج در سن بالا، مشکلات مربوط به بارداری و زایمان افزون‌تر شود (ر.ک: ص۳۵و۳۶).

امتیازات اشتراک در شغل، منحصر به پزشکی نیست؛ بـلکه دربـاره دو پلیس، دو معلم، دو مبلّغ، دو مهندس و... نیز صادق است.

همتایی در رشته تحصیلی (علوم انسانی، علوم پـایه، هـنر و...) نـیز بـا وجود شغل‌های متفاوت، برخی از امتیازات پیشین را دارد؛ اما لازم نیست بر آن پافشاری شود.

ازدواج با دختران چشم آبی

شنیده‌ام که رسول گرامی اسلامﷺ فرموده‌انـد: بـا دخـتران چشـم آبـی ازدواج نکنید. علت آن چیست؟

روایتی که شما شنیده‌اید، این است که با «شهیره» (زن چشم آبی بددهن)

ازدواج نکنید[1] که با استفاده از روایات دیگـر مـوجود در کـتاب‌های مـعتبر روایی شیعی می‌توان این گـونه بـرداشت کـرد کـه در ایـن روایت، ویـژگی بددهنی مورد نظر حضرت بوده است.

امام صادقؑ از قول پدر بزرگوارش و او نـیز از قـول رسـول خـداﷺ روایاتی را با عبارت‌های گوناگون ذکر کرده که فرموده است: با دختران چشم آبی ازدواج کنید؛ زیرا در آنان برکت است:

تَزَوَّجُوا الزُّرقَ فَاِنَّ فیهِنَّ یُمْناً.[2]

تَزَوَّجُوا الزُّرقَ فَاِنَّ فیهِنَّ اَلْیُمنَ.[3]

تَزَوَّجُوا الزُّرقَ فَاِنَّ فیهِنَّ اَلْبَرَکَةَ.[4]

۱. حر عاملی، ***وسائل الشیعه***، ج ۲۰، ص ۳۶.
۲. همان، ص ۵۸.
۳. کلینی، ***کافی***، ج ۵، ص ۳۲۵.
۴. شیخ صدوق، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۳، ص ۳۸۷.

شناخت ویژگی‌ها

معیار شناخت

برای شناخت فرد مقابل در ازدواج، معیار مشخصی ندارم. چه کنم؟

برای شناخت طرف مقابل، حتماً باید اول خودتان را بشناسید. باید ویژگی‌های خود، نقاط قوت و ضعف و تیپ شخصیتی خویشتن یعنی درونگرایی و برونگرایی (ر.ک: ص۱۸۲و۱۸۳) را بشنایسد و تا زمانی که این اتفاق نیفتد، برای انتخاب، سردرگم خواهید بود.

انتخاب‌های ما به طور معمول در هر زمینه‌ای (خودرو، منزل، لباس، کفش و...) با توجه به سلیقه و نیاز ما است. در ازدواج به سبب اهمیت آن، افزون بر توجه به سلیقه، به مسائل پیش گفته نیز باید توجه کرد.

یادمان باشد که لازمه دیگرشناسی و انتخاب درست، خودشناسی است.

دینداری

دلیل تأکید فراوان بر ویژگی «دینداری» در ازدواج چیست؟

تأکید بر ویژگی دینداری در ازدواج، برای کسی است که خود به ارزش‌های دینی اعتقاد دارد؛ وگرنه ازدواج غیرمتدین با متدین در صورتی که فاصله زیاد باشد، اصل همتایی در ازدواج را نقض می‌کند و مشکلاتی جدی را در زندگی زناشویی پدید خواهد آورد.

تأکید بر این ویژگی بدین لحاظ است که دیندار به سبب فرمان خدا، حقوق همسر را در زندگی مشترک بهتر رعایت می‌کند. متدین، ممکن است نقص‌های دیگر همسرش را تحمل کند؛ اما نقص بی‌دینی او را هرگز نمی‌تواند برتابد؛ زیرا به بسیاری از احکام الاهی از جمله غسل، طهارت جسم و... عمل نخواهد کرد و حتی ممکن است مانع اعمال دینی و وظایف شرعی همسرش نیز بشود؛ به همین دلیل است که رسول خداﷺ فرمود:

کسی که دختر عزیز و باکرامتش را به فردی فاسق شوهر دهد، روزی هزار بار نفرین بر او فرود می‌آید.[1]

افزون بر این، دیندار واقعی، پرهیزکار است و از خدا می‌ترسد و به سبب این خداترسی، از جاده انصاف خارج نمی‌شود و بر همسر خود ستم روا نمی‌دارد (ر.ک:ص۱۴۷ـ۱۴۹).

انسان دیندار، عفت را رعایت می‌کند و با این عفت مانع از مفاسد خانوادگی و اجتماعی می‌شود.

شخص مؤمن به دین، حجب و حیا دارد؛ زیرا امام صادقؑ فرمود:

۱. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۵، ص۲۷۹.

لا اِیمانَ لِمَن لا حَیاءَ لَهُ.[1]

کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد.

دین، مهم‌ترین عامل آرامش و تکیه‌گاه محکمی برای مشکلات زندگی مشترک است. بر اساس پژوهش میدانی امیل دورکیم (Emil Darkheim) در کتاب **خودکشی**، میزان اضطراب در جوامع دینی و بین دینداران به مراتب کمتر از جوامع غیردینی است و آن به دلیل اعتقاد به خدا است که جلو نگرانی‌ها را می‌گیرد.

یونگ (Unge) روان‌شناس شهیر غربی بر این باور است که اعتقاد به مذهب، جلو نگرانی‌ها را می‌گیرد دلهره زهر، و پادزهر آن اعتماد و اعتقاد به خدا است.

حتی فروید نیز که به دین، بدبینانه می‌نگرد، مذهب را برای همه بشر، تسکین‌دهنده دردها و رنج‌های زندگی می‌داند و این همه به دلیل توکل به خدا است که انسان دیندار از آن غفلت نمی‌کند.

امام علیؑ می‌فرماید:

لَیْسَ لِمُتَوَکِّلٍ عِناءٌ.[2]

کسی که به خدا توکل می‌کند، هرگز رنجشی نخواهد داشت.

بر اساس نتیجه‌ای که آقای کوپر اسمیت (Cooper Smith) با استفاده از پرسشنامه حرمت خود (Self esteem Test) به دست آورده، حدود ۲۰ تا ۶۰ درصد آرامش انسان‌ها به سبب توکل به خدا است.

آرامش دیندار، وقتی با آرامش ناشی از ازدواج «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم

۱. کلینی، *کافی*، ج۲، ص۱۰۶.

۲. آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ج۵، ص۷۲.

مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»[۱] همراه می‌شود، ارزش‌ها بروز می‌کند و زمینه‌ساز عشق و تقرب به خدا خواهد شد.

اخلاق

مگر نه این است که انسان متدین، حتماً متخلّق هم هست؛ پس چرا در ملاک‌های ازدواج، دیانت از اخلاق جدا می‌شود؟

در باب تعریف دین و اخلاق و جدایی آن‌ها از هم، مباحث فراوانی بین دانشمندان از جمله کانت (Kant) مطرح است که جای بحث آن، این نوشتار نیست.

دلیل تأکید روایات دینی ما بر اخلاق به طور مستقل و جدا از دین، اهمیت آن است. رسول بزرگوار اسلامﷺ فرمود:

اِذا جَائَكُم مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَه و دينَهُ فَزَوِّجُوه.... .[۲]

اگر از اخلاق و دین خواستگار راضی بودید، دخترتان را به ازدواج او درآورید.

«خُلُق» به معنای صفات پسندیده از جمله صداقت، قناعت، عطوفت و مهربانی، خوش‌قولی، خوش‌زبانی، وقار، صبر، گذشت، سپاسگزاری، فداکاری، سازگاری و... است که اگر در کسی وجود داشته باشد، او را متخلّق و همسری خوب و شایسته گویند که به تعبیر رسول رحمتﷺ بالاترین نعمت

۱. روم (۳۰)، ۲۱.
۲. کلینی، *کافی*، ج۵، ص۳۴۷.

پس از اسلام است که نصیب انسان می‌شود.[۱]

اگر شخصی از این ویژگی‌ها دور، و به صفات ناشایستی چون بدبینی، بددهنی، خشونت، بی‌ادبی، جاه‌طلبی، خودپسندی و... دچار باشد، فردی بداخلاق است که در آموزه‌های دینی ما از ازدواج با او نهی شده.

حسین بن بشار در نامه‌ای به امام کاظمؑ نوشت: اِنّ لی قَرَابَةً قَدْ خَطَبَ اِلَيَّ اِبْنَتی و فی خُلُقِه سُوء؛ یکی از نزدیکانم دخترم را خواستگاری کرده؛ در حالی که اخلاق بدی دارد [چه کنم؟] حضرت در پاسخ فرمود:

لاتُزَوِّجْه اِنْ کانَ سَيِّيءَ الْخُلُقِ.[۲]

اگر بداخلاق است، دخترت را به ازدواج او در نیاور.

دلیل این همه تأکید بر اخلاق، این است که بر اساس روایات دینی ما، همسر بداخلاق، کوبنده‌ترین دشمن مؤمن است.[۳]

اصل این است که انسان متدین، متخلق هم باشد و متدینان واقعی این‌گونه‌اند؛ اما گاهی شخص به ارزش‌های دینی معتقد است و احکام آن را نیز اجرا می‌کند؛ ولی به برخی از مسائل اخلاقی پیش گفته عمل نمی‌کند؛ پس در انتخاب خود، صرفاً به دیانت طرف توجه نکنید و ویژگی‌های اخلاقی او را نیز در نظر بگیرید.

زید بن حارثه که فرزند خوانده رسول خدا بود و از لحاظ دیانت مقام والایی داشت و زینب نیز که مؤمن و دختر عمه پیامبر بود، به سبب عدم تفاهم اخلاقی از هم جدا شدند.

۱. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۲۳.
۲. شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج۳، ص۴۰۹.
۳. حرعاملی، *وسائل الشیعه*، ابواب مقدمات نکاح، باب۴، ح۴.

اصالت خانوادگی

از کجا بفهمیم که شخص مورد نظرمان برای ازدواج، خانواده اصیلی دارد و چرا این قدر بر ویژگی اصالت تأکید می‌شود؟

اصالت خانوادگی به معنای سلامت نفس خانواده و صالح و خوشنام بودن آنان است که هرقدر گستره‌اش بیشتر باشد (نسل‌های پیاپی) بهتر است.

تأکید بر ویژگی اصالت، برای خانواده‌های اصیل است تا بینشان همتایی وجود داشته باشد.

دلیل توجه اولیای الاهی به مسأله اصالت خانوادگی، تأثیر ژن و تربیت بر فرزند آنان است. امام صادقؑ فرمود:

تَزَوَّجُوا فِی الْحِجْزِ الصّالِحِ فَاِنّ الْعِرْقَ دَسّاسٌ.[۱]

در مکان صالح [=خانواده اصیل] ازدواج کنید؛ زیرا ژن اثرگذار است.

نهی رسول خداﷺ از ازدواج با سبزه مزبله نیز به همین سبب است:

اِیّاکُم وَ خَضْراءَ الدِّمَنِ. قیلَ یا رَسُولَ اللهِ ما خَضْراءُ الدِّمَنِ؟ قالَ: اَلْمَرْأَةُ الْحَسْناءِ فی مَنْبَتِ السُّوءِ.[۲]

از سبزه مزبله بپرهیزید. سؤال شد: ای رسول خدا! سبزه مزبله چیست؟ فرمود: دختر نیکویی که در محیطی آلوده رشد کرده است.

نهی از ازدواج با دختر نیکویی که در خانه آلوده به گناه و فسق و فجور

۱. طبرسی، ***مکارم الاخلاق***، ص۱۹۷.
۲. علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، ج۱۰۰، ص۲۳۲.

(شرابخواری پدر، ارتباطات ناسالم مادر و...) رشد کرده و در خانواده‌ای غیراصیل بوده، بدان علت است که پدر و مادر، هم از جهت تربیت و هم به لحاظ ژن و وراثت بر شخصیت فرزند اثر جدی می‌گذارند و ممکن است نطفه او در حال مستی پدر یا افکار آلوده مادر بسته شده و بر روح و روانش اثر گذاشته باشد.

این تأثیر، از دیگر اعضای خانواده و نزدیکان نیز ممکن است باشد؛ به همین دلیل درباره دایی و خاله نیز فرموده‌اند:

تَخَیَّرُوا لِنُطَفِکُم فَاِنَّ الْخالَ اَحَدُ الضَّجیعَیْنِ.[۱]

[در ازدواج] برای نطفه‌هایتان دقت کنید؛ زیرا دایی جایگاه یکی از والدین را دارد.

تَخَیَّرُوا لِنُطَفِکُم فَاِنّ النِّساءَ یَلِدْنَ اَشْباهَ اِخْوانِهِنَّ وَ اَخَواتِهِنَّ.[۲]

در انتخاب نطفه‌هایتان [برای ازدواج] دقت کنید؛ زیرا زنان، شبیه برادران و خواهرانشان فرزند به دنیا می‌آورند.

گزینه مناسب برای ازدواج با چنین دختر نیکویی که خود مشکل ندارد و خانواده خوبی نداشته، پسری با شرایط مشابه است؛ زیرا ازدواج او با کسی که خانواده اصیلی دارد، همتایی خانوادگی (ر.ک: ص ۱۵۰) را نقض می‌کند.

۱. همان، ص۲۳۶.
۲. متقی هندی، ***کنزالعمال***، ج ۱۶، ص۲۹۵.

خوشبختی

خواستگاری دارم که از دوم راهنمایی ترک تحصیل کرده و ۸ سال است بی‌کار می‌گردد و ویژگی‌ها و دوستان خوبی هم ندارد. آیا می‌تواند مرا خوشبخت کند؟

به نظر شما آیا خود او خوشبخت است؟! کسی که چنین شرایطی را دارد، به طور قطع خوشبخت نیست و دیگران او را آدم خوشبختی نمی‌دانند؛ پس کسی که نتوانسته خود را خوشبخت کند، چگونه می‌تواند شما را به خوشبختی برساند؟!

شما می‌دانید که بر اساس «حب ذات»، انسان‌ها پیش از این که دیگران را دوست داشته باشند، خود را دوست دارند؛ پس او اول باید خود را خوشبخت می‌کرد. حال که چنین نکرده، اطمینانی به خوشبخت کردن شما نیست.

ذات نایافته از هستی‌بخش چون تواند که شود هستی‌بخش

صداقت

از کجا بفهمیم که نامزدمان در گفت وگوهای خواستگاری راست می‌گوید؟

اصل در گفت و گوی ازدواج باید بر صداقت باشد. در روایات دینی ما، نجات و رهایی را در راستگویی، و کلید همه گناهان را دروغگویی دانسته‌اند.[۱]

۱. کلینی، *کافی*، ج۲، ص۳۳۹.

کسی که زندگی خود را با دروغ آغاز می‌کند، برای پوشاندن هر دروغ باید دروغ‌های دیگری بگوید که به قول امام باقرؑ نتیجه‌اش نابودی ایمان است «اِنَّ الْکَذِبَ هُوَ خَرابُ الْاِیمانِ».[۱]

دروغ سرانجام آشکار و اعتماد همسر از شخص سلب می‌شود و او را فریبکار خواهد دانست و روشن است که زندگی بدون اعتماد و بنا شده بر نیرنگ، هیچ قوام و دوامی نخواهد داشت.

برخی در گفت و گوی ازدواج، دروغ‌هایی را تحت عنوان دروغ مصلحتی می‌گویند و گمان می‌کنند که با تغییر دادن نام دروغ، گناه بودن آن از بین می‌رود.

دروغ مصلحتی یا جایز در شرع مقدس اسلام، مربوط به جنگ، اصلاح بین مردم و در ضرر مالی یا جانی مهم به خود یا مسلمان دیگر است.[۲]

برای پی بردن به صداقت نامزد، حتماً باید درباره محتوای گفت و گوها با دیگر اعضای خانواده تبادل فکر کرده، از مشاوری آگاه و با تجربه کمک گرفت و در صورت مشاهده تناقض‌هایی در گفتار او، با استفاده از تحقیقات جدی‌تر، آن تناقض‌ها را از بین برد.

افزون بر این، راهکارهای دیگری نیز برای پی بردن به صداقت نامزد وجود دارد:

۱. همراهی کامل و صد در صد با شما و پذیرش تمام خواسته‌هایتان بدون چون و چرا و اعلام توافق و تفاهم کامل، رائحه خوبی ندارد؛ چون امکان ندارد دو نفر مثل هم باشند (ر.ک: ص۱۴۲و۱۴۳).

۱. همان.
۲. عبدالحسین دستغیب، *گناهان کبیره*، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. طرح سؤالات معکوس می‌تواند آنچه را در دل دارد، برای شما آشکار سازد؛ برای مثال اگر می‌خواهید بفهمید اهل معاشرت هست یا نه، از او بپرسید: شخصی که می‌خواهید با او ازدواج کنید، اگر اهل معاشرت نباشد، چه می‌کنید؟ اگر خود اهل معاشرت نباشد، با شما مخالفتی نخواهد کرد.

۳. افزون بر شنیدن سخنان او، به رفتارهایش نیز توجه کنید تا ببینید آیا بین ادعا و عملش تناسب وجود دارد.

اگر ادعای نماز خواندن دارد، نمازش را اول وقت اقامه می‌کند؟ اگر ادعای تسلط بر قرآن دارد، آیا چند آیه از آن را می‌تواند درست تلاوت کند؟ او که ادعا می‌کند اهل غیبت و تهمت به دیگران نیست، غیبت می‌کند و تهمت می‌زند؟ و آیا در برابر غیبت و تهمت دیگران، عکس‌العمل نشان می‌دهد؟

اگر ادعای اخلاق دارد، آیا مؤدبانه می‌نشیند؛ به احترام دیگران بلند می‌شود؛ جلو بزرگ‌ترها پاهایش را روی هم نمی‌اندازد؛ توی حرف دیگران نمی‌پرد، و از واژگان نازیبا و ویژه بی‌ادبان استفاده نمی‌کند؟

اگر ادعای پشتکار دارد، آیا در سال‌های گذشته در کار و تحصیل خود موفق بوده است؟ اگر ادعا می‌کند اهل مطالعه است، آیا چند جلد کتاب مناسب در اتاقش یافت می‌شود؟ اگر ادعای نظم دارد، به موقع در زمان معیّن سر قرار حاضر می‌شود؟ و... .

۴. اگر شما شرایط ویژه‌ای دارید؛ برای مثال وضعیت مالی پدرتان خوب است و تردید دارید که برای ارزش‌های خودتان می‌خواهد ازدواج کند یا هدف دیگری دارد می‌توانید به او بگویید تصمیم دارید کاملاً مستقل باشید و از دارایی پدرتان هرگز استفاده نکنید.

اگر خانم شاغلی هستید و درآمدی دارید و احتمال می‌دهید بدین منظور

به خواستگاریتان آمده، بگویید که قصد ندارید درآمدتان را در زندگی مشترک صرف کنید. مطمئن باشید که اگر با این هدف قصد ازدواج داشته باشد، منصرف خواهد شد.

سلامت جسم و روح

از کجا می‌توان تشخیص داد که شخص مورد نظر برای ازدواج، در سلامت جسمی و روحی به سر می‌برد؟

اگر به هر دلیلی (نشانه‌هایی در چهره یا رفتار و...) در سلامت جسم و روح شخص تردید دارید، گزارشی از وضعیت جسمی و روحی خودتان را ارائه دهید و به او بگویید که من در سلامت کامل به سر می‌برم، شما چطور، و دفترچه درمانی خود را در اختیارش قرار دهید تا او نیز چنین کند.

اگر با پاسخ او تردیدتان برطرف نشد و دفترچه درمانی خود را در اختیارتان قرار نداد، بگویید: برای این که خیالتان راحت باشد، می‌خواهم تحت معاینات پزشکی قرار گیرم و گواهی سلامت ارائه کنم و گواهی سلامت خود را ارائه دهید.

اگر این کار را نکرد و گواهی سلامت خود را ارائه نداد، بگویید: من گواهی‌ها را ارائه دادم، شما نمی‌خواهید آن‌ها را نشان دهید؟ خانواده من مایلند این گواهی‌ها را ببینند.

اگر پس از این مراحل، همچنان بی‌توجهی کرد می‌تواند هشداری بر وجود مشکل باشد که باید دقت کرد.

درونگرایی

خانمی که به خواستگاری‌اش رفته‌ام، بسیار کم‌حرف و گوشه‌گیر است. آیا می‌توان گفت شخص درونگرایی است؟

درونگرایی، یک تیپ شخصیتی است و نمی‌توان آن را اختلال دانست.

درونگرایان، منزوی و جمع‌گریزند و از خلوت خود بیشتر لذت می‌برند. وقتی هم که در جمع قرار می‌گیرند، ارتباط چشمی و کلامی آنان اندک است و در برابر عمل دیگران، عکس‌العمل جدی از خود نشان نمی‌دهند.

آنان به طور معمول گمان می‌کنند که زیر نگاه دیگرانند؛ به همین سبب خیلی اهل مهمانی رفتن و مهمانی دادن و مسافرت‌های جمعی نیستند و همین نکته، درونگرایی آنان را بیشتر می‌کند.

علل پدید آمدن این تیپ شخصیتی، افزون بر وراثت، انتقال از والدین که الگوهای رفتاری هستند، نوع برخورد دیگران که به آنان کمتر میدان داده‌اند، افسردگی، و تضادهای فرهنگی در پی مهاجرت‌ها است (آنان که در اقلیت‌های خاصی قرار می‌گیرند).

توجه داشته باشید که اگر خودتان برونگرای صرف و نامزدتان درونگرای صرف هستید، در زندگی زناشویی دچار مشکل خواهید شد؛ اما اگر فاصله زیادی از این لحاظ ندارید، مشکلی پدید نخواهد آمد.

حدود ۹۲ درصد از مردم بر اساس تشابهات جذب دیگران می‌شوند و حدود ۸ درصد بر اساس تفاوت‌ها تا نواقص خود را با آنان کامل کنند؛ برای مثال، بی‌نظم سراغ منظم می‌رود؛ بدبین به خوش‌بین گرایش می‌یابد؛ عصبانی

سراغ خونسرد می‌رود؛ غمگین به دنبال شاد می‌گردد و درونگرا به سمت برونگرا می‌رود که درست نیست.

این انتخاب برای ازدواج، ممکن است تا مدتی جذاب و مطلوب باشد؛ اما پس از مدتی، مشکلات این عدم همتایی خود را نشان خواهد داد.

خط فکر سیاسی

آیا شناخت خط فکر سیاسی همسر آینده پیش از ازدواج لازم است و آیا دو خطر فکر سیاسی متضاد، مشکلی در زندگی آینده ایجاد خواهد کرد؟

مقصود از خط فکر سیاسی، طرز فکر در مورد هیأت حاکمه و نظام سیاسی کشور است.

شناخت خط فکر سیاسی همسر آینده پیش از ازدواج لازم است؛ زیرا در صورت انتساب خانم و آقا به دو حزب و گروه سیاسی متضاد (چه فعالیت سیاسی داشته باشند و چه نداشته باشند)، اگر متعصب بوده، در بینش خود انعطاف نشان ندهند، احتمال بروز مشکل و ایجاد تنش زیاد است.

در صورتی این تضاد سیاسی قابل تحمل است که اختلاف زیاد نباشد و هر دو بر فکر خود تعصب نورزند.

اگر یکی سیاسی باشد و دیگری وابستگی سیاسی به حزب و گروهی نداشته باشد و با عقاید همسرش نیز مخالفتی نکند، مشکلی پدید نخواهد آمد.

شناخت معایب

اعتیاد به مواد مخدر

خواستگاری دارم که پیش‌تر معتاد بوده و اکنون ادعا دارد که ترک کرده. از چه راه‌هایی می‌توان اطمینان یافت که ادعایش درست است؟

برای تشخیص ترک اعتیاد، راه‌های گوناگونی وجود دارد:

۱. نشانه‌های قابل مشاهده: دقت در وضعیت چهره و توانمندی جسمی او، توجه به عملکردش (انگیزه برای تلاش و کار)، توجه به میزان اراده او در امور (با توجه به این که اعتیاد، سندرم بی‌انگیزگی را در فرد ایجاد می‌کند) می‌تواند نشانه‌ای بر ترک باشد؛ گرچه کافی نیست.

۲. توجه به نوع ترک: با توجه به این که اعتیاد، بیماری است، روش ترک فردی (روش سیاهچال معروف به زینال) چندان نتیجه نمی‌دهد. اگر ترک او تحت نظر مراکز معتبر ترک و با استفاده از روان‌درمانی، روان‌پزشکی و گروه‌درمانی صورت گرفته و برای تداوم ترک، از NGOها، یعنی انجمن‌هایی

مانند NA[1] (معتادان بی‌نام)، تولد دوباره و کنگره ۶۰ استفاده کرده می‌تواند نشانه‌ای بر ترک واقعی باشد.

۳. مشاوره با روان‌پزشک: روان‌پزشک می‌تواند با آگاهی از نوع مصرف و مدت مصرف شخص، میزان احتمال ترک را به شما بگوید و در ایجاد اطمینان شما مؤثر باشد.

۴. تشخیص‌های تخصصی: آزمایش و معاینه ناگهانی و بدون اطلاع قبلی فرد می‌تواند گویایی داشته باشد. در آزمایش با اطلاع قبلی، امکان استفاده شخص از ضد مخدرها و فریب وجود دارد.

افزون بر آزمایش معمول اعتیاد، کیت‌های جدیدی نیز برای تشخیص اعتیاد به کراک و کریستال وجود دارد.

راه دیگر، معاینه میوز مردمک است. با توجه به این که مصرف مواد مخدر بر انقباض مردمک چشم اثر می‌گذارد، وقتی متخصص با چراغ قوه، رفلکس نور می‌گیرد، چشم معتاد نمی‌تواند پاسخ مثبت دهد یا پاسخ آن بسیار ضعیف خواهد بود و این بدان معنا است که شخص همچنان اعتیاد دارد.

تست‌های کبدی نیز راهکار مناسب دیگری برای تشخیص‌های تخصصی اعتیاد است.

1 . Narcotics Anonymous.

عدم تعادل روحی

نامزدم رفتارهایی دارد که در تعادل روحی‌اش تردید کرده‌ام. از کجا می‌توان فهمید که شخص تعادل روحی ـ روانی ندارد؟

۱. عدم‌انسجام در سخنان: وقتی سخن می‌گوید، مطالب بی‌ربطی را بر زبان جاری می‌کند و حرف‌هایش معنا و مفهوم روشنی ندارد. وقتی از او سؤالی می‌کنید، کلی به حاشیه می‌رود و سرانجام هم پاسخ شما را نمی‌دهد.

۲. حرکات و سکنات غیرعادی: در سخنانش مکث‌های غیرمتعارف و توقف فکر دارد و گاهی پس از اتمام جمله‌اش، بی‌درنگ به نقطه‌ای خیره می‌شود.

۳. ظاهر غیرمتعارف: لباس‌هایی غیرمتعارف می‌پوشد؛ کت و شلواری تنگ و کوتاه و گاهی لباس مخالف فصل بدین صورت که در زمستان با پیراهن آستین کوتاه و در تابستان با پالتو ظاهر می‌شود.

۴. ادعاهای غیرواقعی: ادعا می‌کند که ساحران و جادوگران می‌خواهند به او آسیب برسانند یا دشمن، دستگاه شنود گذاشته و می‌خواهد سخنانش را شنود کند؛ به همین دلیل گاهی آرام و محتاطانه سخن می‌گوید.

۵. تیک‌های صوتی: در مواردی، تیک (پرش عصبی) صوتی دارد؛ البته پرش عصبی لزوماً به معنای عدم تعادل روحی نیست و می‌تواند نشانه‌ای همراه نشانه‌های دیگر باشد.

۶. عملکرد نامطلوب: چندین سال در شغل یا تحصیلش عملکرد طبیعی و ثابتی نداشته است.

تندخویی

آقایی که قصد ازدواج با او را دارم، گاهی تندخویی می‌کند. این مسأله چقدر نگران‌کننده است؟

تندخویی معمول و موردی اشکالی ندارد و همه درجه‌ای از آن را دارند. این گونه تندخویی‌ها را با تدبیر و محبت و مهربانی و با از بین بردن زمینه‌های آن می‌توان کاهش داد.

تندخویی‌هایی نگران‌کننده است که عصبی و غیرعادی باشد بدین شکل که چشم‌ها قرمز می‌شود؛ رنگ چهره تغییر می‌کند؛ دست‌ها و گاهی بدن می‌لرزد؛ شخص دچار تپش شدید قلب می‌شود؛ اشیای دم دست را پرت می‌کند؛ به شیشه یا میز مشت، و سر خود را به دیوار می‌کوبد و خود یا دیگران را کتک زده، بعد هم پشیمان می‌شود.

اگر هنگام تندخویی چنین نشانه‌هایی وجود داشته باشد، اختلال در سیستم عصبی است که اغلب قابل درمان است و برای درمان باید به روان‌پزشک مراجعه کند.

اگر تندخویی‌های نامزد شما با برخی از این نشانه‌ها همراه است و دچار تردید شده‌اید، درباره او در این زمینه بیشتر تحقیق کنید (ر.ک: ص۱۹۹ـ۲۰۶) و می‌توانید او را در محل کار یا خیابان به وسیله یکی از نزدیکانتان بیازمایید.

بددلی و سوء ظن

نامزدم به شدت به من سوء ظن دارد و دائم درباره رفت و آمدها و ارتباطاتم می‌پرسد. آیا این رفتارها می‌تواند نشانه بیماری بددلی باشد؟

اگر در مورد ارتباطات شما می‌پرسد و با پاسخ شما و دلیلی که می‌آورید، قانع می‌شود، یعنی استدلال‌پذیر است، اختلال نیست؛ اما اگر استدلال نمی‌پذیرد و رفتار خود را تکرار کرده، رفتارهایی غیرعادی از خود بروز می‌دهد، در حالی که شما هم زمینه این بدگمانی‌ها را ایجاد نکرده‌اید، بیمار و به اختلالی به نام «اختلال هذیانی» یا «هذیان زناشویی» مبتلا است. این اختلال در زنان هم وجود دارد.

برخی از رفتارهایی که می‌تواند شما را مطمئن سازد که نامزدتان اختلال هذیانی دارد، از این قرار است:

۱. درباره صحبت کردن شما با دیگران و حتی خنده‌های عادی‌تان حساسیت زیاد نشان می‌دهد؛

۲. درباره پوشش مناسب شما دائم تذکر می‌دهد؛

۳. وقتی در جمعی قرار می‌گیرید یا برای مقدمات ازدواج از جمله آزمایش یا خرید می‌روید، نگاه‌های معنادار می‌کند و چشم غرّه می‌رود؛

۴. شما را دائم کنترل می‌کند و بسیار حرص می‌خورد؛

۵. درباره دیده‌بوسی و حتی احوالپرسی با محارمی از جمله عمو، دایی، خواهرزاده و برادرزاده نیز حساسیت نشان می‌دهد و موافق نیست؛

۶. از شما سؤالاتی غیرعادی می‌پرسد؛ از جمله این که از چه زمانی تلفن همراه داشته‌ای؟ آیا مزاحم تلفنی هم داشته‌ای؟ آیا پسرخاله یا پسرعموی

بزرگ‌تر یا هم‌سن خود داری؟ مسیر دانشگاه یا مدرسه یا محل کار به خانه را چگونه می‌رفتی؟ در صورت استفاده از آژانس، راننده آن مرد بود یا زن و... ؛

۷. برای زندگی آینده خود با شما شرایط سختی را قرار می‌دهد؛ از جمله این که با هیچ نامحرمی نباید ارتباط داشته باشی. در برابر محارم نیز باید از پوشش کامل استفاده کنی و... .

اگر با مشاهده این حالت‌ها اطمینان یافته که نامزدتان بیمار است، ورود به زندگی مشترک با او، مشکلات بسیاری را برایتان فراهم خواهد کرد که یا باید تا آخر عمر بسوزید و بسازید و یا به جدایی رضایت دهید.

او ممکن است شما را در منزل حبس، و رابطه‌تان را با همه نزدیکان حتی محارم قطع کند. سرکشی‌های پیاپی به منزل حتی وسط روز و وقت کاری، تلفن‌های پی در پی برای اطمینان از بودن شما در منزل یا مشغول نبودن تلفن، تعقیب‌ها و بررسی‌های غیرمنطقی و... نمونه‌هایی از فشارهای زندگی بر شما است. او حتی ممکن است با دیدن خواب آشفته‌ای درباره شما پرخاشگری کند و قشقرق راه بیندازد.

خساست

خواستگار من وقتی به خواستگاری‌ام آمد، گل و شیرینی نیاورد. آیا ممکن است خسیس باشد؟

گل و شیرینی نیاوردن خواستگار به تنهایی نمی‌تواند نشانه خسیس بودن او باشد، مگر این که با قراین و نشانه‌های دیگری همراه شود.

برای رسیدن به اطمینان، از راهکارهای ذیل استفاده کنید:

۱. به پاسخ او در جلسه اول گفت و گو یعنی محور ششم از سؤالات اختصاصی خانم که درباره سطح زندگی بود، توجه کنید و ببینید چه پاسخی داده است؛

۲. دوباره درباره سطح زندگی (البته شفاف‌تر و مصداقی‌تر) سؤال کنید. ممکن است پیش‌تر گفته باشد: می‌خواهم سطح زندگی معمول و متعارفی داشته باشم. حال از او بپرسید: می‌خواهید سطح زندگیتان مانند چه کسی از نزدیکان باشد تا شفاف‌تر پاسخ دهد؛

۳. درباره خرید لوازم مورد نیاز زندگی از جمله خودرو یا لوازم برقی بپرسید. خسیسان خودرو نمی‌خرند به این بهانه که بچه‌ها روی آن خط می‌اندازند. لوازم برقی نمی‌خرند به بهانه این‌که مصرف برق بالا می‌رود؛

۴. نظر او را درباره اسراف و حد آن بپرسید. خسیسان به طور معمول، خود و خانواده را از نیازمندی‌های اولیه محروم می‌کنند و معتقدند که خرید آن‌ها اسراف است.

توجه داشته باشید که اگر در زندگی مشترک، زن خسیس باشد، مشکل جدی ایجاد نمی‌شود؛ چون تأمین نیازهای زندگی به عهده او نیست. اگر زن و مرد هر دو خساست داشته باشند، فشار روانی نخواهند داشت و فقط به سختی زندگی می‌کنند و فرزندانشان را در تنگنا قرار می‌دهند؛ اما اگر مرد خسیس و زن با سخاوت باشد و به‌ویژه در منزل پدری خود در ناز و نعمت بوده باشد، بسیار رنج خواهد برد.

وسواس عملی

نامزدم در شست و شو و وضو وسواس دارد. آیا این گونه وسواس‌ها اختلالی در نظام زندگی ایجاد نمی‌کند؟

وسواس عملی، رفتارهایی ناخواسته و غیراختیاری است که پی در پی و به اجبار از شخص سر می‌زند؛ به همین سبب به آن «اختلال وسواس اجبار» گفته می‌شود.

این رفتارها ممکن است در شست و شو، طهارت، غسل کردن، نماز خواندن، بستن در خودرو یا منزل، خاموش کردن کلید برق یا بستن شیر گاز یا آب و... باشد.

وسواس به این معنا به طور قطع در زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارد و در نظام زندگی اختلال ایجاد می‌کند؛ زیرا شخص وسواسی در صورت انجام نشدن عمل، عصبی و به واکنش‌های غیرمتعادل وادار می‌شود.

وا داشتن فرزندان بـه درآوردن لباس‌ها پس از مدرسه و استحمام، استحمام فرزند شب ادرار در نیمه شب، عکس‌العمل نامطلوب در برابر دست زدن دیگران به وسایل آشپزخانه، متهم ساختن دیگران به بی‌مبالاتی، قطع ارتباط با نزدیکان به دلیل مشکلات بعدی مهمانی‌ها (شستن دستگیره‌ها و...) و... نمونه‌هایی از مشکلاتی است که در زندگی مشترک ایجاد می‌شود.

اختلال وسواس اجبار قابل درمان است و با توجه به سطح آن، با مشاوره یا روان‌درمانی و یا دارودرمانی به وسیله روان‌پزشک درمان می‌شود.

وسواس فکری

به خواستگاری دختری رفته‌ام که می‌گوید وسواس فکری دارد. وسواس فکری چیست و تا چه حد در زندگی زناشویی مشکل‌ساز است؟

وسواس فکری، خطور مطالبی بیهوده و گاهی شرم‌آور و وحشتناک به ذهن به صورت پیاپی و بدون اختیار است؛ به طوری که شخص قادر به قطع آن‌ها نیست و نمی‌تواند آن‌ها را از خود دور سازد و او را از فکر کردن درباره مطالب دیگر باز می‌دارد.

افکار تکراری درباره عملکرد شرعی که آیا پاک شدم یا نه یا درباره صحت اعمال دینی، افکار و تصوراتی کفرآمیز که حالت توهین به مقدسات را دارد، تصوراتی درباره اشخاص که مثلاً پشت سر او حرف می‌زنند یا توطئه قتل او را در سر می‌پرورانند، هرگونه شمارش، به خاطر سپردن اطلاعات بی‌اهمیت مانند شماره پلاک ماشین‌ها، نام هنرپیشه‌ها و افکاری غیرواقعی مانند در خطر بودن قرآن و تلاش برای محافظت از آن و... نمونه‌هایی از وسواس فکری هستند.

وسواس فکری، بدخیم‌تر از اختلال وسواس اجبار است؛ اما مانند آن درمان دارد.

وابستگی

آیا نشانه‌ای وجود دارد که بتوان فهمید شریک آینده زندگی انسان، به والدین خود به ویژه مادر وابستگی دارد یا نه؟

وابستگی عاطفی دختر و پسر (به‌ویژه دختر) به والدین و به‌خصوص به

مادر طبیعی است و نمی‌توان آن را نقطه منفی برشمرد. مشورت و نظرخواهی از آنان و ارتباط در حد متعارف نیز وابستگی شدید و منفی به شمار نمی‌رود.

وابستگی در صورتی اشکال دارد که استقلال فکری شخص را به خطر بیندازد و باعث دخالت‌های بیجا و غیرعادی والدین در زندگی زناشویی او شود.

شریک آینده زندگی شما در صورتی به والدین خود به‌ویژه مادر وابستگی شدید دارد که رفتارهای ذیل را از خود بروز دهد:

۱. در پاسخ سؤال شما که در جلسه اول گفت و گو ذیل سؤال پنجم مشترک (استقلال فکری) از او پرسیدید: تا چه حد به نظر دیگران به‌ویژه پدر و مادر و دوستان در امور زندگی مشترک اهمیت می‌دهید، گفت: در هر کاری با آن‌ها مشورت می‌کنم و بدون نظر آن‌ها هیچ کاری نمی‌کنم؛

۲. در گفت و گوی جمعی خواستگاری، هر وقت سؤالی از او می‌شد، اول به مادر نگاه می‌کرد و در صورت تأیید او پاسخ می‌داد؛

۳. در مواردی پدر یا مادرش اجازه پاسخگویی به او نمی‌دادند و به جای فرزندشان پاسخ می‌دادند؛

۴. در سخنان و گفت و گوهای خود، تکیه‌کلام‌هایی چون مامانم اینا می‌گن، مامانم اینا نظر دیگه‌ای دارن، باید با مامانم اینا حرف بزنم و... زیاد دارد.

اگر این نشانه‌ها در او وجود دارد، تک‌فرزند یا فرزند آخر خانواده بودن هم می‌تواند مزید بر علت باشد؛ البته تک‌فرزندی یا فرزند آخر بودن، لزوماً به معنای وابستگی نیست.

سلطه‌جویی

یکی از مشکلات زندگی زناشویی، سلطه‌جویی مرد است. از کجا می‌توانم بفهمم که شریک آینده زندگی‌ام سلطه‌جو نیست؟

اگر در گفت و گوها تحکّم‌آمیز سخن می‌گوید و به جای این که بگوید: من مایلم یا دوست دارم این کار انجام شود، می‌گوید: شما «باید» این کار را انجام بدهید یا استبداد رأی دارد و جمله‌هایی مثل «باید» اینجوری شود؛ غیر از این نمی‌شود؛ من آدمی نیستم که و... را با حالتی تشرگونه می‌گوید و در موارد بسیاری با شما لجبازی می‌کند و می‌گوید: حرف، حرف من است، می‌تواند تردیدی را در این باره در شما ایجاد کند تا در تحقیقات از همکاران، هم‌کلاسی‌ها و دوستان او در این زمینه بپرسید و تردید خود را برطرف سازید.

ساده‌لوحی

خواستگاری دارم که ساده‌لوح است و وقتی در جمع حرف می‌زند، دیگران مسخره‌اش می‌کنند. آیا ازدواج با چنین شخصی درست است؟

اگر مطمئن هستید که خواستگار شما ساده‌لوح است، ازدواجتان با او، اصل همتایی را نقض می‌کند؛ زیرا در روایات دینی ما به این مسأله توجه شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

اَلْعارِفَةُ لاتُوضَعُ اِلّا عِنْدَ عارِفٍ.[1]

۱. کلینی، **کافی**، ج۵، ص۳۵۰.

زن فهمیده فقط کنار مرد فهمیده قرار می‌گیرد.

امیر مؤمنان علی﵇ از ازدواج با ساده‌لوح نهی فرموده است:

ایّاکُم وَ تَزْویجَ اْلحَمْقاء فَاِنَّ صُحبَتَها بلاءٌ وَ وَلَدَها ضِیاعٌ.[۱]

از ازدواج با احمق بپرهیزید؛ زیرا همنشینی با او بلا است و فرزندش ضایع می‌شود.

همنشینی با ساده‌لوح به واقع سخت و رنج‌آور است و فرزندان او نیز به سبب تأثیر ژن و وراثت و نیز اثر تربیتی او ضایع می‌شوند.

۱. همان، ص۳۵۴.

آزمایش برای ازدواج

مناسب‌ترین زمان برای آزمایش ازدواج چه وقتی است؟

برخی مایلند پیش از خواستگاری رسمی برای آزمایش بروند و در صورت جواب منفی آزمایش، به طور رسمی خواستگاری کنند. برای این کار گذشته از این که نامه‌ای از دفتر ثبت ازدواج لازم است، خانواده دختر نیز به آن راضی نمی‌شوند و منطقی هم نیست.

برخی انجام آزمایش را در مراحل پایانی فرایند خواستگاری قرار می‌دهند که این کار هم درست نیست؛ زیرا ممکن است نتیجه آزمایش مثبت باشد و گذشته از وقت و هزینه‌ای که هر دو خانواده در فرایند خواستگاری صرف کرده‌اند (هدایای خانواده پسر و پذیرایی خانواده دختر)، علاقه‌ای هم بین دختر و پسر ایجاد شده باشد که نتوانند از هم بگذرند و در ازدواج‌های فامیلی به رغم نهی مشاوران ژنتیک (ر.ک: ص۹۸و۹۹) به ازدواج تن دهند که خطرناک است و در صورت منتفی شدن ازدواج، احساس شکست و افسردگی کنند. افزون بر این به طور معمول تا مراحل آخر خواستگاری که مدتی می‌گذرد، دیگران هم مطلع می‌شوند و به هم خوردن ازدواج ممکن است آبروی دو خانواده به‌ویژه دختر را در معرض خطر قرار دهد؛ بنابراین،

بهترین و مناسب‌ترین زمان برای آزمایش، پس از گفت و گوی جلسه اول، البته در صورت رسیدن به توافق کلی است.

اگر به هر دلیلی پس از جلسه اول به توافق کلی نرسیدید و خواستید فرایند خواستگاری را ادامه دهید، آزمایش را در نخستین فرصت انجام دهید تا مشکلات پیش‌گفته ایجاد نشود.

تحقیق در ازدواج

اهمیت تحقیق

تحقیق تا چه اندازه در ازدواج اهمیت دارد و چرا برخی از خانواده‌ها به آن کم‌توجهی می‌کنند؟

تحقیق از مهم‌ترین راه‌های شناخت در ازدواج است که هر دو خانواده دختر و پسر باید آن را جدی بگیرند؛ البته خانواده دختر، پس از پاسخ مثبت خانواده پسر، تحقیقات اصلی خود را آغاز می‌کنند.

برخی به عللی، وقت زیادی را برای این کار صرف نمی‌کنند و آن را مهم نمی‌انگارند:

۱. به تأیید معرّف بسنده می‌کنند. تأیید معرف (البته اگر فردی آگاه باشد و موقعیت دو طرف و همتایی آنان را در نظر گرفته باشد)، هرگز کافی نیست و حتماً باید درباره شخص مورد نظر تحقیق کرد؛

۲. به شناخت فامیلی اکتفا می‌کنند. فامیل بودن دلیل موجهی بر بی‌توجهی به تحقیق نمی‌شود؛ زیرا اولاً ارتباطات فامیلی در زمان حاضر

کم‌تر شده و ثانیاً شما از محل کار یا تحصیل فامیلتان چندان اطلاعی ندارید. شما همدیگر را به طور معمول در ارتباطات فامیلی و مهمانی‌ها دیده و شناخته‌اید؛

۳. به سبب دوری راه و مشکلات آن، درباره خواستگار غریبه تحقیق نمی‌کنند؛

۴. معتقدند: با توجه به ساختار فعلی جامعه و خانواده‌های بسته که برخلاف گذشته با هم ارتباط اجتماعی ندارند، تحقیق امکان ندارد.

اولاً این وضعیت بیشتر در کلان شهرها آن هم در برخی مناطق آن‌ها وجود دارد و در همه کشور نیست و ثانیاً ابزار تحقیق فقط همسایه‌ها نیستند که با هم ارتباط چندان و در نتیجه شناخت ندارند؛ بلکه می‌توانیم از افراد گوناگون تحقیق کنیم (ر.ک: ص ۲۰۱و۲۰۲)؛

۵. بر این باورند که پاسخ‌ها در تحقیقات، واقع‌نمایی ندارد و مردم به علت علاقه درونی که به سبب کاهش ازدواج به آن دارند، اطلاعات غیردقیقی را صرفاً به امید وصلت می‌دهند یا حب و بغض‌هایی در پاسخ‌ها دخالت دارد.

این هم عمومیت ندارد و اگر تحقیقات ما از مجاری گوناگون انجام شود می‌توانیم به نتیجه‌هایی اطمینان‌بخش برسیم.

زمان تحقیق

پدر من تا تحقیقات کاملی را درباره خواستگار انجام ندهد، اجازه خواستگاری به وی نمی‌دهد. آیا این گونه تحقیقات درست است؟

در ازدواج، دو نوع تحقیق وجود دارد: ۱. تحقیق اولیه؛ ۲. تحقیق اصلی.

تحقیق اولیه مختصر است و قبل از اجازه گرفتن برای خواستگاری از سوی خانواده پسر، و پیش از اجازه دادن به خواستگار، به وسیله خانواده دختر انجام می‌شود.

در تحقیق اولیه، بیشتر مسأله همتایی خانوادگی از جهت دینی و فرهنگی مد نظر است و سؤالات اولیه درباره سن، تحصیلات، خدمت نظام وظیفه (در آقایان) و شهر محل زندگی، در همان تماس تلفنی برای قرار خواستگاری پرسیده می‌شود.

تحقیق اصلی پس از خواستگاری و جلسات گفت و گوی پسر و دختر انجام می‌شود؛ زیرا این تحقیق برای رفع ابهامات است و ابهامات به طور معمول پس از گفت و گو و آشنایی بیشتر ایجاد می‌شود؛ بنابراین، تحقیقات اولیه به طور کامل درست نیست؛ زیرا: ۱. احتمال زیادی وجود دارد که پسر پس از جلسه اول پاسخ منفی دهد؛ ۲. احتمال بسیاری هست که دختر پس از دیدن پسر و گفت و گوی اولیه نپسندد؛ ۳. وقت زیادی در تحقیقات اولیه از تحقیق‌کننده از بین می‌رود؛ ۴. احتمال در خطر بودن آبروی دختر یا پسری که قبل از هرگونه اقدامی درباره‌اش تحقیقات مفصل می‌شود، وجود دارد.

افراد مناسب برای تحقیق

برای تحقیقات ازدواج بهتر است سراغ چه کسانی برویم؟

کسانی که می‌شود از آن‌ها درباره فرد مورد نظر تحقیق کرد، عبارتند از: ۱. همکاران و همکاران والدین او (در صورت شاغل بودن)؛ ۲. سرپرستان محل کار (رئیس، معاون و در صورت لزوم حراست)؛ ۳. هم‌کلاسی‌ها (در

صورت اشتغال به تحصیل قبلاً یا فعلاً)؛ ۴. سرپرستان و مسؤولان مجتمع آموزشی؛ ۵. دوستان؛ ۶. آشنایان و دوستان خانوادگی؛[۱] ۷.خویشان و فامیل؛ ۸. همسایگان؛[۲] ۹. افراد وابسته به خانواده از جمله عروس‌ها و دامادها؛[۳] ۹. در صورت تجربه ازدواج قبلی، با همسر پیشین او.[۴]

اولویت را در تحقیقات به ۶ گروه اول بدهید و بعد به ترتیب، سراغ خویشان، همسایگان و افراد وابسته به خانواده بروید تا در حد امکان، اصل مخفیانه بودن خواستگاری رعایت شود.

موضوعات قابل طرح در تحقیق

وقتی برای تحقیق ازدواج می‌رویم، در چه زمینه‌هایی سؤال کنیم؟

محورها و موضوعات قابل طرح در تحقیق، برای افراد متفاوت است و سؤالات بیشتر به حساسیت‌های شما و ابهامات پیش آمده در گفت و گوها باز می‌گردد؛ اما به طور کلی و برای همه، طرح موضوعات ذیل راهگشا است:

۱. خانواده: با توجه به این‌که فرد، شاخه‌ای از شاخه‌های خانواده و محصول آن است و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی خود را از طریق وراثت

۱. می‌توانید شماره تلفن و نشانی چند نفر از دوستان و آشنایان شخص را از خودش بگیرید. حتی اگر شماره یا نشانی‌های خاصی را هم بدهد می‌توانید از طریق گفت‌وگو با آنان به مطالب خوبی دست یابید. از طرفی می‌توانید شماره و نشانی برخی دیگر از دوستان و آشنایان او را از همین دوستان بگیرید.

۲. در صورت تغییر منزل، از همسایگان پیشین هم تحقیق کنید.

۳. با دیدار این وابستگان می‌توانید از لحن سخن و نوع نگاهشان مطالبی را متوجه شوید؛ حتی اگر به هر دلیلی نخواهند اطلاعاتی به شما بدهند.

۴. سعی کنید با همسر پیشین شخص مورد نظر به صورت حضوری گفت‌وگو کنید و به تماس‌های تلفنی بسنده نکنید. دیدن چهره او وقتی درباره شخص مورد نظر سخن می‌گوید، لازم است.

و تربیت از آن می‌گیرد، اگر خانواده او خوب باشد، تا حد زیادی می‌توان به محصول آن هم اطمینان یافت؛ بنابراین درباره جایگاه اخلاقی و اجتماعی خانواده‌اش سؤال کنید. این سؤال را می‌توانید از همه گروه‌های پیش گفته به ویژه عروس‌ها و دامادهای خانواده بپرسید. آن‌ها سال‌ها با خانواده او زندگی کرده و رفتارهای آنان را دیده‌اند.

۲. رفتار اجتماعی: درباره رفتار اجتماعی فرد سؤال کنید. کسی که رفتار اجتماعی مناسبی دارد، بدین معنا است که آبرو برایش مهم است و از این‌که رفتارهای ناشایستی در اجتماع داشته باشد، از مردم خجالت می‌کشد؛ بنابراین، هرگز در خیابان داد نمی‌زند و به همسرش بی‌حرمتی نمی‌کند.

این‌گونه افراد به دلیل مهم بودن آبرو، کمتر به جدایی از همسر می‌اندیشند. این سؤال را همکاران یا هم‌کلاسی‌ها خوب می‌توانند پاسخ دهند.

۳. دوستان: انسان به طور قطع در اعتقاد، اندیشه، منش و شخصیت خود از دوستانش اثر می‌پذیرد.

خَلیلُ الْمَرء دَلیلٌ علی عَقلِه.[۱]

دوست شخص، نشانه عقل او است.

امام علی علیه‌السلام فرمود:

اگر دین کسی برای شما مشخص نبود، بنگرید که با چه کسانی رفت و آمد می‌کند؛ دینداران یا بی‌دینان؟[۲]

تو اول بگو با کیان دوستی   من آنگه بگویم که تو کیستی

۱. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج۳، ص۳۵۱.

۲. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص۱۹۷.

پس درباره دوستانش از افراد گوناگون تحقیق کنید تا بفهمید چه کسانی هستند و با آنان در چه محافل و مجالسی شرکت می‌کرده است.

۴. ارتباطات فامیلی: از نزدیکانش بپرسید که واپسین دیدارش با آنان کی بوده. ضعف ارتباطات فامیلی، نشانه بی‌توجهی به صله رحم است که اسلام بر آن تأکید کرده و می‌تواند نقطه‌ای منفی به شمار رود.

کسانی که ارتباطات فامیلی بیشتری دارند، از مشکلات نزدیکان نیز آگاه‌ترند و می‌توانند از کار آنان گرهی بگشایند.

۵. مسؤولیت‌پذیری: از دوستانش درباره مسؤولیت‌پذیری او بپرسید. این که آیا در مسافرت‌های جمعی و دوستانه، مسؤولیت‌هایی را می‌پذیرفته یا به طور معمول از تن دادن به مسؤولیت می‌گریخته است.

۶. عمل به تعهدات: شما باید بدانید که نامزدتان تا چه حد به تعهدات خود عمل می‌کند و این را می‌توان از دوستان و همکاران یا هم‌کلاسی‌هایش پرسید که آیا در قرار ملاقات‌ها به موقع حاضر می‌شده است. آیا در مسافرت‌ها یا تفریحات دوستانه به تعهدات مالی خود عمل می‌کرده است؟

۷. رعایت حقوق دیگران: از همسایگان او بپرسید که آیا اهل رعایت حقوق آنان بوده است یا به شکل‌های گوناگون از جمله سر و صدای زیاد یا صدای بلند پخش خودرو در ساعت‌های پایانی شب، باعث اذیت و آزار آنان می‌شده.

سؤالات را به گونه‌ای نپرسید که با بله یا خیر پاسخ گویند؛ بلکه به گونه‌ای بپرسید که شخص را وصف کنند.

نگفتن حقایق در تحقیق

چرا برخی از مردم در تحقیقات ازدواج، حقایق را بیان نمی‌کنند؟

برخی، مسائل امنیتی را در نظر می‌گیرند و احتیاط می‌کنند تا دردسری برایشان ایجاد نشود؛ در حالی که انسانیت حکم می‌کند اگر حقایقی را درباره شخصی می‌دانند بگویند و جلو مشکلات پدید آمده برای دو خانواده را در آینده بگیرند؛ زیرا اگر ازدواج نادرستی شکل بگیرد، هر دو خانواده با جدایی بعدی متحمل ضررهای مادی و معنوی می‌شوند.

اگر بینی که نابینا و چاه است   اگر خاموش بنشینی گناه است

برخی به لحاظ شرعی احتیاط می‌کنند؛ زیرا معتقدند که اسلام، کشف (آشکار ساختن) عیب دیگران و تجسس و غیبت را جایز نمی‌داند؛ اما گویا اطلاع ندارند که اسلام، ازدواج را استثنا کرده و در این مورد می‌توانند هم عیب خود فرد و هم عیب خانواده‌اش را به تحقیق کننده بگویند.[۱]

فقیهان شیعه تحت عنوان «نصح مستشیر» یعنی خیرخواهی مشورت خواه، به جواز آن فتوا داده‌اند؛ البته فقط ذکر عیب‌هایی مجاز است که در ازدواج تأثیر داشته باشد و به شناخت طرف کمک کند؛ برای مثال، ذکر گناه یا خطایی که پیش‌تر داشته و توبه کرده و دیگر تکرار نمی‌کند، جایز نیست.

در ضمن، عیوب باید به کسی گفته شود که در تحقیق ازدواج نقش دارد و نه دیگران.

در صورت منتهی نشدن خواستگاری و تحقیق به ازدواج، باید تمام معایب دو طرف پوشیده بماند و هیچ یک حق آشکار کردن آن را ندارد.

---

۱. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۷۰.

میزان اعتماد به تحقیق

تا چه حد به تحقیقات می‌توان اطمینان کرد؟ اگر پس از تحقیق و ازدواج فهمیدیم که شخص مورد نظر مطلوب ما نبوده است، چه کنیم؟

مهم این است که به وظیفه خود عمل کرده، تحقیقات را حذف یا کمرنگ نکنید. بسیاری از کسانی که پس از ازدواج حسرت می‌خورند، به همین علت است.

تحقیقات در ازدواج بسیار مهم است؛ اما جای توکل به خدا و توسل به امامان معصوم‌ﷺ را نمی‌گیرد؛ پس افزون بر تحقیق، از توکل و توسل نیز غافل نشوید.

در زندگی به ویژه امر ازدواج، به سبب نامحدود بودن ابعاد آن و محدود بودن اراده انسان، چاره‌ای جز توکل و توسل نیست؛ زیرا برخی مسائل (از جمله خلاهای عاطفی دوران کودکی و عقده‌گشایی در زندگی مشترک) پس از ازدواج موضوعیت پیدا می‌کند. گذشته از این، در زندگی انسان‌ها مسائلی وجود دارد که جزو مسائل پنهان زندگی آنان است و هیچ‌کس خبر ندارد. در افرادی، جایگاه اجتماعی و خانوادگی‌شان با هم تفاوت جدی دارد.

بله برون

جلسه بله برون چه جلسه‌ای است و در آن چه مسائلی مطرح می‌شود؟

جلسه بله برون (بله بُران)، جلسه نهایی و رسمی خواستگاری است که به طور معمول تعداد بیشتری از نزدیکان حضور دارند که در آن، مسائل مهمی مطرح، نوشته و امضا می‌شود تا بعداً عاقد بر اساس همان نوشته، عقد، و مطالب را در دفتر ثبت ازدواج و سند ازدواج ثبت کند.

مهم‌ترین مسائل قابل طرح در جلسه بله برون، تعیین دقیق مهریه،[۱] مسأله بازار و خرید، زمان اجرا شدن عقد، زمان مراسم عقد و عروسی، چگونگی مراسم عقد و عروسی (تعداد مهمان‌ها، نحوه دعوت، محل مراسم و...)، فاصله عقد و عروسی[۲] و شرایط خاصی که هر یک از دو نفر می‌توانند تحت عنوان شروط ضمن عقد(ر.ک:ص۲۱۳و۲۱۴) مطرح کنند.

---

۱. پیش‌تر ذکر کردیم که در پایان گفت وگوی جلسه اول، حدود مهریه از سوی پسر از دختر سوال شود تا در جلسه بله برون، اختلاف جدی در این زمینه پیش نیاید و فرایند خواستگاری و ازدواج را پس از طی مراحل مختلف به بن‌بست نکشاند.

۲. گاهی مسأله مدت دوره عقد بستگی، یعنی فاصله بین عقد و عروسی مطرح نمی‌شود و بعد باعث اختلافاتی بین دو خانواده می‌شود.

مهریه

مهریه مطلوب

مهریه مطلوب در اسلام چقدر است؟

در اسلام، میزان مهریه مشخص نشده است تا هیچ‌گونه مانعی برای ازدواج ایجاد نشود؛ زیرا اگر میزان اندکی را نیز مشخص می‌کرد، ممکن بود افرادی توان پرداخت همان مقدار را هم نمی‌داشتند و از ازدواج محروم می‌شدند.

تعیین میزان مهریه به توافق و رضایت خانم و آقا بستگی دارد.

مهریه مطلوب از نظر اسلام، مهریه در حد توان مرد است. اسلام با مهریه‌های سنگین خارج از توان مرد به شدت مخالفت می‌کند و دلیل این مخالفت بر اساس آموزه‌های دینی، کینه‌ای است که امکان دارد در دل مرد ایجاد شود.

امام علی علیه‌السلام فرمود:

لا تُغالُوا فی مُهُورِ النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوَةً.[1]

در مهریه زنان زیاده روی نکنید که دشمنی ایجاد می‌کند.

برخی از خانواده‌ها مهریه سنگین را بر پسر تحمیل می‌کنند و او ممکن است برای حفظ آبرو یا علاقه‌ای که به دختر پیدا کرده بپذیرد؛ اما کینه والدین دختر را به دل خواهد گرفت و سبب انتقامجویی و بهانه‌گیری در زندگی زناشویی خواهد شد؛ به همین لحاظ، رسول گرامی ﷺ فرمود:

تَیاسَرُوا فِی الصِّداقِ فَاِنَّ الرَّجُلَ لَیُعطی الْمَرأَةَ حَتی یَبْقی ذلک فی نَفْسِهِ علیها حَسیکةً.[2]

مهریه را آسان [=اندک] بگیرید؛ زیرا مرد می‌پردازد؛ اما در دل او کینه‌ای باقی خواهد ماند.

همان گونه که پیش‌تر ذکر شد، معیار در مهریه، توان مرد است؛ پس اگر توان پرداخت مهریه مناسب را دارد، تحمیل مهریه‌های ناچیز بر خانواده دختر نیز درست نیست؛ همان گونه که تحمیل مهریه‌های سنگین بر پسر پسندیده نیست.

مهریه سنگین

آیا مهریه‌های سنگین می‌تواند ضامن بقا و دوام زندگی باشد؟

خیر. بدون تردید، مهریه‌های سنگین نمی‌تواند تضمینی برای ازدواج پایدار و زندگی آرام و سعادتمند باشد؛ زیرا اگر چنین می‌بود، جمله «مهرم

۱. حسین نوری، ***مستدرک الوسائل***، ج۱۵، ص۶۶.
۲. متقی هندی، ***کنزالعّمال***، ج۱۶، ص۳۲۴.

حلال و جونم آزاد» را نمی‌شنیدیم.

مرد اگر در زندگی زناشویی به بن‌بست برسد، آن‌قدر همسرش را می‌آزارد تا او را وا دارد از مهرش بگذرد و خود را رها سازد که البته این رفتار براساس روایات دینی، بسیار ناشایست و ناجوانمردانه است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند از مردی که همسرش را می‌آزارد تا از مهر خود بگذرد، همان قدر خشمگین می‌شود که از گریه یتیم به خشم می‌آید.[1]

مهریه به معنای صَداق و نشانه راستی و درستی است؛ به همین دلیل قرآن کریم از واژه «صَدُقه» استفاده کرده است (وَآتُوا ٱلنِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً).[2] وقتی مرد، چیزی را با این عنوان به زن می‌دهد، یعنی علاقه من به تو راستین است و دروغین نیست و اگر مرد مجبور شود بیشتر از توان خود بپردازد، به طور قطع دیگر نمی‌تواند نشانه صداقت او باشد؛ بنابراین به دختر و خانواده او توصیه می‌کنیم به عللی واهی و غیر منطقی (چشم و هم‌چشمی، فخر فروشی، مقایسه، رقابت، فزون‌طلبی و...) مهریه‌های سنگین را بر همسر آینده دخترشان تحمیل نکنند و متوجه پیامدهای منفی آن باشند.

مهریه بالا به طور قطع نشانه شخصیت والای دختر نیست.

۱. حسین نوری، ***مستدرک الوسائل***، ج۱۵، ص۳۸۰.
۲. نساء(۴)، ۴.

بخشیدن مهریه

نامزدم می‌گوید مهریه سنگین پیشنهادی خانواده‌اش را بپذیرم تا بعد از ورود به زندگی مشترک، آن را ببخشد. آیا این کار درست است؟

با توجه به این که تعیین مهریه، حق «دختر» است و فقط مشورت و رعایت احترام پدر و مادر در این مورد کار پسندیده‌ای است، از او بخواهید که پیش از عقد از حقش استفاده، و پدر و مادرش را به مهریه متعارف راضی کند.

اگر این کار عملی نشد، به امید بخشیدن مهریه بعد از عقد، به آن تن ندهید.

درست است که زن می‌تواند همه یا بخشی از مهریه خود را ببخشد (چون مالک آن است و به رضایت پدر و مادر نیازی نیست)؛ اما احتمالاً موانعی ایجاد می‌شود که نخواهد توانست به وعده خود وفا کند؛ زیرا باید کاری خلاف رضایت والدین انجام دهد که برایش سخت است. افزون بر این، نوعی بی‌حرمتی به والدین به شمار می‌رود و ممکن است بین دختر و آنان کدورتی ایجاد کند.

توجه داشته باشید که مهریه «دَیْن» (بدهکاری) است و باید پرداخت شود؛ پس زیر بار مهریه سنگین و بیشتر از توان خود نروید؛ زیرا همسر شما می‌تواند با استفاده از قانون، خانه شما را توقیف کند؛ خودرو شما را بگیرد؛ ودیعه خانه استیجاری شما را از آن خود سازد و جلو شما را برای خروج از کشور بگیرد (ممنوع الخروجتان کند).

شروط ضمن عقد

موارد شروط ضمن عقد

مقصود از شروط ضمن عقد چیست و چه چیزهایی را می‌توان در ضمن عقد، شرط کرد؟

شروط ضمن عقد، شروطی است که حین جاری شدن عقد، در عقدنامه گنجانده می‌شود و اگر عروس و داماد امضا کنند، الزام آور است.

طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران، دو طرف عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی را برای ازدواج قرار دهند؛ به شرط آن که مخالف مقتضای عقد نباشد؛[1] به طور مثال، زن نمی‌تواند بگوید: با این شرط با تو ازدواج می‌کنم که با من رابطه زناشویی برقرار نکنی؛ زیرا این رابطه مقتضای عقد است.

افزون بر این شرط که در قانون مدنی آمده، توجه داشته باشید که خلاف شرع نباشد؛ مثل این که زن بگوید: با تو ازدواج می‌کنم به این شرط که نماز نخوانی یا مرد بگوید: به این شرط با تو ازدواج می‌کنم که حجاب نداشته

۱. سید حسن امامی، ***حقوق مدنی***، ج۴، ص۴۳۸.

باشی، و امکان عملی شدن شرط‌ها نیز وجود داشته باشد؛ مثل این که نگوید: با این شرط با تو ازدواج می‌کنم که قد خود را بلند یا کوتاه کنی یا در یک روز، یک کتاب تخصصی هزار صفحه‌ای را بنویسی و... .

مواردی را که می‌شود شروط ضمن عقد قرار داد، انتخاب شهر محل سکونت، محل سکونت مستقل، اشتغال، تحصیل و چیزهایی از این قبیل است.

توجه داشته باشید که اگر شرطی را پذیرفتید، حتماً به آن عمل کنید؛ زیرا رسول خدا ﷺ بر وفا کردن به عهد تأکید فرموده است:

اَلْمُؤمِنُونَ عَندَ شُرُوطِهِمْ.[1]

مؤمنان به شرط‌هایشان عمل می‌کنند.

این نکته را هم در نظر بگیرید که ممکن است این شروط عملی نشود؛ پس اگر شرطی برایتان بسیار مهم است به گونه‌ای که بدون آن نمی‌توانید به زندگی مشترک ادامه دهید، آن را نپذیرید.

برخی به امید عملی شدن شرطی چون ادامه تحصیل یا اشتغال یا بدان امید که بعد بتوانند همسرشان را راضی کنند، به ازدواج تن می‌دهند و بعد که شرط عملی نمی‌شود، دچار افسردگی‌های حاد می‌شوند و زندگی برایشان لذتی نخواهد داشت.

۱. شیخ طوسی، *تهذیب*، ج۷، ص۳۷۱.

شیربها

در برخی مناطق رسم است که پدر و مادر دختر، پولی را با عنوان شیربها از پسر می‌گیرند. آیا دریافت این پول از نظر شرعی اشکال ندارد؟

شیربها می‌تواند یکی از شروط ضمن عقد باشد که در صورت پذیرفتن پسر اشکالی ندارد.

مراجع تقلید گفته‌اند که اگر به عنوان «جُعاله»، در مقابل عمل مباحی از جمله وساطت برای کسب رضایت دختر بگیرند یا داماد با رضایت کامل بدهد، اشکالی ندارد و دریافت آن حلال است؛ اما اگر با میل و رضایت ندهد؛ بلکه برای این بدهد که خانواده عروس مانع ازدواجش نشوند، حرام است.[1]

حق طلاق

به خواستگاری دختری رفته‌ام و پدر و مادرش اصرار دارند که حق طلاق را به فرزندشان بدهم. آیا می‌توان حق طلاق را شرط ضمن عقد قرار داد؟

حق طلاق از آنِ مرد است و قابل انتقال نیست. آنچه را می‌توان شرط ضمن عقد قرار داد، حق «وکالت» طلاق است به این معنا که مرد به زن وکالت می‌دهد که هر وقت خواست، خودش را از طرف او طلاق دهد.

از بحث حقوقی آن که بگذریم، به اعتقاد نگارنده، طرح چنین شرطی در ازدواج، کار پسندیده‌ای نیست؛ زیرا هم اثر تلقینی دارد و هم این‌گونه برداشت می‌شود که به خواستگار اعتمادی ندارند و زندگی مشترک نباید از

۱. *تحریرالوسیله*، ج۲، ص۴۳۵و۴۳۶.

همان ابتدا بر بی‌اعتمادی بنا شود. گذشته از این که اعطای حق طلاق به مرد، حکمتی داشته و به دلیل شدت عواطف در زن است که اگر حق طلاق با او می‌بود، بر اثر تصمیم‌های عاطفی، میزان جدایی‌ها بسیار افزون‌تر می‌شد.[۱]

اگر نگرانی خانواده دختر این است که در صورت رسیدن زندگی به بن‌بست، دخترشان نتواند طلاق بگیرد، قانون، راهکارهایی را برای طلاق و رهایی زن در نظر گرفته است.

در صورتی که مرد به زنش ستم روا دارد و خود را اصلاح نکند و همسرش را هم طلاق ندهد، زن به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می‌کند و قاضی طلاق زن را می‌گیرد.

در بند ب عقدنامه آمده است که مرد، وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیربه زن می‌دهد که در ۱۲ مورد، از طریق مراجعه به دادگاه و اخذ مجوز از آن، پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه سازد که این موارد عبارتند از: ۱. خودداری از پرداخت نفقه به مدت ۶ ماه؛ ۲. سوء رفتار یا سوء معاشرت؛ ۳. ابتلای زوج به امراض سخت؛ ۴. جنون؛ ۵. انتخاب شغلی که مغایر با حیثیت زن باشد؛ ۶. محکومیت قطعی شوهر به مدت ۵ سال حبس؛ ۷. اعتیاد زوج؛ ۸. ترک خانواده؛ ۹. محکومیت شوهر در اثر ارتکاب جرم؛ ۱۰. عقیم بودن زوج؛ ۱۱. مفقودالاثر بودن زوج؛ ۱۲. انتخاب همسری دیگر بدون اجازه زوجه.[۲]

---

۱. در یک صورت می‌تواند گرفتن این حق، عقلانی باشد و آن این که دختر شرط ضمن عقدی داشته باشد که اگر عملی نشود، ادامه زندگی غیر ممکن باشد و احتمال هم می‌دهد که شرطش عملی نخواهد شد.

۲. ر.ک: اسناد ازدواج صادر شده از مهر ماه ۱۳۶۲ به بعد.

منتفی شدن ازدواج

علل منتفی شدن ازدواج

خواستگارانی برایم می‌آیند و پس از طی مراحلی منصرف می‌شوند. علت انصراف آنان چه می‌تواند باشد؟

ممکن است از مجموعه گفت و گوها و با توجه به نتیجه تحقیقات به این نتیجه برسند که همتایی لازم را با هم ندارید و انصراف دهند. انصراف خواستگار، همیشه به معنای وجود مشکل در شما نیست؛ بلکه ممکن است او و خانواده‌اش مانعی از جمله اختلاف بر سر انتخاب شما داشته باشند.

علت دیگر انصراف خواستگاران ممکن است رفتار شما بوده باشد. هرگونه افراط و تفریط در رفتار از جمله تحکم در کلام و ترقیق در کلام، پررویی و کمرویی، پر حرفی و کم حرفی، ترشرویی و خنده‌رویی، رو گرفتن زیادی و باز بودن زیادی، و غرور زیاد، عدم رعایت آداب اجتماعی، برخورد ناشایست با والدین یا خواهر و برادر، دشمنان و حرف‌های پشت سر، همه می‌توانند دلیل بر انصراف خواستگار باشند.

علل واهی منتفی شدن ازدواج

نامزدم پس از جلسه بله برون، به این دلیل که با رفتن بـه مـاه عسـل مخالفت کردم، پاسخ منفی داد. آیا این مسأله می‌تواند دلیل قـانع کـننده‌ای برای پاسخ منفی باشد؟

در عین حال که شرایط همتایی بین دختر و پسر برای ازدواج ضرورت دارد و نباید بر اساس ظواهر و پررنگ شدن برخی عوامل از جمله زیـبایی، پول، شغل، موقعیت اجتماعی و... پاسخ مثبت داد، پاسخ منفی به علل واهی و غیرمنطقی نیز در صورت وجود شرایط مطلوب نسبی (۷۰ درصـد) درست نیست.

پاسخ رد به علت مخالفت با ماه عسل، اخذ مدرک تحصیلی از دانشگاه غیر دولتی، اندکی اختلاف فرهنگی، تضاد در تیم‌های ورزشی، اخـتلاف در خواننده یا هنرپیشه مورد علاقه، اسم نازیبا و... منطقی نیست.

گاهی پاسخ منفی خانم به علت شغل مرد است و شرط پاسخ مـثبت را تغییر شغل او قرار می‌دهد.

اگر شغل او شرافتمند است، بر تغییر آن از آزاد به دولتـی و از فـنی بـه اداری اصرار نکنید؛ زیرا سال‌ها با چم و خم کـار آشـنا شـده و تـغییر شـغل، مشکلاتی را برایش فراهم می‌آورد.

برخورد نادرست پس از پاسخ منفی

به خواستگارم پاسخ منفی داده‌ام؛ به این دلیل تـهدید کـرده است کـه خواستگارانم را فراری خواهد داد. آیا این‌گونه برخوردها درست است؟

در کشور ما گاهی رفتارهایی مشاهده می‌شود که در شأن ملت بزرگ آن نیست. خواستگاری هرگز به معنای ازدواج نیست. خواستگاری حـتی اگـر طول هم بکشد، صرفاً برای انتخاب است و ممکن است پس از گذراندن آن، نتیجه‌ای حاصل نشود.

مردم به ویژه جوانان عزیز کشورمان باید در این مسیر گام بردارند و این مطلب را فرهنگ‌سازی کنند تا از این پس، شاهد رفتارهای عجیب و غریب پس از پاسخ منفی یک طرف ازدواج، از طرف دیگر نباشیم.

وقتی پاسخ منفی می‌شنوید، برای نامزدتان آرزوی خوشبختی کـنید و حتی دلیل پاسخ منفی را نیز از او نپرسید.

رفتارهایی چون روی آوردن به اعتیاد، افسردگی‌های حـاد، تـهدید بـه خودکشی، تهدید به صدمه زدن به طرف مقابل، از بـین رفـتن انگـیزه بـرای ازدواج، فـراری دادن خـواسـتگاران و... نـمونه‌هایی از عکس‌العـمل‌های غیرمنطقی پس از شنیدن پاسخ منفی است که باید اصلاح شود.

برای از بـین رفـتن ایـن گـونه بـازخـوردها، از هـمان ابـتدای فـرایـند خواستگاری اجازه ندهید محبت و عشق طرف در دلتان لانه کند و تا واپسین لحظات، احتمال بدهید که ممکن است مانعی برای ازدواجتان پیش بیاید.

انسان‌های متعالی، همیشه بین شناخت واحساس (عشق)، تعادل ایجاد می‌کنند.

هدایای نامزدی

نامزدی ما به هم خورده است. آیا لازم است هدایایی را که خواستگار آورده، به او بازگردانیم؟

بر اساس ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی ایران، هدایا دو نوعند:

۱. آن‌هایی که پس از مدتی بی‌ارزش می‌شوند؛ از جمله گل و شیرینی، لوازم آرایشی و جوراب و دستمال، لباسی که پوشیده شده یا لوازم مصرفی که از آن‌ها استفاده شده است. این گونه هدایا لازم نیست برگردانده شوند.

۲. آن‌هایی که به طور معمول نگه داشته می‌شوند؛ مانند طلا، جواهر، خودرو و... . این گونه هدایا باید برگردانده شوند و اگر عین آن‌ها موجود نباشد، باید قیمت آن‌ها پرداخت شود، مگر این که شخص در از بین رفتن آن‌ها تقصیری نداشته باشد.[1]

۱. سید حسن امامی، ***حقوق مدنی***، ج۴، ص۳۳۳.

دوران عقد

زمان اجرای عقد

اجرای عقد، چند وقت پس از جلسه بله برون مناسب است؟

زمان اجرای عقد، در جلسه بله برون معیّن می‌شود و به طور معمول مدت زمان زیادی بعد از آن طول نمی‌کشد؛ زیرا پس از توافق دو طرف، دلیلی برای نامحرم بودن دختر و پسر وجود ندارد.

نکته مهم این است که بدون دلیل موجه به تأخیر نیفتد و رفتارهایی از قبیل نشان گذاشتن، انگشتر دست کردن، شیرینی خوردن و... هیچ یک پسندیده و به صلاح دو خانواده به ویژه خانواده دختر نیست؛ زیرا هیچ یک از این رفتارها تعهد شرعی و قانونی ایجاد نمی‌کند و ممکن است پس از مدتی و تغییر شرایط پسر و دختر، یکی از دو طرف منصرف شود و برایشان پیامدهای منفی داشته باشد.

به عللی که پیش‌تر ذکر شد (ر.ک: ص۱۲۳ـ۱۲۵)، اجرای صیغه عقد موقت هم کار سنجیده‌ای نیست. پس از جلسه بله برون حتما باید دختر و

پسر به شکل دائم عقد شوند و این عقد در دفتر ثبت ازدواج و نام دو طرف در شناسنامه‌های یک دیگر ثبت شود.

چگونگی عقد

برای این که اجرای عقد مناسب و خوبی داشته باشیم، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

برای اجرای عقد، زمانی مناسب و مبارک، و در صورت امکان، مکانی مقدس را در نظر بگیرید.

مطالب مندرج در سند ازدواج را (به ویژه آقایان) مطالعه کنید. در بند اول این سند آمده است که ضمن عقد نکاح، زن شرط کرد که هرگاه طلاق به درخواست او نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق، ناشی از کوتاهی در انجام دادن وظایف همسری یا سوء اخلاق یا سوء رفتار وی نبوده، مرد موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که بعد از ازدواج با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زن خود منتقل کند.[1]

با انحرافات و خرافات مربوط به عقد، مانند خرافات دیگر ازدواج (ر.ک: ص ۷۱ و ۷۲) مقابله کنید.

یکی از انحرافات مربوط به عقد، خرید حلقه طلا از طرف خانواده دختر خانم برای داماد است که مراجع تقلید، آن را جایز ندانسته‌اند؛[2] افزون بر

۱. ر.ک: اسناد ازدواج صادر شده از مهرماه ۱۳۶۲ به بعد.
۲. سید مسعود معصومی، ***احکام روابط زن و مرد***، ص ۱۸۱.

این‌که استعمال طلا برای مرد چه در نماز و چه در غیر نماز حرام است.[1]

پس از عقد، دختر و پسر با هم محرم می‌شوند و دوران عقد آغاز می‌شود. این دوران با توجه به این که نگرانی‌ها و اضطراب‌های نامزدی تمام شده و تا زمان عروسی مسؤولیتی بر دوش دو طرف نمی‌آید، شیرین‌ترین و جذاب‌ترین دوران زندگی انسان است و در عین حال، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چون زمینه‌ساز و شکل دهنده زندگی بعدی خواهد بود. علت این اهمیت، ماندگاری خاطرات است؛ چون زوج جوان روی رفتار همدیگر تأمل می‌کنند؛ به ویژه دختر که حافظه جزئی‌اش بسیار قوی است و جزئیات رفتاری همسرش را به خوبی به ذهن می‌سپارد.

جشن عقد

آیا گرفتن جشن عقد حتما لازم است؟

گرفتن جشن ازدواج در اسلام، مستحب (نیکو) است و واجب نیست.

روش اولیای الاهی این بوده که برای ازدواج جشن می‌گرفته‌اند. رسول خدا ﷺ برای ازدواج حضرت امیر ﷺ و فاطمه ﷺ جشن گرفتند.

افزون بر جشن، ولیمه عروسی (مهمانی و غذا دادن) نیز مستحب است.

امام صادق ﷺ فرمود:

طَعامُ الْعُرسِ تَهُبُّ فیه رائِحَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ.[2]

بر غذای عروسی، رائحه‌ای از بهشت می‌وزد.

۱. همان، ص ۸۵.
۲. حرعاملی، ***وسائل الشیعه***، ج ۲۴، ص ۳۰۸.

جشن ازدواج را حذف نکنید؛ گرچه آن را مختصر برگزار کنید، مگر این که دلیل خاص و مهمی بر حذف آن داشته باشید.

توجه داشته باشید که ممکن است در دلتان به ویژه دختر به شکل آرزویی برآورده نشده بماند و در آینده با دیدن جشن ازدواج دوستان و نزدیکان، احساس خوبی نداشته باشید.

فواید دوران عقد

آیا دوران عقد فوایدی دارد که بر وجود آن تأکید می‌شود؟

بله، دوران عقد فوایدی دارد و اگر حذف شود، یعنی عقد و عروسی همزمان صورت پذیرد یا زمان دوره عقد بسیار محدود باشد، زوج جوان از فواید آن محروم می‌شوند؛ بنابراین، باید مدتْ زمان متعادل داشته باشد تا افزون بر استفاده از آن فواید، جلو مشکلات احتمالی نیز گرفته شود.

فواید دوران عقد عبارتند از:

۱. شناخت بهتر و عمیق‌تر و ورود به زندگی با تفاهم بیشتر؛

۲. فرصت تجدید نظر در صورت عدم تفاهم جدی و جدایی؛

۳. قطع تدریجی ارتباط عاطفی دختر و پسر با خانواده؛

۴. کارورزی ازدواج (کسب مهارت‌های زندگی مشترک برای دختر، و کاهش ارتباط با دوستان مجردی، زودتر آمدن به منزل و تعدیل در خرج‌ها برای پسر)؛

۵. آمادگی تدریجی برای پذیرش بار مسؤولیت با مطالعه کتاب‌های مناسب روابط زناشویی و شرکت در جلسات آموزش خانواده؛

۶. آمادگی والدین دختر برای تهیه جهیزیه و پسر برای فراهم آوردن مقدمات ازدواج.

همان گونه که پیش‌تر ذکر شد، مدت دوره عقد باید متعادل باشد؛ بنابراین از طولانی کردن آن نیز بپرهیزید، مگر این که دلیل خاصی (ادامه تحصیل، اتمام خدمت نظام وظیفه، عدم امکانات اولیه، تردید در تفاهم و...) داشته باشید. در صورت طولانی شدن دوره عقد، مشکلاتی پدید می‌آید که عبارتند از:

۱. فشار اقتصادی بر خانواده دختر به جهت پذیرایی از داماد؛

۲. محدودیت مکانی احتمالی دختر در منزل پدر و سختی ارتباط؛

۳. وجود خواهر یا برادران دختر در منزل پدری و محدودیت در ارتباطات عاطفی بین زوج جوان؛

۴. برجسته شدن احتمالی نقاط ضعف و ایجاد تردیدهای بیجا در دختر و پسر.

شناخت در دوران عقد

چگونه می‌توان در دوره عقد، شناخت کامل‌تری از همسر خود به دست آورد؟

دوره عقد، دوره شناخت بهتر و عمیق‌تر است. شناخت در دوره نامزدی برای انتخاب بود و شناخت در این دوره برای تفاهم بیشتر و در نتیجه سازگاری افزون‌تر در زندگی مشترک است.

امکان شناخت در این دوره خیلی بیشتر است؛ زیرا محدودیت‌های

دوره نامزدی وجود ندارد. ترس‌ها، دلهره‌ها و رودربایستی‌ها از بین رفته و امکان رابطهٔ راحت‌تر و گفت و گوی بیشتر وجود دارد. افزون بر این، شناخت در موقعیت‌های مختلف، از جمله جمع خانواده، جمع نزدیکان (با پاگشا کردن)، جمع دوستان و در مسافرت‌ها انجام می‌شود که با توجه به تغییر موقعیت همسر شما، زوایای روحی‌اش بیشتر برایتان آشکار خواهد شد.

امام علی علیه السلام فرمود:

فی تَقَلُّبِ الْاَحْوالِ عُلِمَ جَواهِرُ الرِّجالِ.[۱]

در دگرگونی حالت‌ها، حقیقت افراد شناخته می‌شود.

پس از این موقعیت‌ها برای شناخت کامل‌تر از همسر خود استفاده کنید.

روابط دوران عقد

مطلوب‌ترین شکل ارتباط در دوران عقد چیست و چگونه می‌توان از این دوره برای استحکام پایه‌های زندگی مشترک استفاده کرد؟

چگونگی روابط و میزان آن، تابع فرهنگ خاص هر شهر و دیار است. در هر صورت، توصیه می‌کنیم که اصل اعتدال در این روابط رعایت شود.

برای رعایت اعتدال و بهره‌گیری مناسب از این دوره، بهتر است پسر با دختر در این باره به گفت و گو بنشیند تا با فضای خانه و فضای فکری خانواده او در مورد ارتباطات و میزان آن آشنا شود؛ البته نباید به رأی دختر بسنده کند و بازخورد خانواده او را نیز باید ببیند.[۲]

---

۱. همان، ج۱۵، ص۲۸۱.

۲. دختر با توجه به ویژگی شدت عواطف و عشق‌ورزی، دوست دارد همسرش را بیشتر ملاقات کند؛ اما شاید

توجه پسر به محدودیت‌های اقتصادی، فضای منزل و وجود فرزندان کوچک‌تر در منزل پدری دختر، و تعدیل ارتباطات، بسیار پسندیده است.

حتماً پیش از ملاقات با همسر خود برنامه‌ریزی کنید تا هم دختر و هم خانواده‌اش آمادگی لازم از جهت تهیه امکانات، نظافت، پوشش اعضای خانواده، پوشش خود دختر، آمادگی استقبال و... را داشته باشند.

بکوشید در میزان ارتباطات نیز تعادل داشته باشید. نوسانات شدید در ارتباطات دوره عقدبستگی، باعث اضطراب دختر می‌شود.

وقتی برای ملاقات همسر خود به منزل پدری او می‌روید، حتماً چند دقیقه‌ای را در جمع خانواده او حضور یابید تا هم به آنان احترام گذاشته باشید و هم احساس نکنند فرزندشان را از آنان گرفته‌اید.

برای بیرون رفتن و تفریح و مسافرت، با والدین دختر هماهنگی کنید و به عرف خانواده‌ها در این باره توجه داشته باشید.

افزون بر دیدار همسر، از اظهارمحبت به او در خلوت خودتان (و نه در حضور دیگران و به‌ویژه نوجوانان) غفلت نکنید.

احترام گذاشتن به یک دیگر در جمع دیگران بسیار مطلوب است.

یکی از بهترین رفتارها در دوره عقد، هدیه دادن به یک دیگر (به ویژه از طرف مرد) به مناسبت‌هایی چون اعیاد، سالروز تولد، سالگرد ازدواج و... است؛ اگرچه هدیه‌ای کوچک باشد.

خانواده‌اش تمایل به ارتباط زیاد نداشته باشند.

روابط زناشویی در دوران عقد

ارتباط زناشویی در دوران عقد تا چه حد باید باشد و آیا محدودیتی دارد؟

با خواندن عقد، دختر و پسر همسر هم می‌شوند و هرگونه ارتباطی بین آن‌ها حلال می‌شود؛ اما بهتر است آن مقدار از رابطه جنسی که عرفاً و طبق رسوم جامعه ایرانی به بعد از عروسی موکول شده، رعایت شود.

رعایت این مسأله به نفع هر دو طرف است؛ زیرا اگر در دوران عقد، کار به جدایی کشید، پسر باید مهر را به طور کامل بپردازد و دختر نیز چون دوشیزه نیست، فرصت‌های زیادی را برای ازدواج بعدی از دست می‌دهد و در موضع تهمت نیز قرار خواهد گرفت؛ زیرا دیگران ممکن است چنین برداشت کنند که علت جدایی او، مشکلی در وضعیت دوشیزگی او بوده است.

عدم برقراری ارتباط

مدت یک ماه است عقد بسته‌ایم؛ اما همسرم اجازه نمی‌دهد با او تماس جسمی برقرار کنم. مشکل چیست؟

با این فرض که ازدواجتان تحمیلی نبوده (ر.ک: ص۲۵و۲۶)، مقداری شرم و حیا و اضطراب به سبب ارتباط، تا چند روزی در برخی خانم‌ها طبیعی است و از بین می‌رود.

به آقایان توصیه می‌شود که از عجله برای ایجاد ارتباط بپرهیزند و مدتی را با گفت و گو، ناز و نوازش و امید دادن به آینده، در همسرشان آرامش ایجاد کنند.

در صورت استمرار این حالت تا مدتی غیرعادی و طولانی، مراجعه به مشاوری آگاه و با تجربه لازم است تا ریشه‌یابی و به شما کمک کند.

احتمال دارد که این حالت به علت نیاموختن مهارت‌های ارتباطی، تصوری ناخوشایند از مرد به سبب شنیدن یا دیدن خشونت و زورگویی در او، مشکلات روحی ـ روانی موجود در دوران کودکی، و عدم ترشحِ هورمون‌های خاصی باشد که تمایل به جنس مخالف را در فرد ایجاد می‌کند.

آسیب‌های دوران عقد

در دوران عقد، چگونه رفتار کنیم تا مانع از آسیب‌ها و مشکلات احتمالی برای زندگی مشترک شویم.

در دوران عقد آسیب‌هایی وجود دارد که اگر با آن‌ها مقابله نشود، پایه‌های زندگی مشترک را سست خواهد کرد. مهم‌ترین این آسیب‌ها عبارتند از:

۱. ذهنیت نادرست: ذهنیت‌های نادرست درباره مادرزن و مادرشوهر باید اصلاح شود. به خانواده همسر خود حق دهید که از فرزندشان حمایت‌های شدید عاطفی داشته باشند. این حمایت‌ها به سبب قطع رابطه عاطفی است. شما باید به آن‌ها ثابت کنید که نه تنها فرزندشان را از آنان نگرفته‌اید، بلکه فرزند دیگری هم نصیبشان شده است.

۲. یادآوری گذشته: از یادآوری تنش‌های احتمالی در دوره نامزدی درباره مهریه، خرید، جشن و... با ذکر لا اله الا الله بپرهیزید. یادآوری این مسائل کار شیطان است تا بین شما بغض و کینه ایجاد کند (إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ

بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَاوَةَ وَٱلْبَغْضَاءَ).[1]

از یادآوری خواستگاران یا خانم‌هایی که به خواستگاری‌شان رفته‌اید، بپرهیزید. متأسفانه برخی از پسرها در این دوره، افزون بر این، از ارتباطات قبلی خود با جنس مخالف می‌گویند و به آن افتخار هم می‌کنند که بسیار خطرناک است.

۳. وسوسه‌ها: تنوع‌طلبی از حالات انسان است و او را از قانع بودن به داشته‌هایش باز می‌دارد. با این حالت مبارزه کنید و اجازه ندهید مسائل جزئی و کم‌اهمیت، شما را وسوسه و در اصل انتخاب دچار تردید کند یا به جدایی بکشاند. اشکالات جزئی در همسر (اثر زخمی کوچک بر پوست بدن) یا عمل نکردن خانواده طرف به برخی قول و قرارهای مادی نمی‌تواند دلیل موجهی بر جدایی باشد.

۴. مقایسه: از مقایسه همسر خود با دیگران بپرهیزید. یادتان باشد که شما فقط نقاط مثبت دیگران را می‌بینید و از نقاط منفی آنان اطلاعی ندارید؛ همان گونه که دیگران نقاط منفی شما یا همسرتان را نمی‌بینند.

۵. توقعات بیجا: نگرش‌های آرمانی و شاعرانه در ازدواج درست نیست. در دوره عقدبستگی، تعهدات جدی ایجاد نمی‌شود؛ پس انتظار شما نیز باید در همین حد باشد.

توقع توجه کامل همسر به شما و بریدن از خانواده، توقع قطع ارتباط کامل با دوستان دوران مجردی، توقع اطاعت از شما و بی‌توجهی به نظر والدین (ر.ک: ص۷۹و ۸۰) هیچ یک توقع بجایی نیست.

---

۱. مائده (۵)، ۹۱.

۶. قهر و بی‌اعتنایی: از قهر با همسر خود و بی‌اعتنایی به او بپرهیزید. تغییر مثبت با ارتباط سازنده میسّر است، نه با قهر.

ولایت شوهر در دوران عقد

آیا در دوران عقد، اجازه دختر برای بیرون رفتن، دست پدر او است یا شوهرش؟

فتاوای مراجع تقلید در این که دختر در دوران عقد باید از همسرش اجازه بگیرد، متفاوت است. برخی این اجازه را لازم می‌دانند و برخی لازم نمی‌دانند. فتوایی هم وجود دارد که اگر در شهری که زندگی می‌کنند، متعارف این است که دختر در دوران عقد از شوهرش اجازه نمی‌گیرد، برای بیرون رفتن، اجازه او لازم نیست.

گذشته از مسائل فقهی، در عرف جامعه ما تا زمانی که دختر در منزل پدر خویش است، تحت ولایت او قرار دارد؛ همان گونه که نفقه دختر بر عهده پدر است.

توصیه ما این است که آقایان بر اعمال ولایت خود اصرار نکنند و پدران هم بر دامادشان سخت نگیرند. سخت‌گیری‌های بیش از حد و ایجاد محدودیت‌های زیاد برای داماد در این دوران، ممکن است باعث ایجاد رنجش و انتقام‌جویی‌ها و بهانه‌گیری‌های بعدی شود.

عروسی مطلوب

جشن عروسی مطلوب از دیدگاه اسلام چیست و بر چـه نکـاتی در آن تأکید می‌کند؟

اسلام بر جشن عروسی بدون گناه تأکید دارد. مکتب اسـلام هـرگز بـا جشن و شادی مخالف نـیست. رسـول خـداﷺ در جشـن ازدواج حـضرت فاطمه و علیﷺ فرمود:

شادی کنید؛ اما کاری که مورد رضایت خدا نیست، انجام ندهید.[1]

جشن عروسی بدون گناه مورد توجه خداوند است. در روایات دینی ما آمده است که در مجلس عروسی مؤمن، فرشتگان فرود مـی‌آیند و رحـمت خدا را با خود می‌آورند؛[2] بنابراین، در مجلس عروسی همراه با گناه، رحمت خداوند وجود ندارد.

برخی می‌گویند: یک شب هزار شب نمی‌شود. حـیف است کـه پـیوند مقدس ازدواج با گناه آغاز شود.

اختلاط زن و مرد، پوشش‌های نامناسب تحریک کننده، مزاحمت برای دیگـران، اسـراف و بـرگزاری مـراسـم‌های پـرهزینه، چشـم و هـم‌چشمی، فخرفروشی و ایجاد عقده در دیگران، گناهانی افزون بر گناه زدن و رقصیدن و گوش دادن به موسیقی‌های حرام است.

شما می‌توانید با استفاده از مداحان خوش‌صدا و هنرمندان خـوش‌ذوق، بـا خواندن اشعار شادی‌بخش و شنیدن لطیفه‌های مناسب، و صرف شیرینی و شربت

۱. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج۱۴، ص۱۹۸.
۲. نرم‌افزار پرسمان۲ (www.porseman.org).

و ولیمه عروسی، مجلس شاد و با نشاط و در عین حال بدون گناه داشته باشید.

عدم امکان ازدواج

به نظر شما، کسانی که به هر دلیلی امکان ازدواج را ندارند، چه شیوه‌ای را در زندگی پیش‌گیرند؟

اگر امکان ازدواج را ندارید، بـرای پـذیرش راحت‌تـر آن، بـرای خـود برنامه‌ریزی کنید. برنامه‌ای متنوع و جـذاب از کـارهای عـلمی، ورزشـی و هنری، پـذیرش ایـن مـوقعیت را بـرای شـما آسـان‌تر مـی‌سازد. از بـیکاری بپرهیزید و برای نشاط و شادابی افـزون‌تر، ارتـباطات اجـتماعی خـود را بـا نزدیکان و دوستانِ سالم بیشتر کنید. در صورت امکان، مسافرت و برنامه های تفریحی سالم با دوستان در شادابی شما بسیار مؤثر است.

کسانی که به هر دلیلی ازدواج نکرده‌اند، متأسفانه از سوی برخی مردم ناآگاه در معرض نیش و کنایه‌اند. انزوا جویی شما و گریز از جمع، این نیش و کنایه‌ها را افزایش می‌دهد.

سعی کنید با حضور در محافل و مجالس مناسب و رسیدگی بیشتر بـه ظاهر خود و شادابی در چهره، این افراد را خلع صلاح کنید.

یادتان باشد که ازدواج با همه اهمیت آن، همه زندگی نیست. افرادی از گروه‌های مختلف مردم، حتی پیامبران همچون حضرت عیسی ابن مریمﷺ و برخی از عالمان دینی و بعضی از فرزندان امامان معصومﷺ به هر دلیـلی تـا آخر عمر ازدواج نکرده‌اند؛ اما زندگی را تمام شده نپنداشته‌اند.

در بین عالمان، مرحوم میرزا حسن جلوه، فیلسوف معروف و ابوالعـلا

مَعّری، لغوی مشهور و در بین امامزادگان، حضرت معصومه عليها السلام[1] و خواهرانش تا آخر عمر ازدواج نکردند.

ازدواج، بهترین راه برای رفع غرایز جنسی است؛ اما شما که امکان آن را ندارید می‌توانید با راهکارهایی بر فشار غرایز خود غلبه کنید. برخی کنترل غرایز را بدون ازدواج محال می‌دانند که این گونه نیست.

برای کاهش فشار غرایز جنسی، به نکات ذیل توجه کنید:

۱. از خداوند کمک بگیرید و بردباری کنید (ٱسْتَعِينُوا بِاللهِ وَٱصْبِرُوا)[2] و بدانید که خداوند بردباران را پاداش بی‌شمار می‌دهد (إِنَّمَا يُوَفَّي ٱلصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ)[3]؛

۲. با عبادت و حضور در محافل مذهبی و تلاوت قرآن، توان مقابله با شیطان را در خود فزونی دهید؛

۳. در صورت امکان، روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه بگیرید؛

۴. از هر کاری که زمینه‌های تحریک جنسی شما را فراهم می‌آورد بپرهیزید. رفتن به مکان‌های تحریک کننده، دیدن تصاویر و فیلم‌های نامناسب، گفتن و شنیدن شوخی‌های جنسی، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبنده به بدن، لباس‌های زیر از جنس مواد صنعتی (غیر نخی)، پرخوری، خوردن خوراکی‌های با طبع گرم، سرخ کردنی‌ها، غذاهای پرچرب، پیاز خام و سیر، نوشیدن افراطی آب به ویژه در شب، پر بودن مثانه قبل از خواب، دمر خوابیدن و... نمونه‌هایی از تحریک کننده‌های جنسی هستند.

---

۱. دختران امام موسی بن جعفر عليه السلام از جمله حضرت معصومه عليها السلام ازدواج نکردند و علت آن، خفقان شدید هارونی بود که کسی جرأت نداشت به خانه حضرت رفت و آمد کند تا چه رسد به این که دامادش شود. هارون می‌خواست نسل حضرت کم شود؛ به همین دلیل مانع ازدواج دختران آن بزرگوار می‌شد.

۲. اعراف (۷)، ۱۲۸.

۳. زمر (۳۹)، ۱۰.

کتابنامه

۱. امام خمینی، روح الله، **تحریرالوسیله**، ج۲، بی‌نوبت چاپ، تهران، مکتبة االعلمیة الاسلامیه، بی‌تا، وزیری، ۷۸۳ص.

۲. ـــــــــ **ترجمه تحریرالوسیله**، ج۳، علی اسلامی، بی نوبت چاپ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی‌تا، وزیری، ۶۵۲ص.

۳. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ج۴، نوزدهم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۶ش، وزیری، ۵۸۴ص .

۴. افروز، غلامعلی، **مبانی روان‌شناختی ازدواج**، سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش، وزیری، ۱۷۰ص.

۵. اکبری، محمود، **خرافه‌ها و واقعیت‌ها**، اول، قم، سبط اکبر، ۱۳۸۷ش، رقعی، ۱۳۴ص.

۶. ـــــــــ **صمیمانه با عروس و داماد**، اول، قم، نورالزهرا، ۱۳۸۵ش، رقعی، ۲۶۰ص.

۷. بابایی آملی، **داستان ازدواج معصومین**، پنجم، مشهد، پیوند با امام، ۱۳۸۶ ش، رقعی، ۳۱۲.

۸. بیابانگرد، اسماعیل، **جوانان وازدواج**، دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ش، وزیری، ۱۹۴ ص.

۹. حسن‌پور، سیده بتول، **گذر از پیچ‌وخم‌های خواستگاری**، اول، مشهد، مرکز خدمات مشاوره‌ای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ش، خشتی، ۱۰۷ص.

۱۰. حسینی، سید مهدی، **مشاوره در آستانه ازدواج**، سوم، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰ش، رقعی، ۲۱۵ص.

۱۱. حسینی تهرانی، سیدابوالحسن، **سرمشق زندگی**، اول، قم، پیام قدس، ۱۳۸۴ ش، وزیری، ۲۶۱ص.

۱۲. دانشمند، مهدی، **کلبه عشق**، چهارم، قم، خادم‌الرّضا، ۱۳۸۳ش، رقعی، ۱۸۴ص.

۱۳. سادات، محمد علی، **راهنمای همسران جوان**، یازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۱۷۵ص.

۱۴. شفیعی مازندرانی، سید محمد، **راز خوشبختی واعجاز ازدواج**، اول، قم، عطرآگین، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۳۱۲ص.

۱۵. صافی، احمد، **خانواده متعادل ونامتعادل**، نهم، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶ش، رقعی، ۱۶۵ص.

۱۶. طاهری، حبیب الله، **سیری در مسائل خانواده**، اول، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱ش، وزیری، ۱۹۹ص.

۱۷. غضنفری، علی، **زفاف**، دوم، قم، نیلوفرانه، ۱۳۸۳ش، رقعی، ۲۰۷ص.

۱۸. غفاری، محسن، **پیمان زناشویی**، اول، تهران، پیام‌آزادی، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۹۶ص.

۱۹. کیهان‌نیا، اصغر، **خانواده خوشبخت**، اول، تهران، مادر، ۱۳۸۲ش، رقعی، ۳۶۸صو

۲۰. ـــــــــــ **جوانان و ازدواج**، اول، تهران، مادر، ۱۳۷۷ش، رقعی، ۴۰۵ص.

۲۱. ماجراجو، محسن، **نیازها و روابط عروس و داماد**، دوم، قم، منشور وحی، ۱۳۸۲ ش، رقعی، ۱۶۶ص.

۲۲. محقق، محمدرضا، **آزمون انتخاب همسر**، اول، تهران، پیام‌آزادی، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۷۲ص.

۲۳. محمدی نیا، اسدالله، **دختران می‌پرسند چرا**، اول، قم، سبط اکبر، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۱۵۳ص.

۲۴. مشکینی، علی، **ازدواج در اسلام**، احمد جنتی، هجدهم، قم، الهادی، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۲۴۰ص.

۲۵. مظاهری، علی اکبر، **جوانان و دوران نامزدی**، چهارم، قم، پارسایان، ۱۳۸۲ش، رقعی، ۷۱ص.

۲۶. ـــــــــــ **جوانان وانتخاب همسر**، بیست و هشتم، قم، پارسایان، ۱۳۸۶ش، وزیری، ۲۶۰ص.

۲۷. معصومی، سید مسعود، **احکام روابط زن و مرد**، هجدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش، رقعی، ۲۴۰ص.

۲۸. ملک زاده، فهیمه، **حقوق ناشی از ازدواج در اسلام و برخی جوامع غربی**، اول، قم، فلاح، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۳۶۰ص.

۲۹. ملک محمودی، امیر، **راهنمای خانواده**، سی وسوم، قم، شهاب الدین، ۱۳۸۴ش، رقعی، ۳۱۸ص.

۳۰. مؤسسه خدمات مشاوره‌ای آستان قدس رضوی، **یک سبد بوی بهشت**، اول، مشهد، ۱۳۸۷ش، خشتی، ۸۶ص.

۳۱. موسوی خویی، سیدحجت، **احکام ازدواج دائم و موقت**، دوم، قم، طوبای محبت، ۱۳۸۶ش، رقعی، ۲۰۸ص.

ص ۱۳۰ سطر ۹